





پا؟ ان نامه برا؟ در؟ افت درجه کارشناس؟ ارشد (M.A)
گرا؟ ش : حقوق عموم؟

عنوان :

بررس؟ نظام نظارت بر انتخابات توسط شورا؟
نگهبان و وزارت کشور

زمستان 1389

چکیده :

یکی از بزرگترین ابتکارات بشر برای افزایش میزان مشارکت مردم در تعیین سرنوشتشان انتخابات دموکراتیک است. برگزاری انتخابات بر عهده قدرت اجرایی کشورها است که به‌علت داشتن امکانات اجرایی امکان نفوذ در انتخابات و متوجه کردن آراء مردم به سمت و سوی خاص را دارد. به منظور رفع این ایراد و تضمین سلامت انتخابات، تأسیس حقوقی نظارت بنیان نهاده شده است. هدف کلی از نظارت این است حقوق سیاسی شهروندان و جابجایی قدرت بر اساس اراده واقعی مردم و مشروعیت و اصالت انتخابات و حسن اجرای قوانین و مقررات، جلوگیری از بروز تخلفات و جرایم انتخاباتی، ایجاد ثبات سیاسی، مدیریت کارآمد و مؤثر، بهبود اعتماد و اطمینان عمومی از صحت فرایند انتخابات، کمک مؤثر به حل تعارضات و اختلافات را تضمین نماید. در جمهوری اسلامی ایران این وظیفه خطیر و حساس به نهاد شورای نگهبان سپرده شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در اصل 99 به آن پرداخته است. در اصطلاح به دو نوع نظارت اشاره شده است 1- نظارت استصوابی 2- نظارت استلاعی. نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نظارت استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید صلاحیت کاندیداها می‌گردد. شورای نگهبان مسئول و ناظر بر اجرای انتخابات و ناظر عمل هیأت اجرایی به جهت استناد قانون است و در صورت تخلف، شورای نگهبان موظف است با استناد به قوانین کشور رأی نهائی را صادر کند، نه اینکه به جهت اجتهاد یا برداشت شخصی، افرادی را فاقد صلاحیت بداند. قانونمند بودن نظارت می‌تواند به معنای تفکیک کامل حدود نظارت و اجرا و فراهم شدن زمینه مشارکت مردم در انتخابات و ایجاد امنیت قانونی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان باشد.

«فهرست مطالب»

عنوان	صفحه	چکیده
مقدمه	1.....	
الف: بیان مسأله	1.....	
ب: علت و انگیزه انتخاب موضوع	2.....	
پ: ضرورت پژوهش	3.....	
ت: فرضیه	3.....	
ث: سوالات اصلی و فرعی	4.....	
ح - ضرورت پژوهش	5.....	
خ: هدف پژوهش	5.....	
ج: روش پژوهش	6.....	
چ: پیشینه پژوهش	6.....	
ع: سازماندهی پژوهش	6.....	
د: مشکلات پژوهش	7.....	
بخش اول : مبانی نظری و شاخص های نظارت بر انتخابات	8.....	
فصل اول : مفاهیم کلی و تعریف نظارت بر انتخابات	9.....	
مبحث اول : مفاهیم کلی	9.....	
مبحث دوم: تعریف نظارت و انواع آن	10.....	
مبحث سوم: ضرورت وجود نظارت	12.....	
مبحث چهارم : اهداف نظارت	16.....	

- فصل دوم : مبانی نظری نظارت بر انتخابات.....18
- مبحث اول : مبانی جامعه شناختی نظارت.....18
- مبحث دوم آسیب های تهدید کننده انتخابات24
- بند اول : آفات فرهنگی24
- بند دوم : آفات سیاسی24
- بند سوم : آفات اجتماعی25
- بندچهارم : آفات اخلاقی25
- بند پنجم : آفات اقتصادی26
- مبحث سوم : اصول حاکم بر انتخابات.....26
- بند اول: اصل آزادی سیاسی27
- بنددوم : عدالت سیاسی.....27
- بند سوم : اصل حاکمیت قانون.....29
- فصل دوم : اصول قواعد نظارت بر انتخابات32
- مبحث اول: اصل کارآمدی32
- مبحث دوم : اصل منصفانه بودن انتخابات.....33
- مبحث سوم: اصل شفافیت در انتخابات.....33
- مبحث چهارم : اصل تخصص و حرفه ای بودن34
- مبحث پنجم: اصل عدم عضویت و عدم مداخله مدیریت انتخابات در امور احزاب.....34
- بخش دوم : ساختار مدیریت نظارت بر انتخابات...36
- فصل اول : ساختار مدیریت اجرایی.....37
- مبحث اول : اصول حاکم برمدیریت انتخابات37

- مبحث دوم : وزارت کشور و نحوه بازرسی بر انتخابات 41
- مبحث سوم : ساختار مدیریت اجرایی و بازرسی 44
- مبحث چهارم : وظایف و نحوه تشکیل هیأت‌های بازرسی توسط وزارت کشور 47
- بند اول: هیأت بازرسی مرکزی انتخابات 47
- بند دوم : هیأت بازرسی استان 48
- بند سوم: هیأت بازرسی شهرستان 50
- بند چهارم: بازرسان شعب اخذ رأی 52
- بند پنجم: سایر موارد 53
- بند ششم : عوامل اجرایی 54
- بند هفتم: انواع انتخابات در جمهوری اسلامی ایران 56
- بند هشتم: انتخابات؛ تنگناها و محدودیت ها 58
- فصل دوم: ساختار مدیریت نظارت شورای نگهبان ... 66
- مبحث اول: شرایط لازم برای عضویت در شورای نگهبان 66
- مبحث دوم: نهادهای مدیریت نظارت بر انتخابات .. 67
- الف: در تعیین عوامل و تشکیلات نظارت 67
- ب: در نحوه داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت نامزدها .. 67
- مبحث سوم : نظارت بر مراحل مختلف انتخابات 83
- بند اول - نظارت در امر تبلیغات 84
- بند دوم: مرحله اخذ رأی 85
- بند سوم: در توقف و ابطال انتخابات 88

بند چهارم: شکایات و رسیدگی به آنها	89
بخش سوم : تحلیل نظام حقوقی نظارت بر انتخابات	
در مراحل مختلف	93
فصل اول : بررسی دیدگاههای مختلف پیرامون ماهیت	
نظارت بر انتخابات در ایران	94
مبحث اول : ایراد به بکارگیری دو واژه استصواب و	
استطلاع	100
مبحث دوم : ایراد به استعمال دو واژه استصواب و	
استطلاع در بحث انتخابات	112
مبحث سوم : نظارت شورای نگهبان بر امر انتخابات	
و همه پرسى از دیدگاه قانون	115
فصل دوم : مراحل مختلف نظارت شورای نگهبان بر	
انتخابات مختلف	119
مبحث اول : تشکیلات نظارت بر انتخابات ریاست	
جمهوری	119
اول: هیأت مرکزی نظارت	119
دوم: هیأت نظارت شهرستان و ناظران شعب	120
سوم : هیأت اجرایی	122
مبحث دوم : در شرایط انتخاب شوندگان و اعلام	
داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت آن ها	124
بند اول: شرایط انتخاب شوندگان	125
بند دوم: در اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت	
داوطلبان	136
الف : در اعلام داوطلبی	136
ب: رسیدگی به صلاحیت داوطلبان	137

- بند سوم : نظارت بر جریان انتخابات 139
- اول: در امر تبلیغات 139
- دوم: در مرحله اخذ رأی 139
- سوم: در توقف یا ابطال انتخابات 141
- چهارم: در رسیدگی به شکایات 142
- پنجم : در اعلام نتیجه و صدور اعتبار نامه 143
- مبحث سوم: نظارت شوراي نگهبان بر امر انتخابات
مجلس شوراي اسلامي از دیدگاه قانون 145
- بند اول : مرحله سنجش مساعد بودن محیط برای
انجام انتخابات 146
- بند دوم: کلیات وتشکیلات نظارت 147
- الف: کلیات 147
- ب: تشکیلات نظارت 148
- اول: هیأت مرکزي نظارت شوراي نگهبان بر انتخابات
..... 148
- دوم : هیأت مرکزي نظارت شوراي نگهبان بر
انتخابات 150
- سوم: ناظرین شعب ثبت نام و اخذ رأی 155
- چه ارم : وظایف واحد بازرسي و رسیدگی به شکایات 156
- پنجم : وظایف بازرسان ویژه 156
- بند سوم : در تشکیل هیأت اجرایی 157
- بند چهارم : شرایط انتخاب شوندهگان و محرومان از
انتخابات 160
- اول : شرایط انتخاب شوندهگان 160

دوم : محرومان از انتخابات.....	161
بند پنجم: در اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان.....	165
الف: اعلام داوطلبی.....	165
ب: رسیدگی به صلاحیت داوطلبان.....	166
بندششم: نظارت بر جریان انتخابات.....	171
الف: در مرحله اخذ رأی.....	171
ب: در توقیف یا ابطال انتخابات.....	172
بند هفتم : در رسیدگی به شکایات و صدور اعتبار نامه.....	173
مبحث سوم: نظارت شورای نگهبان بر امر همه پرسی از دیدگاه قانون.....	174
بند اول : همه پرسی و انواع آن.....	174
بند دوم : ضرورت و چگونگی نظارت بر همه پرسی.....	178
نتیجه و پیشنهاد.....	181
فهرست منابع.....	185

مقدمه :

الف : بیان مسأله

انتخابات مهمترین راهکار عملی شدن دموکراسی و معیاری برای ارزیابی جایگاه و میزان نقش آفرینی مردم در نظامهای سیاسی امروزی است. انتخابات به معنی چارچوب و ابزاری که از طریق آن اراده‌ی مردم در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت سیاسی به ظهور می‌رسد و از این طریق مردم در عرصه‌های تصمیم‌گیری اجرا و نظارت، نقش آفرینی می‌کنند.¹

استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن در قرن هفدهم و هجدهم با پذیرش نظریه نمایندده سالاری و ایجاد رژیم‌های نمایندده‌ای متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی انجام پذیرفت و در بسیاری از کشورها اراده‌ی مردم پایه و اساس و منشاء قدرت دولت شناخته شد و به تبع آن اصل حاکمیت و استقلال ملی تا مدت‌ها سر راه دخالت جامعه بین‌المللی در تنظیم رابطه‌ی میان دولت و ملت‌ها به شمار می‌رفت²

1- بزرگمهری، مجید ، بررسی تطبیقی نظامهای انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (مرکز اسناد انقلاب اسلامی ، زمستان 85) ، ص 11

² - قاضی، سید ابوالفضل ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، (تهران ، نشر میزان ، چ دهم ، 1383) ص 579 و 578

گواینکه پذیرش اصل برگزاري انتخابات ضامن تجلي اراده واقعي مردم مي باشد. به واقع ترفندهاي بسياري وجود دارد که با دست يازيدن به آنها دولت ها مي توانند بر اراده ي واقعي مردم سرپوش نهند و نتيجه ي انتخابات را به نفع خويش رقم زنند. . از همين جا اهميت نظارت بر انتخابات معلوم ميشود. رايگيري از مردم اگر به گونه اي صحيح صورت پذيرد مي تواند بيانگر خواست واقعي آنها باشد. . از نظر حقوق عمومي م هم اين است که انتخابات آينه تمام نمای اراده مردم باشد. امانتداري کامل آراء در آن رعايت گردد. امروزه اصل برگزاري انتخابات به عنوان بستر تجلي اراده آزاد واقعي مردم در قوانين اساسي اغلب کشورها به رسميت شناخته شده و يکي از مسلمات و ضرورتهاي اوليه جوامع مردم سالار به شمارآمده است.

اعلاميه جهاني حقوق بشرکه در سال 1948 بلا فاصله پس از جنگ جهاني دوم ص ادر گرديده مقرر داشت که انتخاب نهادهايي که برگزيده مردم باشند اساس مديریت امور عمومي است. اين اصل کلي دموکراسي عملي متعاقباً در چندین سند جهاني يا منطقه اي بارها مورد تاييد قرارگرفته اکنون ترديدي در اين

نیست که انتخابات ادواری و واقعی سنگ بنای

دموکراسی است.

در نظام جمهوری اسلامی ذیل عنوان کلی جمهوریت بر مشارکت مردم و حضورشان در عرصه‌های مختلف تأکید شده است. اصل 56 قانون اساسی حق تعیین سرنوشت را به عنوان يك منشاء حاکمیت و قدرت سیاسی به رسمیت شناخته شده در این راستا اصل ششم قانون اساسی اظهار داشته که در جمهوری اسلامی ایران اداره ی امور کشور به اتکای آرای عمومی است.

قانون اساسی وظایف و مسئولیت های سنگین و حساس را بر عهده شورای نگهبان قرار داده که در يك جمله کوتاه می توان گفت از مهمترین رسالتهای شورای نگهبان به مقتضای اصل 99 قانون اساسی نظارت بر انتخابات است.

ب) علت و انگیزه انتخاب موضوع:

با عنایت به مباحثی که در چندین سال اخیر در خصوص مسئله نظارت شورای نگهبان و وزارت کشور مطرح گردیده و موضوع مذکور موجبات مناقشات سیاسی و بحث‌های مطبوعاتی زیادی را فراهم کرده است و زمینه ایجاد ذهنیت های متفاوت پیرامون چگونگی نظارت شورای نگهبان و آیا اینکه نظارت مزبور

استصوابی یا اطلاعی است و یا از نوع دیگر می باشد
 بوجود آمده است و طرفداران هر یک از نظریات ،
 نظریه خویش را صحیح و نظریات دیگر را نادرست
 می دانند.

به هرحال مجموعه دلایل بیان شده و همچنین
 مسائلی که در چندین سال اخیر پیش آمده این
 انگیزه و اشتیاق را در اینجانب ایجاد کرده تا با
 نگاهی بی طرفانه مسئله مزبور را به بحث و بررسی
 کشانده و با نگرشی حقوقی، تحقیقی جامع و مفید را
 به دور از موضع گیریهای سیاسی تبلیغاتی جهت
 بهره برداری صاحب نظران، محققین و دوستداران این
 موضوع فراهم نمایم.

پ- ضرورت پژوهش

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می شود که
 نظارت بر انتخابات نقش بزرگی در مهار کردن قدرت،
 تعبیر شده است، و ابزاری است که به وسیله آن
 می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای
 سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی
 مداخله داد. لذا انجام این تحقیق بیان نقاط ضعف
 و قوت مقررات موجود و ارائه راهکارهای مناسب جهت

رفع خلاء هاي قانوني امري ضروري و اجتناب ناپذير است.

ت- فرضيه

اهميت نظارت بر انتخابات در قوانين اساسي کشورها مورد توجه قرار گرفته و در بيشتر موارد سعی بر آن شده است که نهاد ناظر متشکل از افرادي باشد که در نتايج انتخابات ذينفع نباشند. در اين خصوص، بيشترين توجه بر اين است که قوه مجريه به خاطر ذينفع بودن از نتيجه انتخابات اولاً در مقام نظارت مذکور قرار نگیرد و ثانياً در مقام مجري انتخابات توسط نهاد «ناظر» تحت نظارت و کنترل قرار گیرد. و به گونه اي باشد که نظام سياسي بر اساس گزينش و انتخاب آگاهانه و فعال شهروندان تأسيس شود. لذا فرضيات رساله فوق بشرح ذيل مي باشد:

- 1- نظارت بر انتخابات بر اساس نظام مردم سالار و پاسخگو يي دولت قابل توجيه است.
- 2- مدیریت نظارت بر انتخابات بايد کار آم د، شفاف، مردمی و قانونمند باشد.
- 3- قلمرو نظارت شوراي نگهبان بايد بر اساس اصول و قواعد شايسته اي صورت گیرد.

ث- سوال اصلي و فرعي :

بدون تردید یکی از بزرگت رین ابتکارات بشر برای افزایش میزان مشارکت مردم در تعیین سرنوشتشان انتخابات دموکراتیک است و برگزاری انتخابات نیز برعهده قدرت اجرایی کشورها می باشد و قهراً به علت داشتن امکانات اجرایی امکان نفوذ در انتخابات و متوجه کردن آراء مردم به سمت و سویی خاص را دارد.

بدین جهت، این مسئله همیشه ذهن قانون گذاران اساسی را به خود مشغول کرده و آنان را وادار کرده تا در این خصوص تمهیداتی را بیندیشند و بدین لحاظ سپردن انجام این امر به نهادی خارج از قوای اجرایی یا حداقل سپردن اختیارات وسیع نظارت بر امر انتخابات به نهادهای مزبور از جمله این تمهیدات است، که در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران این وظیفه خطیر و حساس به نهاد شورای نگهبان سپرده شده است.

اما در این خصوص سوالات، شبهات و ابهامات فراوانی مطرح که مهمترین سوالات مزبور به شرح ذیل می باشد:

1- مبانی نظری موجه ساز نظارت بر انتخابات چیست؟

- 2- مدیریت کارآمد نظارت بر انتخابات از چه ساختار مطلوبی تبعیت می نماید؟
- 3- نظام حقوقی نظارت بر انتخابات در کشور از چه نقاط قوت و ضعفی برخوردار است؟
- 4- حوزه و قلمرو صلاحیت شورای نگهبان و وزارت کشور در نظارت بر انتخابات چگونه تعیین می شود؟

سوالات فرعی :

- 1- ضرورت نظارت بر انتخابات توسط شورای نگهبان چیست ؟
- 2 - مبانی و قواعد شایسته نظارت کدامند؟
- 3- نظام حقوقی نظارت بر انتخابات از چه ماهیتی برخوردار می باشد؟
- 4- چه مراحل از انتخابات تحت نظارت شورای نگهبان می باشد؟
- 5- مدیریت اجرایی بر انتخابات در ایران چگونه سازماندهی شده است؟
- 6- مدیریت نظارت بر انتخابات در ایران چگونه سازماندهی شده است؟

ح - ضرورت پژوهش

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می شود که نظارت بر انتخابات نقش بزرگی در مهار کردن قدرت، تعبیر شده است، و ابزاری است که به وسیله آن می توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین و متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. لذا انجام این تحقیق بیان نقاط ضعف و قوت مقررات موجود و ارائه راهکارهای مناسب جهت رفع خلاء های قانونی امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

خ- هدف پژوهش

هدف کلی این رساله معرفی الگویی مطلوب از نظارت بر انتخابات است که حقوق سیاسی شهروندان و جابجایی قدرت بر اساس اراده واقعی مردم، پاسداری از حقوق انت خاباتی شهروندان و افزایش اعتبار، حسن اجرای قوانین و مقررات، جلوگیری از بروز تخلفات و جرایم و ثبات سیاسی و نهادینه کردن نظارت عمومی بر حکومت و بهبود اعتماد و اطمینان عمومی از صحت فرایند انتخابات می باشد.

ج - روش پژوهش

در مطالعه و بررسی این رساله از روش ترکیبی، توصیفی و تحلیلی استفاده می‌شود و جهت بررسی مسأله، فرضیه و پرسشهای پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای و استفاده از منابع مکتوب نظیر کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، پژوهش‌ها، اسناد، قوانین و مقررات از روش ترکیبی و مطبوعات و اینترنت مدد گرفته می‌شود.

ه - پیشینه پژوهش

پس از بررسی‌های اولیه که در خصوص سابقه و پیشینه پژوهش حاضر صورت گرفته، مشخص گردید صرفاً مقالات، گزارش‌ها و تحقیق‌های مختصری در خصوص نظارت شورای نگهبان صورت گرفته و در خصوص وزارت کشور مطلبی یافت نگردیده است. در این زمینه به چند مورد تحقیق که در این زمینه صورت گرفته اشاره می‌نمایم. از جمله:

- 1- بررسی نهاد ناظر بر انتخابات ریاست جمهوری در ایران و فرانسه، تألیف آقای سجاد منافی آذر.
- 2- ماهیت حقوقی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و مقایسه آن با آلمان، تألیف خانم مریم شیرجزي.
- 3- بررسی چگونگی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، تألیف سجاد صیدانلو.

ع - سازماندهی پژوهش

این پژوهش در سه بخش سازمان دهی شده است .
در بخش اول به مفاهیم کلی و مبانی نظری و اصول
حاکم بر انتخابات در کشور . بخش دوم به ساختار
مدیریت اجرایی و ساختار نظارت شورای نگهبان و در
بخش سوم به تحلیل نظام نظارت بر انتخابات در
مراحل مختلف پرداخته شده است ؟

ح - مشکلات پژوهش

عدم دسترسی به منابع کافی و همچنین عدم همکاری
به دلی ل مسائل امنیتی در وزارت کشور و عدم
همکاری دیگر دستگاه ها برای در اختیار گذاشتن
منابع و کتب سعی نموده ام به طور کامل به بررسی
نظام نظارت بپردازم .

بخش اول:
مفاهيم و مباني نظري و
شاخصهاي نظارت بر
انتخابات

فصل اول : مفاهیم کلی و تعریف نظارت بر انتخابات

مبحث اول: مفاهیم کلی

نماینندگی امری است که اعتبار آن بس — تگی به اراده و قصد انشای مردم و مشارکت آنان در اداره امور جامعه دارد. تأمین و حصول این نماین — دگی باید از هرگونه اشکال و خدشه‌ای دور باشد تا اراده و خواست مردم را بتوان به طور صحیح اعمال نمود. بنابراین انتخابات عمومی که تنها وسیله ممکن برای حصول و تأمین نمایندگی مردم است باید به نحوی انجام شود که هیچ خدشه و آسیبی متوجه صحت آن نگردد. از آنجا که احراز سمت نمایندگی، کسب قدرت سیاسی را به دنبال دارد، رقابت ناسالم بین داوطلبان، در امر انتخابات همواره امری محتمل است. از طرف دیگر، از قدرت فائ — قه ناشی از نمایندگی بیشترین سلطه بر روی عوامل اجرایی اعمال می گردد. برای جلوگیری — ری از ورود هرگونه آسیب بر انتخابات، نظارت بر صحت و درستی آن ضرورت پیدا می کند.

نظارت بر انتخابات، از یک جهت، باید جنبه پیشگیری از وقوع تخلف را داشته باشد و از طرف دیگر باید جنبه پیگیری و تعقیب موارد تخلف را

دارا باشد. فلذا این نظارت، تمام موارد و مراتب مربوط به لزوم صحت انتخابات و درستی نم‌آیندگی و نمایندگان را شامل می‌شود.¹

لئون دوگی استاد و نظریه‌پرداز حقوق اساسی خواسته‌های ذیل را برای دسترسی به انتخابات صحیح لازم می‌داند:

1- داوطلب نمایندگی باید شرایط انتخاب شدن را داشته باشد.

2- نماینده منتخب باید اکثریت لازم را کسب کرده باشد.

3- تمام امور و اعمال مربوط به انتخابات باید بر اساس قانون صورت گرفته باشد.

با توجه به این شرایط است که ضرورت نظارت از ابتدای داوطلبی تا انتهای اعلام نتیجه انتخابات موضوعیت پیدا می‌کند.

مبحث دوم : تعریف نظارت و انواع آن

نظارت در لغت به معنای زیرکی و فراست و نگریستن و تماشا کردن و ارزیابی کردن و بازرسی و سنجش می‌باشد و در اصطلاح دو نوع نظارت داریم:

¹ - هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج دوم** (انتشارات مجتمع آموزشی عالی قم ، چاپ دوم ، بهار 75) ، صص 21 ، 11.

نظارت استصوابی: عبارتست از مراقبت داشتن ناظر بر اقدامات متولی و تصویب کردن اعمال وی پیش از اجرای آن، بدین صورت که متولی پیش از اقدام به هر عملی با ناظر مشورت می کند و در صورت موافقت وی عمل می نماید و متولی بدون موافقت ناظر نباید به هیچ کاری اقدام کند.

2- نظارت استطلاعی: عبارتست از مراقبت داشتن ناظر بر اعمال متولی بدین صورت که از اقدام متولی آگاه گردد ولیکن تصویب اعمال متولی از طرف ناظر لازم نیست.¹ نظارت از لحاظ لغوی؛ به معنای مراقبت در اجرای امور آمده است و ناظر کسی است که مراقب اجرای یک امر باشد.² در اصطلاح نیز ناظر به شخصی گویند که عمل یا اعمال نماینده، شخص یا اشخاص را مورد توجه قرار می دهد و صحت و سقم آن عمل یا اعمال را با مقیاس معینی که مشهود است، می سنجد.³ بنابراین از نظر اصطلاحی، نظارت مکانیزمی است در جهت انطباق تصمیمات و اقدامات اتخاذ شده با اصول و موازین برتر اخلاقی و حقوقی و اطمینان از درستی یا نادرستی آنها.⁴

آنچه از معنای لغوی و اصطلاحی نظارت فهمیده می شود، این است که نظارت مستلزم مشاهده و ارزیابی تصمیم های اقدام صورت گرفته است نه تغییر، اصلاح یا ابطال آنها، بلکه پس از تشخیص واقعیت و

¹ - معین، محمد، فرهنگ معین، (ج چهارم انتشارات امیر کبیر 1371)، ص، 4746

² - معین، محمد، پیشین، ص 415

³ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی

حقوقی، (تهران، گنج دانش، ج 13) ص 70

⁴ - خسروی، حسن، حقوق انتخابات دموکراتیک (اصول، مبانی والگوی مطلوب نظام انتخابات پارلمان، تهران، مجمع علمی وفرهنگی مجد، چاپ اول) 1387، صص، 346 و 347

انطباق با اصول و موازین مربوطه ، صحت یا ابطال آنها را بیان و برای اصلاح و تصمیم گیری درست و جدید به واضع تصمیم ، عودت داده شود. امکان اصلاح ، تغییر و ابطال یا اقدام انجام شده توسط ناظر ، جایی است که واضعان یا ذی صلاحان تصمیم ، در چارچوب نظام سلسه مراتبی و تقویض اختیار ، اجازه وضع برخی تصمیمات و انجام فعالیت هایی را به مقامات مادون خود می دهند ، حال چنانچه تصمیمات اتخاذی آنها مطابق با واقع نباشد؛ مقامات ارشد حق هر گونه اصلاح ، تغییر ابطال و تصمیم گیری جدید را خواهند داشت و چه بسا آن اختیارات اعطایی را باز پس گیرند ، همانند نظارت سلسه مراتبی وزیر بر مقامات مادون وزارتخانه . لذا باید حوزه تصمیم گیری و اجرا و حوزه نظارت از یکدیگر تفکیک شوند و ناظر در حوزه اخذ تصمیم و اجرا دخالت ننمایند. با الهام از چنین مفاهیمی ، از نظارت می توان درک روشنی از مفهوم نظارت بر انتخابات ارائه نمود.¹

در تعریفی ساده ، نظارت بر انتخابات عبارت است از: رویه ای برای جمع آوری اطلاعات مرتبط با فرآیند انتخابات به طور سیستم وار و تهیه گزارش و ارزیابی مدیریت انتخابات بر اساس اطلاعات جمع

¹ - خسروی ، حسن همان ، ص 347

آوری شده توسط ناظران بدون دخالت در خود فرآیند انتخابات.¹

با چنین تعریفی، شاید بهتر بتوان دایره و قلمرو مفهومی نظارت بر انتخابات را متوجه شد؛ چرا که مفاهیم مرتبط با واژه نظارت باید مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که وجود چه نوع نظارتی بر انتخابات ضرورت دارد. و دیگر اینکه «نظارت هم می تواند جنبه بازدارندگی و هم جنبه تعقیبی داشته باشد».²

در حال حاضر سه شیوه ی رایج برای تعیین دستگاه ناظر بر انتخابات در جهان وجود دارد:

- 1- نظارت از طریق قوه مقننه : بدین معنی که نمایندگان مجالس مقننه، مشترکاً قضاوت در صحت انتخابات را برعهده می گیرند و با رای اکثریت، انتخابات را تأیید و یا ابطال می کنند.
- 2- نظارت توسط یک نهاد یا سازمان بی طرف : که در مقام قوه ناظر بر انتخابات این وظیفه را برعهده می گیرد و در صورت تخلف، انتخابات را باطل می کند.

² - خسروی، حسن، همان، ص 347

¹ - هاشمی، سید محمد، «نظارت شورای نگهبان انضباطی است». مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، احزاب و انتخابات، ص، 89

3 - نظارت قضایی : بدین معنی که در برخی از کشورها دادگاه های عالی (نظیر دیوان عالی کشور) و یا دادگاه های ویژه، انتخابات را زیر نظر می گیرند و در صورت لزوم، حکم ابطال انتخابات و یا صندوق های انتخابات را صادر کنند.

مبحث سوم : ضرورت وجود نظارت

اهمیت نظارت برانتخابات در قوانین اساسی کشورها مورد توجه قرارگرفته و اکثراً سعی بر آن شده است که قوه ناظر متشکل از افرادی باشد که در نتایج انتخابات ذینفع نباشند . در این خصوص، بیشترین توجه بر این است که قوه مجریه به خاطر ذینفع بودن از نتیجه انتخابات: اولاً درمقام نظارت مذکور قرار نگیرد و ثانیاً در مقام مجری انتخابات توسط قوه "ناظر" تحت نظارت و کنترل قرار گیرد.¹

انتخابات مجموعه عملیاتی است که درجهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهارکردن قدرت، تعبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنی فنون گزینش وشیو ه های مختلف تعیین نمایندگان است. ابزاری است که به وسیله آن می

² - عباسعلی، عمید زنجانی، **فقه سیاسی**، ج اول (تهران : انتشارات سپهر) ، ص 415

توان اراده شهروندان را در شکل گیری نهادهای سیاسی و تعیین و متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.

بنابراین، یکی از مشخصات انتخابات، خصلت گزینشی آن است. یعنی هم نامزدی انتخابات (البته در چارچوب قوانین) آزاد است و هم رأی دهنده می تواند از میان نامزدهای مختلف اعلام شده آزادانه، آنانی را که، بیشتر با سلیقه او تطبیق می کند، برگزیند. در حالی که در برخی کشورهای اقتدارگرا، نوع دیگری از انتخابات رواج دارد که فاقد خصلت های فوق است در ممالک کمونیستی یا برخی از کشورهای دنیای سوم فقط یک حزب موجود در عین حال برنامه امور را نیز به دست دارد، در هنگام انتخابات، فهرست نامزدها را تعیین می کند و به اطلاع رأی دهندگان می رساند که این باید لزوماً به همین نامزدهای گوناگون رأی دهند یعنی انتخابات، بیشتر جنبه تأییدی و خصیصه پله بیسی¹ دارد تا گزینش میان نامزدهای گوناگون.²

بنابراین مردم از طریق انتخاب نمایندگان خود نقش بسزایی را در اداره جامعه ایفا می کنند، اما

¹ -Plebiscite

² - دکتر ابوالفضل قاضی، **بایسته های حقوق اساسی**، (انتشارات دانشگاه تهران، 1373)

این انتخابات هنگامی می تواند بیانگر نقش اساسی مردم باشد که شرکت کنندگان در آن اعم از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بتوانند در نهایت آزادی در آن شرکت کنند .

در نظام اجتماعی پدیده ها و نهادهایی وجود دارند که به نحوی از انحاء نمایانگر دموکراسی و حقوق مردمند و اگر اقشار مختلف مردم آن جامعه از بلوغ فکری، هوشمندی سیاسی و درک مصالح ملی برخوردار نباشند، عملیاتی که متضمن آزادی و حقوق مردم در اداره کشور است به شدت آسیب پذیر خواهد شد .

بدیهی است که عرصه انتخابات به عنوان یکی از مهمترین عملیات سیاسی از این قاعده کلی مستثنی نخواهد بود آسیب ها و آفاتی که ممکن است روند انتخابات را مخدوش کند، غالباً از چهار طریق متصور است.

الف- از جانب بعضی دولتمردان و مسئولین ذیربط

ب- از سوی برخی از مردم و شهروندان

ج- از طرف تعدادی از کاندیداها

د- از ناحیه دشمن انقلاب اسلامی و مردم

استفاده از عنوان های اداری و پست های اجرایی در جهت موفقیت خود یا کاندیدا های مورد نظر خود در انتخابات. بدین ترتیب باتوجه به مطالب گفته شده

یقیناً وجود یک مقام ناظر برای نظارت بر صحت انجام انتخابات ضروری می‌نماید. لذا نظارت بر حسن اجرای انتخابات امری مقبول و پذیرفته شده در عرف بین‌المللی و قوانین کشورهای مختلف محسوب می‌شود. به طوری که بسیاری از کشورهای جهان موضوع نظارت را در قوانین اساسی خود ذکر کرده و آن را در قوانین عادی مورد تأکید قرار داده اند.

مثلاً در ماده 78 قانون مدنی آمده است: واقف می‌تواند بر متولی ناظر قرار دهد که اعمال متولی به تصویب یا اطلاع او باشد. نوع اول نظارت استصوابی و نوع دوم را نظارت اطلاعی می‌گویند.

یا ماده 857 قانون مدنی که می‌گوید: موصی می‌تواند یک نفر را برای نظارت در عملیات وصی معین نماید. حدود نظارت به طریقی خواهد بود که موصی مقرر داشته است یا از قرائن معلوم شود.

در ماده 1222 آمده است که دادگاه مدنی خاص می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید. در این صورت دادگاه حدود اختیارات ناظر را تعیین می‌کند.

در قانون امور حسبی در مبحث قیمومت و سرپرستی امور اشخاص محجور و یا غیر رشید به ناظر اشاره شده است.

در قانون اساسی در بسیاری از موارد مهم و غیر مهم و حساس نظارت عنوان گردیده که به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

1- در اصل 8 قانون اساسی نظارت عام فرد فرد جامعه برهم و بر دولت بر همگان تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم و دولت آمده است.

2- نظارت قوه مقننه است که مهترین مورد آن رسیدگی به شکایت از طرز کار مجلس، یا قوه مجریه و یا قوه قضائیه است و رسیدگی به وسیله کمیسیون اصل 90 قانون اساسی باید انجام و پاسخ داده شود و در مواردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برسانند. و در صورت احراز تخلف از دادگاه صالح تقاضای رسیدگی قضائی خارج از نوبت شود و دادگاه مکلف است پس از صدور حکمی نتیجه را به کمیسیون اطلاع دهد.

3- نظارت قوه قضائیه است که به مقتضای اصل 174 قانون اساسی، قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری حق نظارت دارد و سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه به این منظور باید تشکیل شود و سازمان پس از رسیدگی و احراز

تخلف باید پرونده و اسناد آنرا به مراجع ذی صلاح ارجاع دهد.

4-طبق اصل 175 قانون اساسی نظارت شورای مرکب از نمایندگان رئیس جمهوری و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی بر سازمان صدا و سیما است که موظف می باشد بخش های سازمان را رسیدگی کرده و گزارش آن را به مقام رهبری و ریاست جمهوری و ریاست قوه قضائیه و مجلس تقدیم کند.

5-رئیس جمهور به مقتضای اصل 121 و اصل 134 بر اجرای قانون اساسی و بر کار وزیران نظارت دارد.¹ موارد دیگری از نظارت به عین این لغت و یا تعبیر دیگر در قانون اساسی وجود دارد و در تمام این موارد در لغت نظارت و رسیدگی قید استصواب و یا قید دیگری جز همان معنی رسیدگی و ارزیابی وجود ندارد مگر جایی که در قانون تصریحی دارد و با شاهی همراه باشد.

مبحث چهارم - اهداف نظارت

اهداف متعددی از نظارت بر انتخابات در

انتخابات دموکراتیک دنبال می شود؛ هدف کلی، این

¹ - عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی**، (تهران، انتشارات سپهر، ج اول) ص 415

است که حقوق سیاسی شهروندان و جابجایی قدرت بر اساس اراده واقعی مردم تضمین شود. اهداف نظارت به طور جزیی به قرار ذیل می باشد:

- 1- افزایش اعتبار، مشروعیت و اصالت انتخابات؛
- 2- پاسداری از حقوق انتخاباتی شهروندان؛
- 3- حسن اجرای قوانین و مقررات؛
- 4- جلوگیری از بروز تخلفات و جرایم انتخاباتی؛
- 5- ایجاد ثبات سیاسی؛
- 6- تصحیح سهل انگاریها و اشتباهات؛
- 7- تبعیت مدیران و کارکنان انتخاباتی از قوانین و مقررات؛
- 8- مدیریت کارآمد و موثر انتخابات؛
- 9- استفاده بهینه از امکانات و تجهیزات انتخاباتی؛
- 10- برقراری انتخاباتی رقابتی و مطابق با اصول و موازین انتخابات دموکراتیک؛
- 11- نهادینه کردن نظارت عمومی بر حکومت،
- 12- پاسخگو نمودن مقامات و نهادهای انتخاباتی؛
- 13- ایجاد شفافیت در فرآیند انتخابات؛
- 14- بهبود اعتماد و اطمینان عمومی از صحت فرایند انتخابات؛

- 15- مشخص شدن کاستی‌ها و خلاءهای قانونی و اداری و مدیریتی و ایجاد زمینه مناسب برای اصلاح قوانین و مقررات و رویه‌های انتخاباتی؛
- 16- کمک موثر به حل تعارضات و اختلافات؛
- 17- تأمین و اسناد معتبر برای اعتراضات و شکایات؛
- 18- ارزیابی دقیق عملکرد مدیران و مأموران انتخاباتی¹

¹- خسروی ، حسن ، پیشین، ص 347

فصل دوم: مبانی نظری نظارت بر انتخابات

مبحث اول: مبانی جامعه شناختی نظارت

ذیلاً به بررسی و تحلیل جامعه شناختی موضوع نظارت اجتماعی می‌پردازیم تا ما را به این هدف رسا که همانا ضرورت وجود نظارت قانونمند هست نزدیک سازد.

در بخشی از اصل نهم قانون اساسی می‌خوانیم هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی ب ه استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

بنابر اصل فوق، آزادی نمی‌تواند مخل قانون و نظارت رسمی و نی ز نظارت های رسمی و قانون هم نمی‌تواند نافی آزادی باشد . حال باید دید این آزادی چیست که هم نباید باشد هم باید باشد؟!

آزادی محل تلاقی عقاید پر تردید و متباین است. آزادی به حسب قرارداد عادلانه می شود و چه بسا همچون ثروت یا قدرت گاهی برای مردم رنج بار می باشد. آنانی که در سن، عقل جوان هستند به پیروی از دل، هر دم از پی مطلوبی روان می شوند اما

آنانی که بر اساس تعقل و اندیشه رفتار می‌کنند از آزادی بهره دیگری می‌برند. آزادی برای هر گروه دارای معنایی خاصی است.

به نظر می‌رسد آزادی در هر یک از انواع سه گانه حیات اجتماعی زیر معنای خاصی دارد:

1-زندگی طبقه عوام که خوشبختی را با لذت برابر می‌داند.

2-زندگی سیاسی آمیخته با حفظ قدرت.

3-زندگی فکری و عقلانی معطوف به ارزش.¹

در هر جامعه هر یک از انواع سه گانه زندگی برخوردار از میزان و وزنی است که مجموع آن می‌تواند ثمره حیات اجتماعی آن جامعه را تعیین کند و بر این اساس آزادی هم معنای ویژه‌ای بر گرفته از واقعیت می‌یابد. آزادی خود به خود دارای معنای قابل توجهی نیست مگر آنکه متعلق آن که واقعیت جامعه و حیات اجتماعی است معین شود و چنین تعریفی از آزادی فقط در حوزه علم الاجتماع قابل تبیین است.

اما زندگی اجتماعی دارای نظم اجتماعی است همان نظمی که برخی جامعه شناسان رادیکال درصدد نفی نظم موجود و برخورداری از سودای تغییر اجتماعی

¹ - بخارایی، احمد، روزنامه خرداد، ص 18، 1378/5/15

بودند. نظم اجتماعی به نظم هنجاری تعبیر می شود. همانگونه که در اقتصاد به مطلوبیت گرایی و در روانکاوی به تعامل گرایی معنا می شود. بدیهی است نظم اجتماعی دارای ابعاد چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و پاسداران نظم اجتماعی هم عبارتند از: خرده نظامهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی.

اما با توجه به اینکه هیچ مفهومی جز خالق هستی در پهنه گیتی علی الاطلاق وجود ندارد، بنابراین هر نظامی که دست آورد بشر باشد ملازم یک نوع اختلال و بی نظامی است. به عنوان مثال نظم هنجاری در کنار اختلال هنجاری قابل ارزیابی است. حال که دانستیم بی نظامی و اختلال اجتماعی ملازم نظم اجتماعی است به ضرورت ایجاد و تغییر اجتماعی بیشتر پی می بریم، در حقیقت عمق بخشیدن به نظم اجتماعی و کم اثر شدن اختلال اجتماعی، به انجام تغییرات اجتماعی م ربوط است بنابراین توسعه اجتماعی، پس از تغییر اجتماعی سازنده حاصل می آید و تغییر اجتماعی ملازم نظم اجتماعی است و اما عوامل تغییرات اجتماعی عبارتند از: شخصیت، کنش و ساخت اجتماعی، منظور از ساخت اجتماعی لزوم وجود نوعی از ساخت است که ماهیتاً انعطاف پذیر است به

عنوان مثال آنجا که در ساخت اجتماعی نوعی تعامل افراد تعریف می شود ، اگر این تعامل در قالب روابط انشایی تعریف شود ، موجب مسدود کردن اجتماع و اگر در قالب روابط اخباری تعریف شود موجب گشایش اجتماعی است . در صورت اول ساختار اجتماعی مخالف تغییر و در صورت دوم ، عامل تغییر و توسعه است منظور از روابط انشایی روابط مبتنی بر حکم و اقوال از پیش تدوین شده قی م مآبانه است و منظور از روابط اخباری امکان بروز رفتار و برقراری روابط مبتنی بر نقد و گفت و گو و خردورزی است. از آنچه گفته شد به طور خلاصه نتیجه می گیریم :

- 1- آزادی ناشی از الزامات و مزایای زندگی اجتماعی است.
- 2- زندگی اجتماعی، دارای نظم اجتماعی است.
- 3- نظم اجتماعی ملازم یک نوع اختلال و بی نظمی است.
- 4- عمق بخشیدن به نظم اجتماعی و کم اثر شدن اختلال اجتماعی، منوط به انجام تغییر سازنده است.
- 5- عوامل اجتماعی عبارتند از : شخصیت و کنش و ساخت اجتماعی.

6- و بالاخره عوامل تغییر اجتماعی اگر ساختاری نشود، گشایش اجتماعی صورت نمی پذیرد و انسداد اجتماعی تحقق می یابد.

از این مقدمات ششگانه نتیجه می گیریم که اگر آزادی نباشد، انسداد اجتماعی رخ می دهد و به عبارت دیگر آزادی وسیله بهورزی جمعی است.¹

الف - حل تعارض بین نظارت اجتماعی با اصلاح اجتماعی (آزادی):

هرگاه اصلاحات اجتماعی همراه با نظارت اجتماعی مطرح می شود از آنجا که برای تطبیق با اصلاحات اجتماعی، افراد باید برخی از رفتارهایشان را تغییر دهند غالباً یک اصلاح پیشنهادی با مقاومت مدافعان نظارت رسمی روبه رو می شود. این مقاومت و شدت آن بستگی به میزان ترسی دارد که در افرادی که نگران ازدست دادن منزلت اجتماعی شان در پی اصلاح اجتماعی هستند پدید می آید. به عبارت دیگر، مدافعان نظارت های رسمی کمتر علاقمند به عوامل تغییری اجتماعی می باشد. در مقابل تفکر اصلاح طلب به اصلاح اجتماعی و تغییر می اندیشید تا به واسطه آن، اختلال اجتماعی و بی نظمی در مقابل نظم

¹ - بخارایی، احمد، روزنامه خرداد 15، 18، 78/5/13

اجتماعی رنگ ببازد و تبدیل به انسداد اجتماعی نشود.¹

جریانی که بر خوردار از قدرت قانونی و مدافع نظامهای رسمی است جهت جلوگیری از انسداد اجتماعی چاره ای جز همنوایی با اصلاح طلبان ندارد و الا گشایش اجتماعی رخ نمی نماید. جامعه شناسان توصیه می کنند برای تطبیق با اصلاحات اجتماعی، وسیله تازه ای برای نظارت اجتماعی به کارگرفته شود تا افرادی که ملزم به تغییر برخی از رفتارهایشان هستند به تغییر تن در داده و وادار به بروز رفتارهای مناسب اصلاح شوند. حال برای آنکه اعمال نظارتهای اجتماعی جدید که ملازم و مشروط به یک اصلاح پیشنهادی یا تغییر اجتماعی است، مورد استقبال مردم قرار گیرد. باید به یک برنامه ریزی دراز مدت دست زد.

همانگونه که هر نظامی ملازم با بی نظمی است، هر نظارتی هم ملازم با اصلاح است که باید برای هر دو فکری کرد.

نظر به اینکه بنا به اتخاذ اهداف نوین، وسایل و ابزار مناسب مورد نیاز است برای تطبیق با اصلاحات و تغییرات جدیدی که لازم ه توسعه اجتماعی و بهروزی

¹ - شریف، محمد، پیشین، ص 15

جمعی است، باید از ابزار های نوین نظارتی بهره جست تا ضمن تغییر در عناصر و روابط نظارتی، اصل نظارت و نهاد نظارت مورد خدشه و بی‌مهری اجتماعی افراد جامعه واقع نشود. از سوی دیگر مدافعان اصلاح و مدافعان آزادی هم باید بدانند که اصلاح و تغییر نه «در زمان» بلکه «طی زمان» صورت می‌پذیرد و این گونه نیست که با صرفه جویی در عمل زمان و یا خوش خیالی، تغییر و اصلاح را در کوتاه مدت بتوان به چنگ آورد بلکه اصلاحات اجتماعی باید منطقی و هم سو با جریان توسعه اجتماعی باشد. بنابراین با توجه به اینکه اجتماع در حال توسعه می‌باشد و در توسعه اجتماعی اصلاحات و تغییر اجتماعی لازم است. و این تغییر و اصلاحات مطابق میل جمعی جامعه حاصل می‌شود در مبحث نظارت هم اگر اراده ملت، روزی معطوف به تغییر و اصلاح در امری گردد شرط عقلانی این است که برای پرهیز از یک بحران و بن بست که می‌تواند همراه با خشونت هم باشد پرهیز کرد و بدون اینکه به اصل نظارت و نهاد نظارت خدشه ای وارد گردد اعتماد مردم را به آن نهاد بیشتر جلب کرد. زیرا آنچه در حکومت‌ها باید اصل باشد مسئله توجه و اعتماد مردم به حکومت است. اگر حکومتی انواع و اقسام مشکلات را هم داشته باشد ولی تنها

از حمایت مردم و اعتماد مردم برخوردار باشد بر بزرگترین مشکلات و بحرانها فائق می‌آید.¹

ب : حاکمیت مردمی و ملی

بررسی نظریه حاکمیت ملی و مردمی از آن جهت در ارتباط با پایه های نظری انتخابات حائز اهمیت است که از منظر انسان شناسی، انسان صاحب اراده آزاد و خصیصه استقلال و مختاریت است که با عقل و تدبیر خود می‌تواند سرنوشت خویش را تعیین نماید . بی شک، در صورت پذیرش حاکمیت مردم و اعمال خود شکوفایی انسانی بر اساس تواناییهای انسانی، مستلزم پذیرش حق طبیعی بودن حق افراد به منظور شکوفایی خود در جامعه است که می‌توان به حاکمیت مردمی و ملی قائل شد . در حقیقت ، مک انیزم انتخابات برآیند چنین تفکری است . به عبارتی، تا اصل حاکمیت مردم و اینکه مشروعیت و صلاحیت حکومتها وابسته به رضایت عمومی مردم است، پذیرفته شود؛ نمی‌توان شاهد بروز و ظهور انتخابات آزاد و منصفانه به تجلی بخش اراده عموم و حاکمیت ملی بود . نتیجه اینکه ، بررسی نظریه حاکمیت مردم و ملی در ارتباط با مبانی نظری انتخابات با چنین رویکرد و نگرشی انجام می‌شود، تعاریف مختلفی از

¹ - بخارایی ، احمد، روزنامه خرداد ، ص 18 و 15، 78/5/13

حاکمیت شده است که بیشتر آنها متأثر از يك نوع برداشت خاصی از حاکمیت و با توجه به اوضاع احوال خاص زمانی می‌باشد. >> حاکمیت در نظریه حقوق اساسی کلاسیک؛ به معنی عالی‌ترین اقتدار در دولت است در يك فرد (پادشاه مطلقه) یا در مجلسی از افراد (پارلمان) تجلی‌یابد.¹ از این رو، >> حاکمیت عبارت از قدرت عالی است که اولاً، بر کشور و مردم آن اقتدار و برتری بلامنازع دارد. به ترتیبی که همگان در داخل کشور از آن اطاعت کنند و ثانیاً، کشورهای دیگر آن را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار دهند.² حاکمیت، آن قدرت برتر دولت است از ویژگی‌هایی همچون دوام، مطلق بودن، عمومیت، غیر قابل تقسیم بودن برخوردار است و به معنای قدرت برتر و عالی و صلاحیت برای اتخاذ تصمیم نهایی تلقی می‌شود که در رأس همه قدرتها قرار دارد و صاحب آن حق صدور امر و نهي و اجبار را دارد. حاکمیت ملی، يك مفهوم انتزاعی و اعتباری است که تجلی اراده عمومی در تعیین سرنوشت خویش می‌باشد. از این حاکمیت ملی در

¹ - بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، (تهران مؤسسه پژوهش نگاه معاصر، ج سوم، 1382) ص 87

² - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج 2، (تهران: نشر میزان، ج هشتم، 1383)، ص 1

مشارکت فعال مردم و اتخاذ تصمیمات منطقی در تعریف الگوی رفتاری مناسب می باشد. هدف اصلی این مشارکت، سازماندهی بهینه شبکه تولید، توزیع، تقسیم عادلانه کار و امکانات و به طور کلی اجرای عدالت در تمامی سطوح زندگی اجتماعی قلمداد می شود. واژه ملی در حاکمیت ملی، منسوب است و به ملت و آنچه که در ید اختیار ملت است.¹ و حاکمیت ملی، معطوف به حالتی است که در آن مجموعه ملت، به عنوان پیکره واحد و شخصیت حقوقی مستقل از افراد تشکیل دهنده آن، اقتدار عالیّه بر امور و شئون جامعه داشته باشد.²

مبحث دوم : آسیب های تهدید کننده انتخابات

بند اول: آفات فرهنگی

1- ترویج فرهنگ ماکیاولیستی، یکی از آفت های فرهنگی در انتخابات، ترویج این طرز تفکر است. ممکن است برخی از کاندیداها یا حامیان آنها عملاً به هر ابزار و روش نامقدس تمسک جویند تا به هر

³ - جه ان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت، (تهران : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج اول، 1378) ص 36.

⁴ - خسروی، حسن، پیشین، ص 87.

طریق ممکن ک اندیدای ایشان رأی بیاورد . روش آن‌ها با تفکر نیکولو ماکیاول که معتقد است هدف ، وسیله را توجیه می کند، هماهنگی دارد.¹

2- سوء استفاده از هنجارهای مورد قبول جامعه؛ مانند سوء استفاده از مقدسات دین، ارزش‌های ملی، فرهنگ و آداب و سنن منطقه ای را می توان یکی از بزرگترین آسیب و آفت فرهنگی در صحنه انتخابات دانست.

3- خود باختگی و تغییر روش و منش و عدول از اعتقادات. برای جلب آراء نوعی آفت فرهنگی است که ممکن است برخی از کاندید ها و حامیان‌شان به آن روی آوردند.

4- تضعیف فرهنگ ایثار و جوانمردی؛ که پایه های فرهنگی، سیاسی در صحنه انتخابات را متزلزل خواهد کرد.

5- توزیع هدایا در بین افراد و گروه های سنی و صنفی خاص؛ به منظور تخدیر افکار، از طرف برخی از کاندیداها یا هواداران آن ها، جلوه ای از آفت های فرهنگی انتخابات است.

¹ - لئو اشتروش، فلسفه سیاسی چیست؟ (ترجمه دکتر فرهنگ رجائی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1378) ص. 273

بند دوم : آفات سیاسی

بخشی از آسیب‌هایی که چهره ان تخابات سالم و منطقی را مخدوش می نماید و جنبه سیاسی دارند عبارتند از:

- 1- تدلیس در چهره و شخصیت کاندیدا : برخی از طرفداران و برنامه ریزان کج اندیشی برای اغفال مردم به بزرگ کاندیدای مورد نظر اقدام می‌نمایند.
- 2- سوء استفاده از عنوان های اداری و پست های اجرایی در جهت موفقیت خود یا کاندیداهای مورد نظر خود در انتخابات.
- 3 - تهدید افراد و ایجاد جو رعب و وحشت به منظور شکست رقیب

بند سوم : آفات اجتماعی

- 1 - سوء استفاده از نیازمندیها و نقاط ضعف گروهی از مردم.
- 2 - وعدهای کاذب و غیرمعقول به مردم.
- 3- ایجاد یأس و ناامیدی در بین مردم.
- 4- امتیاز طلبی غیرمعقول برخی از نمایندگان و حامیانشان.
- 5- بی توجهی به مواد قانونی مربوط به انتخابات.
- 6- تطمیع افراد در جهت جلب آراء.

7- سکوت و بی‌تفاوتی خواص.

بند چهارم: آفات اخلاقی

عدم رعایت اخلاق سیاسی می تواند بطور بنیادی اساس روند اجرایی و تبلیغ را غیرقابل قبول بنماید. از جمله آفت‌های اخلاقی در صحنه انتخابات عبارتند از:

- 1- تخریب شخصیت رقبا با پخش شایعات و دیگر ترفندهای غیر اخلاقی.
- 2- ترویج رفتارهای مصنوعی و بد آموزی در بین مردم.
- 3- استفاده ابزاری از انسانها و شهروندان در جهت جلب آراء.

بند پنجم: آفات اقتصادی

- 1- وامدار مالی برخی از متمکنین شدن و انجام نوعی معامله پشت پرده بین کاندیداها و برخی سرمایه داران یکی از آفات است که صحنه انتخابات را تهدید می‌نماید.
- 2- سوء استفاده از اموال و امکانات دولتی از طرف برخی کاندیداها.

- 3- بکارگیری اموال عمومی در جهت پیشبرد امور انتخابات از جانب هواداران بعضی از کاندیداها.
- 4- صرفه هزینه های مالی گزاف در جهت جلب آراء مردم.

بدین ترتیب باتوجه به مطالب گفته شده یقیناً وجود یک مقام ناظر برای ایجاد یک نظم جامع ضروری می‌نماید. لذا نظارت بر حسن اجرای انتخابات امری مقبول و پذیرفته شده در عرف بین المللی و قوانین کشورهای مختلف محسوب می شود. به طوری که بسیاری از کشورهای جهان موضوع نظارت را در قوانین اساسی خود ذکر کرده و آن را در قوانین عادی مورد تأکید قرار داده اند.

مبحث سوم : اصول حاکم بر انتخابات

شکل گیری هر نظام سیاسی وابسته به يك سري اصول و توجیهات متناسب با نظام ارزشی موجود در جامعه می‌باشد. به عبارتی، منظور از اصول حاکم بریک نظام سیاسی مجموعه دستورات و الزامات بایدي و نبایدي است که جهت دهنده تصمیمات و اقدامات مختلف حکومتی نظیر قانونی، سیاسی، قضائی و اداری است و بر پایه این اصول است که نظام سیاسی و حقوقی سازماندهی و اجرا می‌شود و همچنین قوانین و

مقررات و سیاست گذاریها و خط مشی‌های حکومتی در پرتو آنها تنظیم می‌شود. البته باید متذکر شد که این اصول نیز خود متأثر از نوعی نگرش است که به انسان و اجتماع وجود دارد.¹ اصولی که به آن اشاره می‌شود تثبت و تقویت کننده نظام انتخابات دمکراتیک می‌باشد. هر چند ممکن است هر نظامی با هر محتوایی برای خود اصولی پایه ای برای اداره امور عمومی داشته باشد.

بند اول: اصل آزادی سیاسی

انسان به دلیل انسان بودن و داشتن ارزش و کرامت و عدم وجود دلیلی برای برتری شخص بر شخص دیگر، از حقوق برابر و یکسان برخوردار است.² آزادی سیاسی، به این معنا است که «فرد بتواند در زندگی سیاسی، اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی، شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل عمومی و سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل آید و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را به مقتضی ابراز نماید».³

¹ - خسروی، حسن، پیشین، ص 113
¹ - زارعی، محمد حسین، **جزوه حقوق اساسی (2)** (دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول 84-1383)
² - طباطبائی مومنی، منوچهر، **آزادیهای عمومی و حقوق بشر**، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران 1370) ص 96

پس می توان نتیجه گرفت آزادی سیاسی، بیان رابطه متقابل حاکمان و شهروندان است و این که مردم در تکوین نظام سیاسی دارای نقش و اثر هستند و می توانند نظام سیاسی را به سوی کمال مطلوب خود هدایت کنند. در زمینه های گوناگون مشارکت جویند، بر امور حکومتی نظارت کنند و در صورت لزوم انتقاد و اعتراض کنند و به مخالفت برخیزند یا با آزادی تمام دست به انتخاب زنند و با رأی و گزینش آزاد خود، سرنوشت و زندگی سیاسی و نظامی سیاسی مطلوب خود را تعیین نمایند.¹

بند دوم : عدالت سیاسی

عدالت، از جمله مباحث مهم در فلسفه سیاسی و حقوقی است. طرح مسائلی همچون عدالت در جامعه، حاکم از حیات سیاسی و عقلانی آن جامعه است؛ چرا که هیچ جامعه زنده و پویا از طرح این مسائل مستغنی نیست. >>مهمترین مسأله عدالت قابل دفاع س اختن روابط نابرابر در جامعه است. اصل اولیه و مهم این است که حقوق افراد در جامعه به نحوی باید سامان داده شود. >>عدالت فضیلتی است که نظام طبیعی بر آن مبتنی است و افراد بشر

³ - خسروی، حسن، پیشین، صص 115 و 116

سعادت پایدار خود را متکی بر استقرار آن می‌دانند و آن را به عنوان م عیار لازم الاجرا ، حاکم بر امور و سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود طلب می‌کنند.¹

منظور از عدالت سیاسی آن است که >> امور کشور به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی ادامه دهند . برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه تأمین کننده این فضای عادلانه خواهد بود. حقوق طبیعی افراد در هر جامعه سیاسی برای حکومت ایجاد تکلیف می‌کند . وفاداری به این تکلیف مستلزم میثاقی است که براساس آن ، حکومت منتخب مردم برای مردم ، پاسخگویی مردم باشد. به این ترتیب بین عدالت و سیاست رابطه منطقی برقرار می‌شود که در آن ، حکومت منتخب مردم مسئول و قابل مواخذه باشد.² لازمه برقراری چنین رابطه منطقی ، برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه با تأمین حق مشارکت عام از اصول و برابری برای کلیه شهروندان خواهد بود.

¹ - هاشمی ، سید محمد، جزوه حقوق بشرومفاهیم مساوات، انصاف و عدالت ، (دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول 81-1380) ص 5

² - هاشمی، سید محمد ،پیشین ص 69

بر این اساس، یکی از اصول بنیادین و ارزشی نظام دموکراتیک و انتخابات آزاد و منصفانه، برابر انگاشتن ترجیحات و منافع همه شهروندان است که می‌توان در قالب جملات یک شخص، یک رأی، برابری نزد قانون، حق‌های آزادی بیان خلاصه نمود. برابری سیاسی یک شرطی است که ساختارها و نظامهای دموکراتیک می‌بایستی برای شهروندان فرصت‌های رویه‌ای برابر جهت تأثیر گذاری بر تصمیمات و اقدامات سیاسی (بالاخص انتخابات) فراهم آورند.¹ پس حوزه انتخاباتی یک گزینه کلیدی و اساسی برای م رتبط کردن انتخابات با عدالت سیاسی است. به هر حال، اگر این توافق وجود داشته باشد که انتخابات فرآیند انتخاباتی، ابزارها و وسایلی هستند که از طریق آن مردم قدرت و صلاحیت خود را به نمایندگان جهت اداره امور عمومی واگذار می‌کنند، نظام سیاسی که رقابت سالم سیاسی و منصفانه را تسهیل و برقرار نمی‌کنند، ساختار سیاسی‌ای که با اختلافات و تنوعات کنار نمی‌آید، نظام انتخاباتی که اصلاً برابری ارزشی را برای آراء افراد قائل نیست، نظام سیاسی که آزادیهای بنیادین افراد بنا به دلایل غیر معقول و جانبدارانه و تعصبی محدود

³ - خسروی حسن، پیشین ص 126

می‌نماید؛ ی ک نظام غیر دمکراتیک را به همراه خواهد داشت¹.

بند سوم: اصل حاکمیت قانون

از جمله اصول ارزشی و متری در فلسفه سیاسی و حقوق، حاکمیت قانون است. این اصل آنقدر در این دو حوزه و حتی حوزه‌های دیگر اهمیت یافته است که دوام و قوام یک جامعه سیاسی مردمی به شدت وابسته به آن است. به موجب این اصل کلیه امور اجتماعی در جامعه، باید منطبق با قانون باشد؛ حاکمیت قانون متعادل بخش دو نگرانی عمده است. از یک سو، اختیارات اعطائی به حکومت باید به نحوی باشد که به ساختارها و مقامات حکومتی امکان دهد که کشور را اداره نمایند و از سوی دیگر، لازم است باز فراگیری قدرت حکومت جلوگیری شده و از ته دید آزادیهای اساسی شهروندان توسط عملکردهای اقتدارگرایانه آن جلوگیری گردد. با وضع قانون شایسته که تضمین بخش مطالبات مردم و منافع عمومی است، می‌توان به برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه و واقعی امیدوار بود. د. به طوری که فرآیند

¹ - خسروی، حسن، پیشین، ص 124

انتخابات و نتایج آن برآیندی از آنچه که عموم واقعاً اراده نموده‌اند، باشد.

در مفهوم اصل حاکمیت قانون، مهمترین خصیصه، این است که قانون بر جامعه و امور عمومی حکومت داشته باشد نه افراد. مفهوم واحد و مشترک حاکمیت قانون و یا هسته حاکمیت قانون متشکل از ارزش‌های پایدار نظم و محدودیت است که در شعار حکومت قوانین نه حکومت شخص متجلی شده است. نظام انتخابات کارآمد، آزاد و منصفانه در گرو وجود قوانین و مقررات شایسته و اصیل که انعکاس دهنده ارزش‌ها و آرمانها موجود در جامعه و تأمین منافع عمومی باشد. هم چنین «به عنوان حافظ و پاسدار حق‌های شهروندان، ضمن کنترل قدرت سیاسی دولتمردان، آنها مکلف به رعایت حقوق و آزادیهای شهروندان نماید. پس واضح و روشن است که بدون وجود یک سند قانونی یا مجموعه‌ای از قوانین و مقررات نمی‌توان امیدوار به حفظ و پاسداری از حقوق و آزادیهای شهروندان و کنترل قدرت سیاسی بود و نهایتاً اینکه در تمام فعالیت‌ها و اعمال حکومت در چارچوب قانون نمود پیدا می‌کند.»¹

¹ - خسروی، حسن، پیشین، صص 191 و 192

بر این اساس، رأی دادن و انتخابات نیز به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، نیازمند حفاظت و تضمین آن توسط دولت به موجب یک چارچوب قانون شایسته و مطلوب می باشد. چارچوب قانونی انتخابات هر چقدر روشن تر و عینی تر باشد به همان اندازه سلامت انتخابات بهتر تضمین می شود. و می تواند تحت نظارت و کنترل و تفسیر قضایی و مورد نظارت و ارزیابی شهروندان قرار گیرند.

قانون اساسی به عنوان ع الی ترین سند حقوقی ه ر نظام سیاسی، ناظر به قواعد و ضوابطی است که مربوط « نحوه اعمال قدرت، سازمان و ساختار حکومت و حقوق و آزادی های ملت می باشد.»¹ این قانون « تشکیلات و روابط عمومی و اصول مهم یک کشور را متضمن است.»²

در واقع قانون اساسی حاوی قواعد بنیادین در خصوص تضمین حقوق و آزادیها شهروندان، وظایف و تکالیف حاکمان، نحوه تصدی و اجرای قدرت سیاسی و روابط نهادها و ساختارهای حکومتی با یکدیگر و با مردم می باشد. از جمله مسائل و موضوعات بنیادین

² - زرنگ، محمد، سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و امریکا، (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج اول 1384) ص 29

³ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوقی (تهران، گنج دانش، ج بیستم، 1387) ص 518

در این قانون، قواعد مربوط به انتخابات و مشارکت سیاسی مردم در اداره امور عمومی است. مهمترین خصیصه قانون اساسی، این است که همچون قانون عادی قابل تغییر و اصلاح نمی باشد و تحت شرایط خاصی امکان اصلاحات در آن وجود دارد. لذا نمی توان چندان مورد سوء استفاده حاکمان برای تداوم قدرت قرار گیرد. معمولاً بنیادی ترین حق های سیاسی و انتخاباتی در قانون اساسی درج می شود؛ چرا که این حق ها تحت هیچ شرایطی قابل نقض و تحت محدودیت های غیر عقلانی قرار نمی گیرند. تمام حکومت ها با هرنگرش و بینشی مکلف به رعایت و تضمین آنها می باشند. البته باید توجه داشت که به جهت پوشش دادن تمام نیازهای به روز جامعه، صرفاً حق های اساسی و بنیادین انتخابات در قانون اساسی آورده شده و سایر موارد در قوانین و مقررات دیگر گنجانده شده تا متناسب، تغییرات و اصلاحات فوری و لازم در آنها داده شود.¹

بر این اساس، مقامات انتخاباتی به جهت حسن انجام وظایف و اختیارات خود، می بایست مجاز باشند تا در فرآیند انتخابات تصمیمات را اتخاذ و دستورالعمل های اجرایی صادر نمایند که این هم

¹ - خسروی، حسن، همان، ص 195

باید در تنظیم چارچوب قانونی انتخابات مد نظر
قرارگیرد.¹

²- خسروی ، حسن ، همان ، ص 200

فصل دوم : اصول و قواعد نظارت بر انتخابات

مبحث اول : اصل کارآمدی

مشروعیت، اصالت و اعتبار انتخابات وابسته به قرار گرفتن عملکرد مدیریت انتخابات در چارچوب یک سری اصول راهبردی است که این اصول، در واقع پایه‌های اساسی مدیریت انتخابات می‌باشند و جهت تضمین سلامت و یکپارچگی و انسجام مراحل و فرآیند انتخابات واجب و ضروری است. نظام سیاسی ای که فضای گسترده‌تری برای حضور و مشارکت فعال مردم از طریق مختلف فراهم می‌نماید. طبعاً به نظام دموکراتیک نزدیک‌تر می‌شود و زمانی نظام سیاسی می‌تواند جنبه دموکراتیک داشته باشد که فرصت‌ها ی برابر برای همه افراد جهت اعمال حق حاکمیت و حق تعیین سرنوشت خود ایجاد کند؛ ایجاد این فرصت‌ها نیز مستلزم پذیرش موثر و کارآمد بودن اراده شخص و ارزش قائل شدن برای منافع عمومی است. بی‌شک اصول ارزشی و بنیادین نظام اساسی بعد از نظریه پردازی، موجه سازی و پذیرش توسط عموم و حاکمان، اگر بدون راهبرد عملی و اجرایی شدن باقی بماند، در حقیقت نقض آن اصول محسوب می‌شود.

مهمترین شرط تعبیه نمودن این اصول، این است که کیفیت و کمیت مشارکتهای گوناگون عموم را در

فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی و اعمال قدرت افزایش دهد. هم‌چنین موجب تأمین حداکثر منافع و مصالح عمومی گردد. منظور از این اصول این است که «در یک نظام مردم‌سالار تصمیم‌ها، سیاستها و قوانین و برنامه‌های حکومتی از یک فرآیند تکرگرا و مشارکتی تبعیت نماید.¹»

مبحث دوم : اصل منصفانه بودن انتخابات

انتخابات دمکراتیک، انتخاباتی است که بر اساس رأی و خواست آزادانه مردم شکل گرفته است و آزادانه و منصفانه بودن دو شاخصه اصلی آن می‌باشد. مفهوم آزادانه بودن، تا حدی در اصول ارزشی و ماهوی مشخص گردیده، منظور منصفانه بودن انتخابات، این است که زمینه اجرایی و بستر انتخابات به طور غیر جانبدارانه و عاقلانه، آماده و قابل دسترسی برای همه رأی‌دهندگان، احزاب و کاندیداها باشد و در یک سطحی برابر و معقول رقابت برای مشارکت آگاهانه و ازادانه برای کلیه

¹ - زارعی، محمد حسین، جزوه درسی حقوق اساسی (2) پیشین، ص 21

بازیگران در فرآیند انتخابات فراهم شود . بعد
منصفانه بودن انتخابات جنبه های مختلفی از بیطرفی
فرآیند انتخابات را منعکس می نماید.¹

مبحث سوم : اصل شفافیت در انتخابات

شفافیت از جمله اصول کارآمد و موثری است در جهت
سنجش دم کراتیک بودن نظام سیاسی، در واقع، اصلی
است که از طریق آن می توان متوجه شد که آیا
حکومت در راستا حاکمیت قانون و ارزشهای بنیادین
در جامعه حرکت می کند یا خیر؟ یا وظایف و تکالیف
حاکمان بر اساس قوانین و مقررات انجام می گیرد
یا خیر ؟

کاربرد اصل شفافیت در انتخابات ، زمینه تحقق
انتخابات آزاد و منصفانه و اصیل را ایجاد می کند
به طوری که با باز شفاف بودن فرآیند اتخاذ
تصمیم انتخاباتی برای مردم « نوعی احساس اعتماد
به صحت و سلامت تصمیمات انتخاباتی و سیاسی برای
مردم ایجاد می شود. در مجموع، شفافیت در فرآیند
انتخابات، اعتماد و اطمینان خاطر عموم از صحت و
سلامت انتخابات را افزایش می دهد و موجب کنترل
مسئولین و مأموران انتخابات به منظور ع ملی کردن

¹ - خسروی ؛ حسن ، همان ؛ صص 142 و 141

در انطباق با قوانین می‌گردد؛ از این رو، میزان و درجه مشروعیت انتخابات نیز افزایش می‌یابد.¹

مبحث چهارم : اصل تخصص و حرفه ای بودن

انتخابات اصیل و پر معنا ، منوط به وجود افراد و نهادهای متخصص و حرفه‌ای در انجام وظایف و تکالیف انتخاباتی است . از این رو ، اعضای نهادهای مدیریت انتخابات باید در خصوص مسائل و موضوعات انتخاباتی تخصص داشته باشند یا حداقل از فرآیند انتخابات و محتوی وظایف و اختیارات خود آشنایی قابل قبولی داشته باشد . لذا آموزش و تعلیم اعضای کلیه نهادهای مدیریتی امری ضروری است که پیش از انجام وظایف باید انجام شود . خیلی واضح و روشن است که چنانچه افراد نالایق و غیر متخصص متصدی برگزاری ، نظارت و حل و فصل اختلاف شوند، دیگر نمی‌توان انتظار یک انتخابات آزاد، منصفانه و اصیل را داشت یا بزور مشکلات جدی و تخلفات و اشتباهات عمومی و سهوی، حقوق و آزادیها سیاسی و انتخاباتی شهروندان نقض خواهد شد.²

¹ - خسروی ، حسن ، همان صص 143 و 144

² - خسروی حسن، پیشین، ص 264

مبحث پنجم: اصل عدم عضویت و عدم مداخله مدیریت

انتخابات در امور احزاب

زمانی زمینه م وفقیّت و اصالت انتخابات فراهم می‌گردد که شرکت کنندگان در انتخابات یا عموم مردم، اعتماد و اطمینان حاصل کنند که مدیریت انتخابات وظایف و اختیارات خود را از لحاظ سیاسی بیطرفانه و غیر جانبدارانه و مطابق قانون اجرا خواهند کرد. لذا از نهادهای مدیریت انتخابات انتظار می‌رود که به طرز منصفانه و بدون اعطای امتیاز خاصی به هر گونه گرایش سیاسی یا گروهی خاص و ذینفع، با همه برخورد نمایند رعایت اصل بیطرفی در حوزه مدیریت انتخابات نقش مؤثری در اجرایی شدن حق های سیاسی و انتخاباتی شرکت کنندگان در انتخابات، باید قواعد ارزشی و اخلاقی زیرا جامعه عمل بپوشانند:

1- رفتار نمودن و ان جام وظایف در شیوه غیر

جانبدارانه در همه موضوعات؛

2- عدم انسجام عملی که نشان دهند نوعی حمایت

سیاسی برای حزب یا کاندید یا عامل سیاسی خاصی

تلقی شود؛

3- رسیدگی و ارزیابی کلیه م موضوعات انتخابات

بدون اعمال نگرشهای شخصی؛

- 4- فاش نمودن همه روابطی که می تواند منجر به اختلافات و تعارض منافع با وظایف شان به عنوان مدیران انتخاباتی باشد؛
- 5- عدم پذیرش هرگونه هدایا یا کمک از طرف احزاب و سازمانهای سیاسی و یا اشخاص درگیر انتخابات؛
- 6- رد هر گونه نفوذ ناروا ، به استثناء موارد تجویز شده به موجب قانون و خودداری از اجرای دستورات غیر مجاز مرتبط با اجرای وظایفشان؛
- 7- عدم مشارکت در هر گونه فعالیت غیر مجاز؛ نظیر هر فعالیت خصوصی که در تعارض با انجام وظایفشان باشد و نوعی حمایت سیاسی از کاندیدا یا حزب سیاسی خاصی شود؛
- 8- عدم دیدگاهها و نظرات شخصی در خصوص هر موضوعی که به چالش و جنجال در انتخابات منجر شود؛
- 9- عدم ارتباط خصوصی با رأی دهندگان ، کاندیداها و احزاب سیاسی یا اشخاص ذینفع در انتخابات؛
- 10 - عدم پوشیدن و حمل هر گونه علامت، رنگ و سمبل حزبی و جناحی؛¹

1- خسروی ، حسن ، پیشین ، صص 261 و 262

بخش دوم : ساختار مدیریت نظارت بر انتخابات کشور

فصل اول : ساختار مدیریت اجرایی

مهمترین و اساسی ترین بخش فرآی ند انتخابات ، اداره و مدیریت کارآمد و موثر انتخابات می باشد .

بی شک و صرف مقرر داشتن و ترسیم اصول و مبانی نظری انتخابات و وضع قوانین و مقررات مربوط ، تضمین کننده حقوق انتخابات اصیل ، آزاد و منصفانه نمی باشد ، بلکه ایجاد ساختارها و تأسیسات کارآمد نظیر مدیریت انتخابات ضرورت دارد . اهمیت نهادهای مدیریتی انتخابات تا آنجا است که آنها اداره کننده فرآیند انتخابات و در واقع مجری قوانین و مقررات انتخاباتی و واسطه تبدیل آراء شهروندان به کرسی ها می باشد . بر این اساس ، ماهیت ، نوع ، ساختار ، وظایف و اختیارات و شیوه عملکرد این نهادها به طور مستقیم بر تمام بخشهای انتخابات و حقوق و آزادیهای سیاسی و مدیریت انتخاباتی ، شهروندان و در نهایت ثبات سیاسی و مشروعیت دولت تأثیر گذاری می باشند .¹ مدیریت انتخابات ، اصطلاحی است برای فرآیند انتخابات . از آنجایی که فرآی ند انتخابات شامل بخشهای متعددی می شود ، انتظام و چارچوب بندی قانونی در وهله اول از اهمیت خاصی برخوردار می گردد . لذا وضع قانون مطلوب و کارآمد با تعریف و

¹ - خسروی ، حسن ، پیشین ، ص 259

مشخص نمودن دقیق کلیه بخش های انتخابات، نقش مهمی در موفقیت مدیریت انتخابات دارد.¹

مبحث اول : اصول حاکم بر مدیریت انتخابات

مشروعیت، اصالت و اعتبار انتخابات وابسته به قرارگرفتن عملکرد مدیریت انتخابات در چارچوب یک سری اصول راهبردی است که این ، اصول ، در واقع پایه های اساسی مدیریت انتخابات می باشند و جهت تضمین سلامت و یکپارچگی و انسجام مراحل و فرآیند انتخابات واجب و ضروری هستند که می توان به 1- اصل استقلال؛ 2- بی طرفی ؛ 3- احترام به قانون ؛ 4- شفافیت؛ 5- مدیریت دقیق و صحیح ؛ 6- پاسخگویی ؛ 7- کارآمدی و موثر بودن ؛ 8- اصل تخصص و حرفه ای بودن را نام برد.²

هدف اصلی از تأسیس مدیریت انتخابات، قاعده مند نمودن و انتظام بخشی یکپارچه و منسجم برگزاری انتخابات به منظور تحقق حقوق و آزادیهای سیاسی و انتخاباتی شهروندان و پیشبرد آرمانهای دموکراتیک در جامعه می باشد . در حقیقت امری عقلی و منطقی است که پس از تأسیس نهاد انتخابات و وضع قانون و

² - خسروی، حسن، همان، ص 260

¹ - خسروی، حسن، همان، ص 260

مقررات انتخابات ، مردم از این طریق بتوانند حاکمیت اراده خود را عملی سازند . تحقق این مهم ، نیازمند عملی و اجرایی شدن قانون انتخابات و ایجاد زمینه مساعد و لازم برای شکل گیری نهادی برای اداره امور کشور می باشد . لذا نهاد مدیریت اجرایی انتخابات در این راستا تشکیل می شود .

مدیریت اجرایی انتخابات نقش بسیاری مهمی «در عملی ساختن تفکر و تحکیم دموکراسی در جامعه سیاسی دارد؛ به دلیل اینکه مجری و تحقق بخش وسیعی از حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی شهروندان می باشد . البته رسیدن به این مهم منوط به نوع و ماهیت و ساختار و عملکرد نهاد مدیریت انتخابات می باشد.¹

مشارکت آگاهانه شهروندان در تنظیم مناسبات سیاسی- اجتماعی و رقابت مسالمت آمیز در تبدیل رأی به کرسی، جوهره و درون مایه مردم سالاری به مثابه یک روش می باشد.

صاحب نظران توسعه براین باورند مشارکت سیاسی از ضرورت های انکار ناپذیر نظام های سیاسی معاصر بوده و اصیل ترین مؤلفه توسعه یافتگی، پاسخ به نیازهای

² - خسروی ، حسن ، پیشین ، ص 265 و 266

فزاینده مشارکت مردم و نهادینه کردن آن در چارچوب نظام های انتخاباتی است.

هرچند در گذشته انتخاب حاکمان با ساز و کار بسیط صورت می گرفت و به دلیل محدودیت حق رأی ، نخبگان سنتی به هیچ رقابتی انتخاب می شدند، لیکن در عصر جدید، با عمومیت یافتن حق رأی و همزمان با رشد مردم سالاری تحولات شگرفی در برگزاری انتخابات پدید آمد و زندگی سیاسی شهروندان در رفتار انتخاباتی آنان تجسم یافت و انتخابات به عنوان مفسر نقش مردم در نظام سیاسی از کارآمدی لازم برای تبدیل تقاضای سیاسی و اجتماعی جامعه به الزامات سیاسی قلمداد گردید.

انتخابات در نظام مردم سالار، به ایفای چهار نقش اساسی می پردازد :

- 1- تعیین حاکمان در سطح ملی و منطقه ای
- 2- تعیین ساسیتهای کلی کشور
- 3- اعطای کارآمدی و مقبولیت به ساختار سیاسی کشور
- 4- اشاعه فرهنگ وفاق جمعی ، ارتقای همبستگی اجتماعی و توسعه نیروی انسانی کارآمد
- 5- نظام های انتخاباتی در عصر جدید مب تني بر ارکان سه گانه زیر شکل می گیرد:

1- قوانین یا نظام های انتخاباتی متشکل از مجموعه ضوابط و مقرراتی است که اجزا و مراحل مختلف انتخابات از ثبت نام تا شمارش آرا را شامل می شود.

2- ساختارسیاسی و بسترهای اجتماعی که علاوه بر محتوای سیاسی انتخابات، تعامل حکومت و مردم و علائق شهروندان و نوع مطالبات آنها را بازتاب داده و نقشه انتخاباتی جامعه را ترسیم می نماید. در این خصوص رابطه مستقیم و معناداری میان امید مردم به تأثیر گذاری رأی آنان در عرصه سرنوشت و واقعی تر شدن نقشه انتخاباتی هر جامعه وجود دارد.

3- کاربرد قوانین و اجرای انتخابات که نهادهای اجرایی، نظارتی و بازرسی برای انجام آن، در قانون پیش بینی شده است برگزاری موفق انتخابات منوط به عملکرد ممتاز سه نهاد فوق الذکر در ایفای مسئولیت شان می باشد. هرچند تأسیس نهاد انتخابات شرط لازم برقراری مردم سالاری است. اما کفایت این شرط در صورتی محقق می شود که سلامت انتخابات تعیین شده و سنت سالم رفتار سیاسی و اجتماعی برای تحقق مردم سالاری وجهه همت همگان قرارگیرد.

این معیارها شامل اجتناب از نقض قوانین، تهدید، ارتشا، خرید رأی، تقلب، خشونت و رستگاری‌های معطوف به منافع جناحی و حزبی می‌باشد.

در نظام مردم سالاری دینی، انسان مبتنی بر اراده الهی، حاکم بر سرنوشت خویش بوده و انتخابات در چنین جوامعی تجلی غیرت دینی مردم و مسئولیت‌پذیری همگانی در ساخت پیکره تمدنی خویش می‌باشد. در نظام اسلامی حضور آگاهانه، آزادانه و داوطلبانه مردم در عرصه‌ی انتخابات نشانگر نمایی عظیم از انسجام ملی و مشارکت همگانی است که ظرفیت نظام اسلامی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل دولت ملت را به عرصه ظهور رسانده و مردم سالاری دینی را در نصابی بالاتر از دموکراسی‌های معمول می‌نشانند. یکی از وجوه ارتقای اقتدار ملی ایران اسلامی، برگزاری انتخاباتی سالم، قانونی در چارچوب ضوابط و مقررات می‌باشد.

حیثیت این انتخابات معطوف به حاکمیت اخلاق و قانون همراه با شفاف‌سازی و پاسخگویی مدیران اجرایی، نظارت و بازرسی، مشارکت فعال گروه‌های مرجع و وفاق و همکاری همگان می‌باشد.

وزارت کشور و ستادهای بازرسی استان‌ها و شهرستان‌ها از یک سو به عنوان چشمان بیدار قوه

اجرایی، رسالت مهم پیشگیری از وقوع تخلف را برعهده دارد و ازسوی دیگر، گزارش، جمع آوری، ثبت و مستند سازی تخلفات انجام گرفته به ناظران ومسئولین و نیز بازرسی کنترل جریان انتخابات و حسن اجرای قانون را انجام می‌دهد.¹

مبحث دوم : وزارت کشور و نحوه بازرسی بر

انتخابات

یکی از مأموریت های اصلی وزارت کشور برگزاری انتخابات است . فرآیند برگزاری انتخابات با سیاستگذاری و بازرسی کلی ستاد وزارت کشور توسط مجموعه تشکیلات صف انجام می‌شود. وزارت کشور به موجب مواد 31قانون انتخابات ریاست جمهوری ماده 25قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و مواد 9و76 قانون انتخابات و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری، و ماده 66قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران ، مسئول اجرای قوانین انتخاباتی فوق الذکر است و بالطبع بایستی در مقابل عملکرد مأموران صف خود پاسخگو باشد .

¹- دستورالعمل بازرسی انتخابات، ستاد مرکزی بازرسی انتخابات ، 1386

لازمه پاسخگویی این است که ابزار و لوازم کافی برای انجام مأموریت خود را واجد باشد. از جمله لوازم این امر امکان بازرسی و کنترل جریان انتخابات توسط بازرسین است.

مقنن با توجه به این موضوع به موجب مواد فوق الذکر به وزارت کشور اجازه داده است که به عنوان مسئول حسن جریان انتخابات مأمورینی را برای بازرسی و کنترل و نحوه برگزاری انتخابات بطور ثابت یا سیار به استان ها، شهرستانها، بخش ها و شعب ثبت نام و اخذ رأی اعزام نماید.

فرآیند برگزاری انتخابات که وزارت کشور میتواند آن را بازرسی نماید فرآیندی کلی و عام است که عملکرد کلیه ارگان ها و افراد درگیر در انتخابات از جمله صدا و سیما، دستگاههای اجرایی دیگر، نامزدها، هواداران آنها، تریبون های رسمی و... را شامل میشود و بالتبع هیأت های بازرسی و بازرسان وزارت کشور موظف به رصد عملکرد آنها و گزارش آن به هیأت مرکزی بازرسی انتخابات وزارت کشور و سایر دستگاههای مسئول میباشند.

این فرآیند به لحاظ زمانی هم مقید به ایام تبلیغات و رأی گیری نبوده و از زمان دستور وزارت کشور برای شروع امور انتخابات تا ام حای تعارفه

آرای مصرف شده و نشده را در بر می‌گیرد . به گونه ای که هیچ يك از امور انتخابات از شمول بازرسی خارج نیست . در انجام بازرسی وسیله هیأت بازرسی و بازرسان ، نکات ذیل باید به دقت رعایت شود تا نتیجه مطلوب از امر بازرسی حاصل شود.

– وظایف بازرسان

1- بازرسان و هیأت‌های بازرسی باید به عنوان اولین اصل یا بی‌طرفی نسبت به انجام بازرسی اقدام نمایند و از هیچ يك از نامزدها طرفداری و جانبداری ننمایند که مجریان و سایر دست اندرکاران انتخابات هم این اصل را رعایت می‌کنند یا خیر ؟

2- هیأت‌های بازرسی و بازرسان حق هیچگونه دخالت در امور اجرایی و نظارتی را ندارند و در صورت مشاهده تخلف را به شکل مکتوب با ضمیمه کردن دلایل و مستندات و اسامی و مشخصات دقیق متخلفین و زمان و مکان وقوع تخلف به نمایندگان فرماندار یا بخشدار و هیأت مافوق گزارش نمایند.

3- بازرسان بایستی از بین افراد متعهد و دارای سعه صدر و از همه اقشار جامعه انتخاب شوند و در عمل هم متعهدانه ، مسئولانه و با سعه صدر و دقت بازرسی خود را انجام دهند و در این امر مهم از افراط و تفریط بطور جدی پرهیز و احتزار نمایند.

4- ضرورت دارد بازرسان محترم با مطالعه دقیق

قوانین ومقررات وشیوه نامه وب خشنامه های انتخاباتی تلاش نمایند که کلیه اقدامات در انطباق با قوانین و مقررات باشد. هیأت‌های بازرسی موظف هستند عنداللزوم نسبت به برگزاری دوره های آموزشی برای بازرسان اقدام نمایند .

5- با توجه به برگزاری همزمان انتخابات و میان

دوره ای در بعضی حوزه ها، بازرسان محترم باید توجه داشته باشند که توجه به یکی از انتخابات باعث این نشود که از دیگر انتخابات غافل شوند .

6- درامکانی که امکان و احتمال تخلف بیشتر وجود

ندارد نظیر پادگان ها و زندان ها بازرسان باید با دقت و وسواس بیشتر نسبت به انجام بازرسی اقدام نمایند.

7- هر چه به روز انتخابات نزدیکتر می شویم

بالطبع فضای انتخاباتی التهاب بیش تری پیدا می کند و احتمال و امکان تخلفات انتخاباتی بیشتر می شود که توجه و دقت بیشتری را در امر بازرسی می طلبد و بازرسان باید به این نکته توجه داشته باشند تا هیجانات انتخاباتی به نحو درست و در صراط مستقیم هدایت شود و به تخریب و تخلف نیجامد.

8- بازرسی متعادل و سالم موجب تضمین سلامت انتخابات و مشروعیت و مقبولیت آن و در نهایت موجب استحکام و تثبیت روزافزون نظام است. لذا هیچ مصلحتی بالاتر از این برای انجام بازرسی متعادل و بدون افراط و تفریط نیست.

9- بازرسان قبل از آنکه منتظر وقوع تخلف و گزارش آن باشند بایستی با گزارش اعمالی که ممکن است در آینده منجر به وقوع تخلف و نقض حسن جریان انتخابات شود، نسبت به پیشگیری و جلوگیری از وقوع اقدام نمایند.

10- بر اساس بند 16 ماده 8 قانون تخلفات اداری گواهی یا گزارش خلاف واقع تخلف اداری محسوب و در هیأت‌های تخلفات اداری قابل رسیدگی است.

11- مستند به مواد قانونی فوق‌الذکر راجع به بازرسی و با توجه به ماده 1287 قانون مدنی که اسناد تنظیمی توسط مأمورین دولتی در حدود صلاحیت و طبق مقررات قانونی را سند رسمی می‌داند، گزارش بازرسان سند رسمی محسوب و از امتیازات اسناد رسمی برخوردار است.

12- نقض هر یک از مواد قانون خبرگان رهبری، قانون انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی

کشور و انتخاب شهرداران و آئیننامه اجرایی انتخاباتی آنها تخلف و در بعضی موارد جرم محسوب می‌شود. لذا بازرسان محترم دره ریک از مراحل انتخابات بایستی به دقت مقررات مربوط به آن را مطالعه و با اشراف کامل به مقررات نسبت به انجام بازرسی اقدام نمایند.¹

مبحث سوم: ساختار مدیریت اجرایی و بازرسی

ی‌ا نظارت بر حسن انجام آن بعهد وزارت کشور محول شده است. و این امور به وسیله دفتر انتخابات که از زیر مجموعه‌های معاونت سیاسی می‌باشد، برگزار می‌گردد. که اهم شرح وظایف دفتر انتخابات به شرح ذیل می‌باشد.

- شرح وظایف دفتر انتخابات

1. برنامه ریزی به منظور انجام انتخابات در داخل و خارج از کشور و تأمین هماهنگی‌های لازم در این زمینه
2. تهیه و تنظیم طرح زمانبندی انتخابات بر اساس قوانین و مقررات مربوط و ابلاغ و ارسال آن به مراجع ذیربط.

¹- برداشت از گزارش بازرسی دستورالعمل بازرسی انتخابات شماره 11484 مورخ 85/9/2 وزارت کشور

3. برآورد اعتبارات ، نیروی انسانی و وسائل و لوازم مورد نیاز جهت انجام انتخابات و اعلام به واحدهای ذیربط بمنظور تأمین منابع لازم.
4. بررسی و تعیین ضوابط و معیارهای لازم برای تقسیم و توزیع نیروی انسانی و ابزارکار و اعتبارات مصوب بین حوزه های انتخاباتی با درنظر گرفتن موقعیت واحدهای انتخاباتی و نیاز مناطق
5. طراحی نمونه های مختلف اوراق رأی و تعرفه و مهرهای انتخاباتی و فرم های آماری و تعیین نوع وسائل و ملزومات مورد نیاز انتخابات
6. جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مسائل اقلیمی و اجتماعی مناطق کشور و اقلیت های مذهبی جهت تأمین تسهیلات در امر برگزاری انتخابات با همکاری واحدهای ذیربط در استانها
7. انجام اقدامات و هماهنگی های لازم بمنظور کسب مجوز جهت برگزاری انتخابات از مراجع ذیربط
8. تهیه شناسنامه انتخاباتی شهرستانها و بخشها بمنظور شناسائی دقیق مناطق جهت برگزاری انتخابات
9. اخذ اسامی و مشخصات داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی از حوزه های انتخابیه بمنظور بررسی سوابق آنان توسط مراجع ذیربط.

10. ثبت نام داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل پرونده انتخاباتی برای آنان و ارسال آنها به شورای نگهبان در اجرای اصل نود و نهم قانون اساسی
11. انتخاب افراد واجد شرایط جهت اعمال بازرسی و کنترل انتخابات و اقدام در تشکیل و اداره جلسات آموزشی بمنظور ارشاد و راهنمایی افراد مذکور با همکاری مراجع ذیربط.
12. چاپ و تکثیر قوانین و تصویب نامه ها و دستورالعمل های اجرایی انتخابات و ارسال آنها به واحدهای اجرایی انتخابات بر طبق برنامه زمانبندی شده.
13. تأمین وسائل و لوازم و اوراق انتخاباتی و سایر تجهیزات مورد نیاز حوزه های انتخاباتی کشور.
14. فراهم نمودن موجبات تشکیل ستاد انتخابات کشور.
15. فراهم نمودن موجبات دستور شروع انتخابات به کلیه حوزه های انتخاباتی و تهیه و تنظیم بخشنامه ها و اطلاعیه های انتخاباتی و برق راری و حفظ ارتباط دائم با رسانه های گروهی بمنظور انتشار اطلاعیه های مربوطه.

16. تشکیل کنفرانس ها و جلسات سخنرانی ،
مصاحبه های مطبوعاتی، رادیو تلویزیونی و رسانه ای
بمنظور آگاهی عموم در رابطه با امر انتخابات
17. ایجاد هماهنگی لازم و تأمین شبکه ارتباطی
بین ستاد انتخابات کشور و فرمانداری ها و
بخشداری ها در جریان برگزاری انتخابات و رفع نواقص
و مشکلات آنها
18. نظارت بر حسن اجرای انتخابات و راهنمایی
و هدایت مجریان انتخابات در حوزه های انتخاباتی
سراسر کشور
19. اخذ نتایج انتخابات از کلیه حوزه های
انتخابیه و اعلام آن از طریق رسانه های گروهی جهت
اطلاع عموم
20. جمع آوری اطلاعات آماری و ارقام مربوط به
هر انتخابات از آغاز تا پایان و تجزیه و تحلیل
آنها و تهیه جزوات آماری و نمودار های لازم جهت
اطلاع مسئولین و مراجع ذیربط.
21. مطالعه و بررسی گزارشات مأمورین اجرایی
انتخابات و استخراج نواقص و تنگناهای مربوط و اعلام
به مراجع ذیربط

22. تکمیل پرونده های انتخاباتی و ارسال آنها
به مراجع ذیربط و پیگیری و استرداد پرونده های
ارسالی

23. جمع آوری کلیه قوانین ، مقررات، آئین
نامه ها و تصویب نامه های مربوط به انتخابات و
همچنین کتب و نشریات در ارتباط با امور انتخاباتی
و ایجاد آرشیو از قوانین مذکور و جاری نگه داشتن
آن

24. مطالعه ، بررسی و تحقیق و تجزیه و تحلیل
اطلاعات، تجربیات، قوانین و مقررات انتخاباتی
داخلی و خارجی بمنظور دستیابی به مناسبترین
روشهای انتخاباتی و تهیه و تدوین لوایح آئین
نامه ها و دستورالعملها و اصلاحیه های لازم متناسب با
نوع انتخابات با همکاری واحدهای ذیربط

25. انجام مطالعات و بررسی های لازم در زمینه
شناخت عوامل مؤثر برای مشارکت و تجهیز بیشتر مردم
در امر انتخابات با همکاری واحدهای ذیربط

26. بررسی مطالب و صورت مذاکرات و سؤالات
نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با
امران انتخابات و ادای توضیحات و پاسخ لازم با همکاری
دفتر امور حقوقی و مجلس

27. تهیه متون آموزشی لازم جهت آموزش مجریان انتخابات و همکاری در اجرای آن با واحد ذیربط.¹

مبحث چهارم : وظایف، و نحوه تشکیل هیأت های بازرسی توسط وزارت کشور

در اجرای مواد 76 آئین نامه اجرائی قانون انتخابات مجلس خبرگان و 25 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و 31 قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده 66 قانون تشکیلات و وظائف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و به منظور حسن جریان انتخابات و صیانت و حفاظت از آرای مردم در انتخابات، هیأت بازرسی انتخابات در وزارت کشور تحت عنوان << هیأت بازرسی انتخابات >> و در استان تحت عنوان << هیأت بازرسی انتخابات استان >> و در شهرستان تحت عنوان << هیأت بازرسی انتخابات شهرستان >> تشکیل میشود و نسبت به امور محوله اقدام مینمایند.

بند اول- هیأت مرکزی بازرسی انتخابات:

¹- برداشت از شرح وظایف دفتر انتخابات وزارت کشور، مرکز نوسازی و تحول اداری، فناوری شماره 23880/5 مورخ 88/2/12

1- هیأت مرکزی بازرسی انتخابات در روز ارت کشور تشکیل می شوند و رئیس آن ، با حکم وزیر و اعضای آن با حکم رئیس هیأت، منصوب می شوند.

2- هیأت مرکزی بازرسی انتخابات، دارای دبیرخانه مستقل خواهد بود که دبیر و اعضای آن ، توسط رئیس هیأت مرکزی بازرسی انتخابات، منصوب می شوند.

- وظایف هیأت مرکزی:

1- تهیه دستور العمل و فرم های مورد نیاز هیأت های بازرسی.

2- برنامه ریزی برای استقرار هیأت های بازرسی استانها و شهرستانها.

3- تعیین شرایط و نحوه انتخاب اعضای هیأت های بازرسی ، بازرسان، بازرسان ویژه.

4- نظارت بر عملکرد هیأت های بازرسی استان ها و شهرستانها.

5- برنامه ریزی برای تشکیل جلسات و برگزاری گردهمایی برای آموزش اعضای هیأت های بازرسی و بازرسان.

6- هماهنگی و همکاری با ستاد انتخابات کشور به منظور اجرای صحیح قانون انتخابات .

- 7- دریافت گزارش روزانه از هیأت های تحت سرپرستی و تجزیه و تحلیل آن و اقدام جهت انعکاس به مراجع ذیصلاح و پیگیری تا حصول نتیجه :
- 8- برنامه ریزی جهت پیشگیری از تخلّفات انتخاباتی از طریق بازرسی های مستمر.
- 9- تهیه گزارش نهایی جریان انتخابات و اعلام به مراجع ذیربط.¹

بند دوم - هیأت بازرسی انتخابات استان:

هیأت بازرسی انتخابات استان (که پنج نفر خواهند بود) به منظور حسن اجرای قانون انتخابات در مراکز استان ها تشکیل می گردد و احکام آنها توسط رئیس هیأت مرکزی بازرسی انتخابات صادر می شود و مطابق شرح وظایف ابلاغی و رعایت قوانین و مقررات انتخابات ، وظایف محوله را انجام خواهند داد.

الف - اهم وظایف اصلی:

- 1- بازرسی از جریان انتخابات شامل کلیه مراحل اجرای انتخابات از قبیل نحوه تشکیل هیأت های اجرایی، ثبت نام نامزدها ، اخذ رأی تا اعلام نتایج انتخابات و عملکرد عوامل مندرج در قانون.

¹- برداشت از گزارش عملکرد کمیته حقوقی وزارت کشور ، حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس ، 1385/9/24

- 2- برگزار جلسات آموزشی، توجیهی برای هیأت ها ی تحت سرپرستی و بازرسان انتخابات.
- 3- ابلاغ دستور العملها و تصمیمات اتخاذ شده به هیأت های تحت سرپرستی.
- 4- کمک و مساعدت در رفع مشکلات اجرایی هیأت های بازرسی.
- 5- دریافت گزارش روزانه هیأت های تحت سرپرستی و تجزیه و تحلیل آن و اقدام لازم جهت انعکاس به مراجع ذیصلاح.
- 6- انعکاس تخلفات انتخاباتی به مراجع ذیربط، جهت بررسی و اقدام قانونی
- 7- پیشنهاد اسامی اعضای هیأت های بازرسی شهرستان های تابعه به هیأت مرکزی، جهت بررسی و صدور احکام
- 8- انتشار اطلاعیه درخصوص شروع بکار هیأت بازرسی انتخابات استان از طریق صدا و سیما، مطبوعات محلی و اعلام آدرس و شماره تلفن، جهت ارائه گزارش های مردمی⁰ (مطابق فرم نمونه)
- 9- ارائه گزارش از موضوعات ذیل به دبیرخانه هیأت مرکزی بازرسی انتخابات.
- 1-9: تبلیغات پیش از موعد، شیوه های تبلیغ و ترفندهای تبلیغاتی.

- 2-9: عملکرد دستگاه های اجرایی در رابطه با انتخابات.
- 3-9: عملکرد گروه های سیاسی وتشکلهای صنفی در رابطه با کاندیداها.
- 4-9: موضعگیری افراد نفوذ در استان و شهرستان (روحانیات، تشکل ها، صداوسیما، مطبوعات محلی و...)
- 5-9: اعمال نفوذ مقامات کشوری و لشکری در انتخابات.
- 6-9: سوءاستفاده از امکانات اداری، مالی و دولتی.
- 7-9: تخلفات هیأت های اجرایی، ناظرین و مسئولین انتخابات.
- 8-9: ارسال مستندات (نوار، عکس، اقلام تبلیغاتی) مربوط به تخلفات انتخاباتی.
- 9-9: شایعه انتخاباتی.
- 10-9: سایر اخبار و اطلاعات.
- ب - اهم وظایف اداری:**
- 1 تشکیل هیأت های بازرسی شهرستان و انتخاب اعضای آن.
- 2-ارتباط مستمر با دبیرخانه مرکزی بازرسی انتخابات.

3- تعیین و صدور احکام سرباز رسین و بازرسان انتخابات به تعداد مورد نیاز، (این بند قابل تفویض به رؤسای هیأت های بازرسی شهرستان ها می باشد).

4- صدور کارت برای اعضای هیأت های تحت سرپرستی.

5- برنامه ریزی و پیش بینی امکانات مورد نیاز هیأت ها و بازرسان و اهتمام در تهیه آن.

6- پیش بینی بودجه مورد نیاز و تلاش در تأمین آن از طریق اعتبارات انتخابات استان.¹

بند سوم - هیأت بازرسی انتخابات شهرستان :

هیأت بازرسی شهرستان (که سه نفر خواهند بود)، به منظور حسن جریان انتخابات تشکیل می شود که احکام آنها توسط رئیس هیأت مرکزی بازرسی انتخابات صادر می شود و مطابق شرح وظایف ابلاغی و قوانین ومقررات انتخابات، وظایف محوله را انجام خواهند داد.

الف - اهم وظایف اصلی :

1 تشکیل هیأت های بازرسی انتخابات حوز
انتخابیه فرعی.

¹ - برداشت از دستور العمل دبیرخانه هیأت مرکزی بازرسی انتخابات، (شماره 119154/ب ه مورخ 85/9/12 - وزارت کشور)

- 2 تعیین سربازرسان و تعیین مناطق و تعداد شعبی که توسط سربازرسین مورد مراقبت قرار می‌گیرد.
- 3 دریافت گزارش از هیأت های بازرسی تحت سرپرستی، سربازرسان و تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی و ارسال به هیأت بازرسی انتخابات استان.
- 4 گزارش به موقع از تخلفات اشخاص (حقیقی یا حقوقی) و دستگاه‌های اجرایی به استناد قانون، آیین نامه انتخابات و اجرای قانون انتخابات در تمامی مراحل و عملکرد عوامل مندرج در قانون برای رسیدگی و اقدام لازم.
- 5 بازرسی از جریان انتخابات و اجرای قانون انتخابات در تمامی مراحل و عملکرد عوامل مندرج در قانون انتخابات.
- 6 مراقبت بر عمل کرد هیأت های بازرسی تحت سرپرستی، دریافت گزارش روزانه از آنها و انعکاس به هیأت بازرسی انتخابات استان.
- 7 تشکیل جلسات توجیهی و آموزشی برای اعضای هیأتها و بازرسان تحت سرپرستی.
- 8 -اهتمام و مراقبت کامل از روند انتخابات شهرستان از طریق بازرسی مستمر.

ب - اهم وظایف اداری:

- 1 پیشنهاد اسامي هیأت های بازرسي انتخابات حوزه های فرعي ، به هیأت بازرسي انتخابات استان، جهت صدور حکم آنان.
- 2 پاسخ به استعلام و مکاتبات هیأت بازرسي انتخابات استان.
- 3 -اعزام نماینده جهت حضور در هیأت اجرائي انتخابات شهرستان (بدون رأی)
- 4 برنامه ريزي و پيش بيني امکانات مورد نیاز هیأت های بازرسي و بازرسان ،تحت سرپرستي و تلاش و اهتمام در تهیه آنها.
- 5 تشريك مساعي با هیأت اجرائي و هیأت نظارت شهرستان براي اجراي هرچه بهتر انتخابات.
- 6 برنامه ريزي جهت شناسايي و جذب و ساماندهي بازرسان براي شعبات اخذ راي و معرفي به هیأت بازرسي استان، جهت صدور احكام وکارت شناسايي.

بند چهارم: بازرسان شعب اخذ رأی :

بازرس شعبه اخذ رأی از میان افراد مستعد و خوش نام و آشنا به امر انتخابات، تعیین خواهد شد و با توجه به وظایف ابلاغي وقوانین ومقررات انتخابات ، امور محوله را انجام خواهد داد.

- اهم وظایف:

- 1- شرکت در جلسات آموزشی و توجیهی که توسط هیأت بازرسی ما فوق، تشکیل می‌شود.
- 2- شناسایی شعبه اخذ رأی تعیین شده و آشنایی با اعضا و ناظرین شعبه.
- 3- آشنایی کامل از وظایف اعضای شعب و ناظرین.
- 4- همکاری لازم با نماینده فرماندار یا بخشدار در حسن اجرای انتخابات.
- 5- مراقبت بر امحای کامل هرگونه آگهی و آثار تبلیغاتی، قبل از شروع اخذ رأی در محل و محدوده شعبه اخذ رأی.
- 6- مراقبت بر حسن جریان انتخابات در شعبه مربوطه.
- 7- مراقبت بر لفاف کردن و لاک و مهر نمودن صندوق در محل شعبه اخذ رأی توسط اعضای شعبه.
- 8- بررسی چگونگی ایجاد نظم و حفاظت از صندوق، توسط مأمورین انتظامی در محدوده شعبه.
- 9- انعکاس سریع هر گونه تخلف به نماینده فرماندار و بخشدار و ارسال گزارش به هیأت بازرسی انتخابات ما فوق.
- 10- مراقبت در حفظ بی‌طرفی کامل نماینده فرماندار یا بخشدار و سایر اعضای شعبه و با ناظرین و ارائه

گزارش از تخلفات احتمالی به هیأت بازرسی انتخابات مافوق.

11-مراقبت در روند ثبت نام رأی دهندگان بطوریکه که ، صرفاً توسط منشی ها شعبه و با رعایت کلیه شرایط مندرج در قانون و آئین نامه انتخابات انجام شود.

12-مراقبت برعدم رأی دادن افراد بی سواد و کنترل نوشتن رأی مورد نظر فرد بی سواد ، توسط همراه اختیاری آنان.

13- مراقبت برعدم رأی مکرر از يك رأی دهنده توسط اعضای شعبه .

14-مراقبت برسن قانونی رأی دهندگان.

15-مراقبت درتطبیق رأی دهنده با اصل شناسنامه.

16-مراقبت درمحل رجوع رأی دهندگان و محل استقرار صندوق ها بطوری که به اصل رأی دادن مخفی، خللی وارد نشود.

17- مراقبت درهنگام قرائت آرا و نحوه تنظیم صورت جلسه مربوطه.

18- تهیه گزارش نهایی از روند اجرای انتخابات در روز اخذ رأی و ارسال به هیأت بازرسی مافوق.

19- امضای صورت ج لسه مربوط به شمارش آرا

صندوقها، در محل امضای بازرس در فرم مربوطه.¹

بند پنجم - سایر موارد:

1- در تمام مراحل انتخابات، اجرای صحیح قوانین و مقررات انتخابات و حفظ کامل بی طرفی هیأت های بازرسی و بازرسان مورد انتظار است.

2- هیأت بازرسی انتخابات به ترتیب در استانداری ها، فرمانداری ها و بخشداري ها مستقر خواهند بود.

3- استانداران، فرمانداران و بخشداران، امکانات و لوازم مورد نیاز هیأت بازرسی انتخابات را در اختیار آنها قرار خواهند داد.

4- گزارشات، به صورت هفتگی به دبیرخانه هیأت مرکزی بازرسی انتخابات نمابر می شود.

5 - موارد مهم و آني، طی تماس تلفنی با رابطین و یا دبیر هیأت مرکزی با زرسی انتخابات در میان گذاشت می شود.

6- کلیه نامه ها ، دورنویس ها و گزارشات ، به دبیرخانه هیأت مرکزی انتخابات ارسال می شود.

¹- برداشت از دستور العمل کمیته حقوقی ، مستقر دروازت کشور، شماره 12-368/ه مورخ 1385/9/14

7 - مکاتبات هیأت‌ها با امضای رئیس هیأت انجام

خواهد شد.

8 - موارد عمومی، بخشنامه‌ها و دستور العمل‌های

بازرسی انتخابات، توسط رئیس هیأت مرکزی بازرسی

انتخابات ابلاغ خواهد شد.¹

بند ششم: عوامل اجرایی انتخابات

برای برگزاری هر انتخابات عمومی، چهار عامل

اصلی باید موجود باشد تا اجرای انتخابات تحقق

یابد. این چهار عامل اصلی عبارتند از:

1- محدوده انتخاباتی

2- انتخاب کنندگان

3- انتخاب شوندگان

4- ابزار و عوامل برگزاری انتخابات

الف: محدوده انتخاباتی (حوزه انتخابیه):

عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده

قانونی با مرزهای مشخص و تعداد معینی که به آن

تعلق می‌گیرد. تفاوت حوزه انتخابیه با حوزه

تقسیمات کشوری در این است، حوزه‌های انتخابیه که

اجزای قلمرو انتخابات یک کشور را تشکیل می‌دهند،

¹ - برداشت از دستور العمل دبیرخانه هیأت مرکزی، شماره 124372/ب ه مورخ 1385/9/13

با واحدهای متعارف تقسیماتی مثل بخش و شهرستان که تشکیل دهنده اجزای سیاسی و اداری کشور می باشند تفاوت‌هایی دارند و اصولاً دو مقوله جدای از هم هستند که هر کدام قانون و مقررات و قلمرو ویژه خود را دارند و لزوماً به یکدیگر منطبق نمی باشند.

ب- تقسیمات کشوری :

در قانون تقسیمات کشوری با در نظر گرفتن ضوابط و معیارهای خاص به منظور سهولت در اداره کشور و تمشیت امور جاری مردم، سرزمین ایران از لحاظ سیاسی، فرهنگی، اداری و خدمات رسانی به چند استان و هر استان به چند شهرستان و هر شهرستان به چند بخش و هر بخش به چند دهستان و بالاخره هر دهستان به چند روستا تقسیم و نامگذاری شده است. تفاوت شهر و روستا ض مناً در بطن ه ريك از این محدوده‌ها (به استثنای روستا) مرزبندی دیگری به نام "شهر" وجود دارد که قانون و مقررات حاکم بر آن به علت ویژگی مناسبات موجود بین مردم ساکن در آن، با قوانین و مقررات خارج از این محدوده یعنی محدوده های روستایی تفاوت دارد.

پ - حدود و مرزهای حوزه انتخابیه :

اما در قانون تعیین محدوده، حوزه‌های انتخابیه، به منظور مشخص شدن تعداد نماینده یا نمایندگان مردم سراسر کشور، تقسیمات دیگری با مرزهای جدید و متفاوت با مرزهای تقسیمات قبلی صورت می‌گیرد. این تقسیمات شامل چهار قسمت و حدود است که عبارتند از: انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا.¹

مبحث هفتم: انواع انتخابات در جمهوری اسلامی

ایران

1- انتخابات ریاست جمهوری:

در انتخابات ریاست جمهوری سراسر مملکت به منزله یک حوزه انتخابیه تلقی می‌شود و تقسیمات خاصی وجود ندارد. زیرا کل کشور فقط یک نفر برای احراز مقام ریاست جمهوری انتخاب می‌گردد. بنابراین هر فرماندار در قلمرو یک شهرستان به کمک بخشداران تابع خود انتخابات را برگزار و نتایج حاصله از رأی‌گیری را به مرکز منعکس می‌کند تا با نتایج سایر شهرستانها جمع شود و نتیجه نهایی انتخابات که عبارتست از جمع آرای بدست آمده از کل

¹ - برداشت از پورتال وزارت کشور - <http://www.moi.ir/portal/H0me> ، دفتر انتخابات وزارت کشور، 1385

کشور، اعلام گردد. ضمناً در انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسى علاوه بر اخذ رأی از هم وطنان ایرانی از ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز با هماهنگی سفارتخانه‌ها و کنسولگریها و نمایندگی های سیاسی توسط وزارت امور خارجه اخذ رأی به عمل می آید و نتیجه نهایی انتخابات توسط وزارت امورخارجه به ستاد انتخابات کشور اعلام می‌گردد.

2- انتخابات مجلس خبرگان

در انتخابات مجلس خبرگان کشور به 31 حوزه انتخابیه تقسیم شده و برای هر يك از این حوزه ها به تناسب جمعیت از 1 تا 16 نماینده اختصاص یافته است، این تعداد ثابت نیست و به استناد ماده يك اصلاحي قانون انتخابات مجلس خبرگان به ازاي هر يك میلیون نفر که به جمعیت هر حوزه انتخابیه اضافه شود يك نفر به نمایندگان آن حوزه افزوده خواهد شد، اما در این انتخابات نیز، مانند انتخابات ریاست جمهوری تقسیمات خاص و جداگانه ای وجود ندارد. بلکه مرز هر حوزه انتخابیه دقیقاً منطبق است به مرز يك استان و لذا 31 استان کشور همان 31 حوزه انتخابیه مجلس خبرگان را تشکیل می‌دهد.

3- انتخابات مجلس شورای اسلامی

در انتخابات مجلس شوراي اسلامي در حال حاضر 207 حوزه انتخابيه وجود دارد كه 202 حوزه آن مربوط به اكثريت مردم مسلمان كشور و 5 حوزه ديگر مخصوص هم وطنان اقليت ديني شناخته شده در قانون اساسي ميباشد كه از اين 207 حوزه انتخابيه مجموعاً 290 نفر نماينده انتخاب و به مجلس راه ميابند.

4- انتخابات شوراهاي اسلامي روستا و شهر

در انتخابات شوراهاي اسلامي كشور ري مانند انتخابات رياست جمهوري و انتخابات مجلس خبرگان، تقسيمات مخصوصي وجود ندارد بلكه همان محدوده و احدهاي تقسيماتي روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان، كه هر کدام محدوده يك حوزه انتخابيه مستقل را تشكيل مي‌دهند، ملاك عمل است.

الف - انتخاب كننده يا رأي دهنده

انتخاب كننده يا رأي دهنده عبارتست از شخصيتي حقيقي، بالغ، عاقل، داراي هويت و مشخصات معلوم و تابعيت مشخص با دارا بودن حق فقط يك رأي كه اين حق قائم به فرد است و قابل تفويض به ديگري نمي‌باشد. اين رأي بايد به صورت مخفي، مكتوب، آزاد و در جوي عاري از هرگونه تطميع، تهديد و ارعاب و اعلام شود.

ب- انتخاب شونده

انتخاب شونده فردي است واجد يك سلسله شرايط و صلاحيتهاي از پيش تعيين شده كه با كسب رأي تمايل اكثريت انتخاب كنندگان، از طرف آنها براي منظور خاصي برگزيده مي شود. در هر انتخابات براي انتخاب شونده شرايطي پيش بيني شده است كه اين شرايط به دو گونه به شرح زير مي باشد: قسمتي بارز و آشكار كه به سهولت و با مراجعه به اسناد و مدارك ارائه شده از سوي داوطلب عدم يا وجود آنها محقق و مسلم مي شود، نوع ديگر مربوط است به سوابق سجلي، شغلي، سياسي و اجتماعي مربوط به زندگي حال و گذشته داوطلب كه اسناد و مدارك آن در اختيار داوطلب نيست بلكه در اختيار سازمانهاي است كه پس از تحقيق و استعلام از مراكز قانوني درباره هريك از داوطلبان نتيجه را در اختيار مجريان ذي ربط انتخاباتي قرار مي دهند.

در پايان مهلت رسيدگي به صلاحيت، داوطلبان در دو گروه قرار مي گيرند، اول آنهاي كه واجد شرايط هستند و صلاحيتشان به عنوان يك داوطلب قانوني مورد تأييد قرار گرفته است و گروه ديگر آنهاي كه فاقد يك يا چند شرط از شرايط مقرر مي باشند و صلاحيت آنان به عنوان يك داوطلب قانوني رد مي شود.

ج- نامزد انتخاباتي

کلیه داوطلبانی که پس از پایان مهلت رسیدگی به صلاحیت، اسامی آنان به عنوان افراد صاحب صلاحیت و واجد شرایط قانونی برای انتخاب شدن آگهی رسمی منتشر می‌شود و به اطلاع همه می‌رسد.

چنانچه انتخاب شونده در مقطع و موقعیتی که عنوان داوطلب بر او اطلاق می‌شود اقدام به کناره‌گیری بنماید، آن را انصراف می‌نامیم و اگر کناره‌گیری در مقطع و مقام نامزد انتخاباتی باشد استعفا تلقی می‌شود. به عبارت دیگر کناره‌گیری از فعالیت‌های انتخاباتی در زمان پیش از اعلام و انتشار آگهی اسامی نامزدهای انتخاباتی را انصراف و در زمان بعد از آن را استعفا می‌گوییم.

بند هشتم: انتخابات؛ تنگناها و محدودیت‌ها

به منظور برگزاری انتخابات سالم در چارچوب قانون، نیاز به وجود برخی شرایط و ابزار و امکانات کمی و کیفی خاصی است. در صورتی که ابزار و امکانات مورد نیاز و همچنین عوامل جانبی آن مهیا نباشد، برگزار کنندگان انتخابات نخواهند توانست انتخابات سالم و بدون مسئله‌ای را برگزار نمایند. با توجه به مراتب فوق، موضوع محدودیت‌ها، تنگناها، و مقدمات، فرصت‌ها، زمینه‌ها و مشکلات و

وابستگی ها را به تفکیک به صورت زیر تشریح
می‌نماییم .

الف - مقدمات، فرصت‌ها، زمینه‌ها :

اقشار مختلف مردم با رهبری زعیم عالیقدر امام
خمینی (ره)، به طور آگاهانه و با ایثار جان و
مال، حکومت اسلامی را برپا داشتند و بنابراین
صاحبان اصلی انقلاب هستند و خود سرنوشت انتخابات
را رقم می‌زنند. انتخابات هفتمین ریاست جمهوری
اسلامی ایران که در دوم خرداد ماه سال 1376 برگزار
گردید خود نمایانگر آگاهی و بالا بودن شعور سیاسی
ملت ایران بود. در این انتخابات مردم ثابت نمودند
که با نظم و انتظام خود بهترین بازرس و
برگزارکنندگان انتخابات سالم هستند . حضور نزدیک
به 90 درصد افراد واجد شرایط 070، 076، 29 نفر در
انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری نشانگر
علاقمندی آنان به سرنوشت خود و انقلاب اسلامی است .
حضور میلیونی آنان در پای صندوق های رأی امکان
هرگونه تقلب و دخالت افراد ذي نفوذ را خنثی ساخت
و قانون به معنای واقعی کلمه پیاده شد . وزارت
کشور نیز باید همگام با نظر اکثریت مردم خداجوی،

زمینه های مقدمات و فرصت ها را برای حضور هر چه فعالتر مردم بوجود آورد که اهم آن با توجه به انتخابات برگزار شده به شرح زیر می باشد.

ب- از بین بردن زمینه های نفوذ بر عوامل اجرایی:

جلب اعتماد مردم جز با اجرای دقیق قانون انتخابات، آیین نامه و دستورالعمل اجرایی آن امکان پذیر نیست. وزارت کشور به موجب قانون، مسئول صحت برگزاری انتخابات بوده و باید به منظور رسیدن به این هدف هرچه در توان دارد، بکار بندد. در انتصاب فرمانداران، بخشداران و سایر دست اندرکاران اجرایی انتخابات دقت شود که از بین افراد بی طرف و با اقتدار باشند تا بتوانند بدون توجه به دخالت افراد و گروه های ذی نفوذ نسبت به برگزاری انتخابات سالم و قانونمند اقدام نمایند.

ج- مردم و مجریان:

در زمان برگزاری انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی و همچنین انتخابات اخیر ریاست جمهوری برنامه های آموزشی از طریق وزارت کشور تهیه و بصورت تصویری در فواصل مختلف برنامه های تلویزیونی

برای هم میهنان عزیز به نمایش درآمد . این آموزش در مورد چگونگی رأی دادن مردم بود.

به منظور توجیه و آماده نمودن مجریان انتخابات برای برگزاری انتخابات قانونمند نیز معمولاً برنامه‌های آموزشی قبل از برگزاری انتخابات تهیه و در جلسات مختلف ارایه می گردد . در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری نیز چهار همایش برای فرمانداران، بخشداران و مدیران کل سیاسی و همچنین اجتماعی و انتخابات در سطح چهار استان کشور تدارک دیده شد . در این گردهمایی ها دست اندرکاران انتخابات با برگزاری انتخابات قانونی آشنا و توجیه شدند.

ج- امور مالی و هزینه ها

برای پیش بینی اعتبارات مورد نیاز برگزاری انتخابات، کارشناسان ذی ربط با در نظر گرفتن لوازم و ملزومات، اوراق رأی و تعرفه و سایر هزینه های مورد نیاز و همچنین وضعیت ورم، مبلغ مورد نیاز مالی را برآورد نمود ه و پیشنهاد می کنند که پس از تخصیص اعتبار نسبت به توزیع آن در چارچوب ضوابط اقدام می شود

ح - حوزه انتخابیه

مرز بندي و محدوده برگزاري هر انتخابات با انتخابات ديگر فرق دارد. در انتخابات مجلس شوراي اسلامي، حوزه انتخابيه منطبق بر مصوبات تقسيمات كشوري نيست و براي خود محدوده مشخصي ندارد. در انتخابات رياست جمهوري، كل كشور يك حوزه انتخابيه تلقي ميشود و در انتخابات مجلس خبرگان، هر استان يك حوزه انتخابيه مستقل است.

خ - بخشنامه ها و دستورالعمل ها

دست اندرکاران ستاد انتخابات کشور به منظور رفع هر گونه ابهام و توجیه بیشتر مجریان در امر قانون و آیین نامه اجرایی انتخابات، بخشنامه ها و دستورالعمل هایی در زمان برگزاری انتخابات تهیه و ارسال می نمایند. ضمناً در روند اخذ رأی از طریق اطلاعیه های رادیویی که به منزله بخشنامه تلقي می گردد، اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی راهنمایی می شوند.

و- اعمال نفوذ گروه های ذینفع

دخالت فرد یا افراد به اصطلاح فشار بر دستگاه های اجرای انتخابات، موجب عدم اجرای دقیق قانون به معنای واقعی کلمه خواهد شد و مردم را که بهترین ناظر و قضاوت کننده در مسایل سیاسی و اجرایی

هستند، نسبت به تشکیلات اجرایی کشور بدبین نموده و آنان را از حضور و مشارکت در امور مختلف از جمله رأی دادن در انتخابات دلسرد خواهد نمود. به نظر می‌رسد حل این معضل با گماردن مسئولین اجرایی مقتدر، معتقد و بی‌نظر در امر انتخابات، در کاهش این فشار اثر بسزایی داشته باشد. حمایت دستگاه‌های نظارتی از مسئولین اجرایی اثر مثبت زیادی را در بر دارد. در غیر این صورت تصور نمی‌رود بتوانیم بر این جو فشار فائق آئیم و در نتیجه هرج و مرج بر امر انتخابات حاکم شده و این خواسته هیچ فرد دلسوخته انقلاب نخواهد بود.

ه - آموزش مردم و مسئولین اجرایی

آنچه مسلم است فرد فرد اعضای جامعه به چگونگی وضعیت جامعه و کشور خود علاقمندند و می‌خواهند در تعیین سرنوشت کشور خود مشارکت نمایند. بنابراین باید بدانند برای چه، به چه کسی و چگونه رأی بدهند. معمولاً در زمان برگزاری انتخابات برنامه‌های آموزشی و توجیهی در زمینه چگونه رأی دادن و همچنین میزگرد گروه‌های سیاسی و ... درخصوص چرا رأی می‌دهیم، از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود. اگرچه اینگونه برنامه‌ها اثرات مثبت و سازنده‌ای دارد لیکن در مدت محدود، یعنی فقط در

مقطع زمانی انتخابات تهیه و پخش می‌شود و چنانچه این چنین برنامه‌ها در مناسبت‌های مختلف و طی سال تداوم یابد و جهت گیری خاصی در آن نباشد، مسلماً اثربیشتری بر افکار عمومی خواهد داشت.

موضوع دیگری که در این مورد وجود دارد، عدم چاپ کتاب و نشریات خاص انتخابات در زمینه قانون و آیین نامه اجرایی و دستورالعمل‌های آن و همچنین مسایل عمومی انتخابات برای استفاده عموم می‌باشد. تعداد کتابهایی که از طریق وزارت کشور با عنوان قانون و آیین نامه اجرایی انتخابات چاپ می‌شود، محدود بوده و صرفاً برای استفاده دست اندرکاران اجرایی و نظارتی انتخابات است. همچنین فرمانداران و بخشداران به استناد قانون انتخابات، مجریان اصلی انتخابات بوده و براساس ماده 38 قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده 31 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی ریاست هیأت اجرایی را عهده دار می‌باشند. با توجه به وظیفه خطیری که قانون به عهده این عزیزان گذاشته است باید در کلیه امور انتخابات تجربه و اطلاعات کافی داشته باشد.

فرمانداران و بخشدارانی که این مسئولیت را عهده دار می‌شوند قبل از آغاز به کار، دوره آموزشی خاصی را در این زمی نه ببینند. البته در زمان

برگ-زاري انتخاب-ات همایش هاي توجي -هي برگزار مي‌گردد. لیکن به نظر مي رسد، این همایش ها کافي نباشد و آموزش آنان باید در زمان انتصاب به این مسئولیت خطیر باشد.¹

ي : تقسیمات کشوري و حوزه انتخابیه

عدم هماهنگی مصوبات تقسیمات کشوري با حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شوراي اسلامي، يکي از مسایلي است که موجب بروز تنش مي‌شود. در بعضي موارد دو، سه و حتي چهار شهرستان، يك حوزه انتخابیه را تشکیل مي دهند و جمعاً داراي يك نماینده هستند. از اینگونه حوزه‌هاي انتخابیه مي توان حوزه انتخابیه تفت و میبد (دو شهرستان) با يك نماینده، میاندوآب، شاهین دژ و تکاب (سه شهرستان با دو نماینده) را نام برد. از طرف دیگر حوزه‌هاي وجود دارند که با چهار شهرستان کمتر یا بیشتر داراي چند نماینده مشترك مي باشند. مثل تهران، ري، شمیرانات و اسلامشهر که قابل تفکیک و مرزبندی با توجه به وضعیت فعلی هم نمی‌باشند.

الف: تفاوت بعضي از موارد قانوني مشترك در

انتخابات مختلف:

¹ - پورتال وزارت کشور سایت پیشین، 1385

در قانون انتخابات مواردی وجود دارد که در انتخابات مختلف هدف مشخصی را دنبال می‌نمایند. مثل تشکیل هیأت‌های اجرایی که لازم است با توجه به اهداف قانون، تضادها از بین برود و تشکیل این هیأت‌ها در کلیه انتخابات یکسان باشد.

ب- تبلیغات:

در بخش تبلیغات نیز مسایل و مشکلات خاصی مطرح است. در انتخابات ریاست جمهوری نظر به اینکه در کل کشور یک نفر انتخاب می‌شود و مس‌ئله قومیت، طایفه و ... مطرح نمی‌باشد، بنابراین تنش تبلیغاتی در حد بالایی نیست. در انتخابات مجلس شورای اسلامی با توجه به وضعیت حوزه های انتخابیه که چند شهرستان دارای یک نماینده می باشند و یا مسئله قومیت، طایفه و ... در بعضی از حوزه های انتخابیه تنش هایی رخ می‌دهد که عملاً در تبلیغات علیه یکدیگر استفاده می‌کنند. به عنوان نمونه حوزه های انتخابیه تفت و میبد در استان یزد و تفرش و آشتیان در استان مرکزی را می‌توان نام برد.

مسئله دیگر در تبلیغات انتخاباتی، نارسایی برخی از مواد قانونی از نظر عام است. یکی از این موارد ممنوعیت رنگی بودن پوستر در تبلیغات انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی بود. استنباط رنگی

بودن از نظر مردم متفاوت است. برخی مدعی بودند که رنگی بودن یعنی استفاده از سه رنگ اصلی و ترکیب آنها است. برخی دیگر هر رنگ خاص را رنگی میدانستند و معتقد بودند که عکس و پوستر سیاه و سفید باشد. به هرحال با توجه به عدم تفسیر قانون، موضوع مشخص نبود و نهایتاً این ماده قانونی در انتخابات بعدی (دوره دوم شوراها) حذف شد.

با توجه به مراتب فوق و سایر مواردی که کم و بیش در بخش تبلیغات مورد سوال مردم قرار می‌گیرد، بنظر می‌رسد، بخش تبلیغات م ورد بازبینی دقیق قانونگذاران قرار گیرد و از محدودیت‌هایی که خود موجب عدم رعایت قانون می‌شود کاسته شود. البته محدودیت‌های استفاده از امکانات نهادها و سازمانهای دولتی و ارگانها و مواردی که مربوط به بیت المال و همچنین پست و مقام و امثال آن است، اصلی مسلم و مشخص است که باید رعایت شود و مجازات‌های سختی را بدون اعماض در بر داشته باشد.

پ- شناسنامه به عنوان مدرک شناسایی:

استفاده از شناسنامه به علت گزارش‌های متعددی که از سوء استفاده و تقلب واصل شده است، شیوه مناسب و درستی به نظر نمی‌رسد. گزارش‌های رسیده مؤید آن است که بعضاً با مواد پاک کننده اثر مهر را در

شناسنامه از بین می‌برند و یا با شناسنامه افراد فوت شده مخصوصاً در مناطق روستایی که شناسنامه‌های افراد فوت شده باطل نمی‌گردد، مجدداً اخذ رأی به عمل می‌آید. تصور می‌رود زمان آن رسیده باشد که با بررسی جوانب امر روش‌های دیگری در جایگزینی شناسنامه برای اخذ رأی مد نظر قرار دهیم.

ج - مسایل نظارت و اجرا:

براساس ماده 3 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، نظارت بر انتخابات مجلس بر عهده شورای نگهبان می‌باشد، این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است. به موجب ماده 8 قانون انتخابات ریاست جمهوری، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است. با توجه به مواد فوق نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مرز و محدوده‌ای ندارد و شفاف نیست. اگر چه معنا و تفسیر نظارت مشخص و معین است و ما معتقدیم برای برگزاری يك انتخابات سالم و بدون مسئله و مردمی، نظارت دستگاهی پر قدرت ولی بی طرف برای حفاظت از اجرای قانون لازم است، لیکن در عمل مشاهده می‌کنیم به علت عدم وجود مرزبندی خاص، مشکلات خاصی بین مجریان و ناظرین در برخی از حوزه‌های انتخابیه، شهرستان‌ها و بخش‌ها رخ می‌دهد. مشخص نبودن محدوده مرزبندی موجب شده است که در برخی موارد اختلاف‌هایی در عمل بین مجریان و ناظرین رخ می‌دهد. از آن جمله تعیین اعضای هیأت‌های اجرایی است که عملاً فرماندار و بخشدار به عنوان مجری در دعوت از معتمدین هیأت اجرایی، فاقد اختیار اجرایی هستند و ابتکار عمل در حیطه مسئولیت آنها نیست. از طرف دیگر معمولاً برای نظارت

دقیق تر لازم است افرادی که به عنوان اعضای هیأت نظارت در حوزه های انتخابیه، شهرستان ها و بخش ها و همچنین ناظرین در شعب ثبت نام و اخذ رأی انتخاب می شوند، نسبت به مجریان برگزاری انتخابات، اطلاعات قانونی بیشتری را داشته باشند که متأسفانه در برخی مواقع این مهم در بعضی از حوزه های انتخابیه شهرستان ها، بخش ها و شعب ثبت نام و اخذ رأی نادیده گرفته شده است.

نظر به اینکه هر انتخابات باید در زمان مقرر در قانون برگزار گردد و برخی از انتخابات و یا میان دوره ای آن در فصول پاییز و زمستان و حتی اوایل بهار برگزار می گردد، بنابراین در برخی مناطق سردسیر و حتی معتدل کشور در این فصول بارندگی، آهنگ حرکت مجریان را در اجرای برنامه زمان بندی انتخابات کندتر نموده و عبور و مرور وسائط نقلیه در جابجایی اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی و یا حرکت شعب سیار با شکل جدی روبرو می سازد. از طرف دیگر وجود پراکندگی جمعیت و نقاط صعب العبور در برخی از مناطق کشور کمبود امکان مالی به منظور تأمین وسایل برنده خود مشکل دیگری است که قابل بحث است. در برخی از مواقع برای نتیجه انتخابات یک حوزه انتخابیه یا شهرستان، وجود یک شعبه در مناطق صعب العبور با کمتر از دویست برگ رأی حدود دو شبانه روز اعلام نتیجه انتخابات کشور به تعویق و تأخیر می افتد.

فصل دوم : ساختار مدیریت نظارت شورای نگهبان

مبحث اول : شرایط لازم برای عضویت در شورای

نگهبان

اعضای شورای نگهبان که قانوناً وظیفه نظارت را بر عهده دارند و برای اینکه بتوانند به درستی و

قانونمندی وظیفه نظارتی را اعمال کنند دارای

شرایط و ویژگی های زیر باشد:

1- ناظر و اعضای شورای نگهبان به دلیل نظارت و

دارونهایی بودن حق عضویت درگروهها و جناح های سیاسی نداشته باشند و هیچ گونه وابستگی و تعلق خاطر به گروه ها در خود احساس نکنند.

2- پیش داوریها و پیش فرضهای ذهنی خود را در امر

نظارت دخالت ندهند. یعنی نظارت را باید به منظور ممانعت از حضور افراد فاقد صلاحیت قرار دهند نه حضور افراد دارای صلاحیت، زیرا تعبیر گوناگونی از صلاحیت میتواند ارائه کرد.

3- اصل تساوی کاندیداها درمقابل قانون را رعایت

کنند.

4- نظارت را باید مستند به قانون بکنند و از

اجتهاد شخصی بپرهیزند.

5- اعضای شورای نگهبان از داشتن چند شغل باید

منع شوند زیرا داشتن مشاغل مختلف برای اعضای شورا ممکن است به ترجیح منافع سازمانی بر منافع ملی منجر گردد.

6- بی طرفی کامل را در امر انتخابات رعایت کنند.

7- دلایل و مدارک افرادی که رد صلاحیت شده اند به آنها اعلام نمایند تا امکان دفاع از آنها فراهم شود.

8- ازدخالت در امور اجرایی انتخابات هرجائی که مربوط به نظارت نمی‌شود خودداری نمایند.

به این ترتیب لازم است که اعضای شورای نگهبان شرایط یاد شده را داشته باشند و رعایت کنند و در انتخابات حقی از افراد ضایع نشود و ازسوی دیگر زمینه ساز حضور افراد با صلاحیت و شایسته در صحنه حکومت و حضور پرشور مردم آگاه دریای صندوقهای رأی شوند.

مبحث دوم : نهادهای مدیریت نظارت بر انتخابات

نظارت شورای نگهبان و وظیفه وزارت کشور بر امر انتخابات مجلس خبرگان رهبری از دیدگاه قانون:

الف : در تعیین عوامل و تشکیلات نظارت

چگونگی تعیین عوامل نظارت و تشکیلات مربوط به آن از جمله هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان، هیأت‌های نظارت بر انتخابات استان‌های همانی است که در فصل بعدی همین بخش آورده شده است.

ب: در نحوه داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت نامزدها

ب - در نحوه داوطلبی:

پس از وصول دستور مقام رهبری مبنی برانجام انتخابات خبرگان، وزارت کشور موظف است حداکثر ظرف ده روز مراتب و تاریخ شروع ثبت نام داوطلبان را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به اطلاع عموم برساند.¹

فرمانداران مراکز حوزه های انتخابیه (فرمانداران شهرستان مراکز استان) موظفند تاریخ شروع و محل ثبت نام و شرایط آن را با انتشار آگهی و استفاده از رسانه های گروهی به اطلاع داوطلبان و اهالی حوزه انتخابیه (استان) برسانند این آگهی باید حداقل پنج روز قبل از تاریخ شروع ثبت نام منتشر گردد.² داوطلبان عضویت درمجلس خبرگان باید 7 روز قبل ازتاریخ شروع ثبت نام شخصاً یا به وسیله نماینده خود به فرمانداری مرکز استان یا ستاد انتخابات کشور مراجعه و پرسشنامه اعلام داوطلبی راتکمیل و مدارک لازم را به فرمانداری مرکز استان تسلیم نمایند.³

این ستاد پس از دریافت مدارک، دو نسخه آن را به هیأت نظارت شورای نگهبان تسلیم می دارد و این هیأت

¹- ماده 12 آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان

²- تبصره 2 ماده 12 همان

¹- ماده 13 همان

نیز آن را همراه با اظهارنظر در اختیار شورای نگهبان قرار می‌دهد.¹

- فلسفه تأیید صلاحیت چیست ؟

اساساً یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل انتخابات مسئله رسیدگی به صلاحیت داوطلبان می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت که منشأ اکثر اعتراضات و ایرادها از شورا از بابت این مرحله می‌باشد. طبق قوانین مصوب شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان مشخص شده است وظیفه هیأت اجرائی، اجرا اعمال این قوانین است.

در صورت وقوع تخلف از جانب هیأت اجرایی که در هر حال سلب حق شهروندی است وظیفه شورای نگهبان جلب توجه هیأت اجرایی به مستندات قانونی و اجرای آنهاست. در رسیدگی به صلاحیت داوطلبان هم باید نهایت بی‌طرفی رعایت گردد همچنین طبق اصل 37

قانون اساسی اصل بر برائت است و هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. در این مورد هم اگر کسی خود را واجد شرایط مقرر در قانون بداند اول چیزی که باید مبنای قضاوت ناظر قرارگیرد این است که وی واجد شرایط می‌باشد مگر اینکه از مراجع ذی صلاحیت

² - ماده 14 آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان

یاتأید باید مستند و طبق قانون باشد و اینکه اصل را بر برائت بگذارند.

در مورد قوانین هم باید گفت که باید شرایط و مقرراتی وضع کرد که افراد ی که در چارچوب قانون اساسی می گنجند، بتوانند وارد میدان بشوند و مسئولیت بپذیرند باید میدان ر باز گذارد تا مردم گزینش کنند و وزارت کشور و مسئولان اجرایی هیأت های نظارت شورای نگهبان و خود این ش ورا در مقامی نیستند که خودشان به جای مردم و از طرف مردم گزینش و انتخاب کنند یعنی احراز صلاحیت نامزدها باید برعهده خود مردم باشد به عبارتی این مردمنده که باید در نهایت بگویند که چه کسی باید وارد صحن مجلس بشود مسئولیت هیأت نظارت و اجرایی ایجاب می کند که به کسان ی که فاقد شرایط لازم برای کاندید شدن هستند، دلایل را با ارائه سند و مدرک اعلام کنند، تعیین صلاحیت و شایستگی نمایندگی برعهده خود مردم است. همچنین باید بیان کرد که افرادی که رد صلاحیت شدند آنها از انتخاب شدن محروم می شوند و همچنین مردم منطقه مربوط هم از انتخاب کردن آنها محروم می شون د بنابراین احیاناً اگر خود فرد رد صلاحیت شده خواهان دلایل و مستندات ردش باشد این شورا با کمک هیأت های که در اختیار دارد باید دلایل

را برای فرد ارائه بدهد. البته بجز مواردی که ممکن است به مبانی نظام و یا حقوق عده دیگری لطمه وارد گردد. یا اینکه موجب إشاعه فحشا گردد در این موارد هم نباید از این اصطلاحات تفسیر موسع انجام داد. از آنجا که هر نوع محکومیت باید مبنای قانونی داشته باشد و به وسیله دادگاه اعلام شود لذا در این صورت هم به نظر می رسد که دلایل رد صلاحیت هم باید گفته شود.

استاد فقید حقوق اساسی ایران جناب آقای دکتر قاضی در این زمینه می گویند : «دموکراسی به معنای وسیع کلمه اقضا دارد که هر شهروند رأی دهنده ای بتواند در صورت تمایل، خود را برای انتخاب شدن نامزد کند. یعنی خصلت انتخاب شونده و انتخاب کنندگی امری واحد است، ولی تحقق این اصل، در عمل کم اتفاق می افتد. زیرا اگر هدف، گزینش نخبگان مردم برای شرکت در حکومت و یا بازبینی زمامداران باشد، سپس آنانی که انتخاب می شوند، باید واجد شرایطی باشند که برای رأی دهنده چندان محل حاجت نیست. اما شرایط و محدودیت باید به نحوی تدبیر شوند که جلوی گزینش آزاد مردم گرفته نشود به همین سبب، محدودیتها بر حسب معمول، ناشی از ملاحظات فنی و

اجتماعی است، نه بر اساس بینش فکر سیاسی برای محروم کردن گروه یا گرایش یا قشر خاصی از جامعه.¹

در هر حال به شورای نگهبان ظرف 20 روز از تاریخ وصول مدارک داوطلبان هر استان رسیدگی لازم معمول و نظر خود را به وسیله هیأت مرکزی نظارت به ستاد انتخابات کشور موظف است راساً یا از طریق فرمانداران مراکز حوزه های انتخابیه نظریه فقهای شورای نگهبان مبنی بر رد صلاحیت داوطلب ظرف دو روز به وی ابلاغ نماید. داوطلبانی که صلاحیت آنان مورد تأیید قرار نگرفته است می توانند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ... از فقهای شورای نگهبان در خصوص رسیدگی مجدد به تقاضای داوطلبان اسامی کلیه داوطلبان تأیید شده هر استان را از طریق صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و روزنامه های کثیرالانتشار به اطلاع عموم برساند و مراتب را به فرمانداری مرکز حوزه انتخابیه اعلام دارد.²

فرمانداران مرکز حوزه انتخابیه بلافاصله پس از دریافت اسامی داوطلبان مراتب را ضمن انتشار آگهی

¹ - هاشمی، سید محمد ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، (انتشارات دانشگاه تهران، 1373) ص 703

² - ماده 16 همان آئین نامه اجرایی

با استفاده از رسانه‌های گروهی به اطلاع اهالی حوزه انتخابیه (استان) می‌رسانند.

حال با توجه به مطالب یاد شده، در ادامه به ذکر شرایط انتخاب شوندگان و چگونگی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان با توجه به این شرایط با استفاده از نظر صاحب نظران یا اعضا — ای — ای — ن شورا می‌پردازیم.¹

بند سوم: شرایط انتخاب شوندگان

اولین آئین نامه انتخابات اعضای خبرگان از سه فصل تشکیل می‌شد. شرایط انتخاب شوندگان، کیفیت انتخابات و هم نظارت این آئین نامه در دوره اول توسط فقه‌ای شورای نگهبان تنظیم شد و دستور تنظیم آن براساس اصل یکصد و هشتم قانون اساسی بود که می‌گفت: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها، آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آراء تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هر گونه تغییر و تجدید نظر در این قانون در صلاحیت مجلس خبرگان است.»

³ - ماده 18 همان قانون

اصل یکصد و هشتم قانون اساسی در بازنگری، مختصر
تغییری به این صورت پیدا کرد: «قانون مربوط به
تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب و آئین نامه
داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله
فقه‌های شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان
تصویب شود و به تصویب نهائی رهبر انقلاب برسند. از
آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و
تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در
صلاحیت خود آنان است» یعنی خود خبرگان طبق ق. ۱۰.
می‌توانند برای انت‌خابات و انتخاب و انتخاب
شوندگان، مقررات وضع کنند و قهراً آن چه خبرگان در
این موارد تصویب می‌کند قانون است.
اولین آئین نامه را فقه‌های شورای نگهبان در جلسه
59/7/10 در 21 ماده و 6 تبصره تنظیم کردند و برای
تصویب نهایی به پیشگاه امام امت تقدیم کردند.
در آن آئین نامه شرایط انتخاب شوندگان به این صورت
بود:

ماده 2: خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط

زیر باشند:

الف - اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی

- ب - آشنایی کامل به مبانی اجتهاد د با سابقه تحصیل در حوزه های علمیه بزرگ در حدی که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری را تشخیص دهند.
- ج- بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز
- د - معتقد به نظام جمهور اسلامی
- ه - نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی
- تبصره 1 - تشخیص واجد بودن شرایط با گواهی سه نفر از استادان خارج حوزه های علمیه می باشد.
- تبصره 2- کسانی که رهبر صریحاً و یا ضمناً اجتهاد آنان را تأیید کرده است و کسانی که در مجامع علمی یا نزد علمای بلاد خویش شهرت به اجتهاد دارند نیازمند به ارائه گواهی مذکور نمی باشند.
- این شرایط انتخاب شوندهگان در آئین نامه قبلی بود اما در بازنگری قانون اساسی، خود قانون اساسی این اختیار را به خبرگان داد که بتوانند آئین نامه خود را تغییر دهند که این چنین هم شد و در بعضی موارد هم آئین نامه اصلاحاتی پیدا کرد فصل دوم قانون انتخابات مجلس خبرگان مربوط به شرایط انتخاب شوندهگان است که شامل یک ماده و سه تبصره می باشد. در ذیل به صورت جداگانه به بررسی هریک از آنها می پردازیم.

ماده سه می گوید: خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف _ اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی:
با توجه به این بند معلوم می گردد که قانون گذار روی سه نکته تکیه کرده است:

1- اشتهار به دیانت 2- وثوق 3- شایستگی اخلاقی
البته در قانون تعریف دقیق از کلمات دیانت ، وثوق ، شایستگی اخلاقی نشده است و در مورد اینکه شورای نگهبان چگونه پی به این شرایط می برد هم چیزی نیامده است. به نظر می رسد که با توجه به اینکه این کلمات عام می باشند می توانند در معرض تفسیر موسع یا مضیق قرار بگیرند . درخصوص چگونگی بررسی شرایط درهر یک از نامزدها رئیس شورای نگهبان می گویند: « رویه کلی شورا در احراز صلاحیت های قید شده در قانون، چه در انتخابات خبرگان، عبارت است از: تحقیق و رسیدن به جهت شرعی اطمینان بخ ش خود نامزد را می شناسد و علم و اطلاع از وجود شرایط در او دارد به همان علم خود که بالاترین و قطعی ترین حجت عقلی و شرعی است اکتفا می کند البته امتناعی از تحقیق هم ندارد و در مواردی که خود شناختی ندارد به طری ق دیگری که در شرع یا قانون معرفی شده متوسل شدند. که عبارتند از:

وزارت اطلاعات، دادستان کل ، اداره ثبت احوال
و اداره تشخیص هویت.¹

هم ایشان در جایی دیگر می گویند: « راه های احراز
شرایط و تحصیل اطمینان لازم نیست یکنواخت باشد ،
بعضی شرایط را به سادگی و با یک تحقق یق مختصر
می توان احراز کرد.»²

در مورد این بند یکی دیگر از اعضای می گویند :
در خصوص شرایطی مثل اشتهار به دیانت ، وثوق و
شایستگی اخلاقی، راه احراز آن، این بود که یا اشخاص
خودشان شناخته شده بودند و یا اگر کسی هم مقداری
بر ایمان ابهام داشت از دوستانی که ما می شناسیم
و او را نیز می شناختند سؤال می کردیم.»³

اما آنچه منطقی به نظر می رسد و باید مورد توجه
هم قرار بگیرد این است که هرگاه شخص خودش را واجد
این شرایط دانست و اقرار به مسائلی همچون دیانت
می کند ما باید اصل را بر این بگذاریم که وی واجد
این شرایط هست مگر اینکه خلاف آن از مراجع ذی صلاح
بدست برسد . به عبارت روشن تر اصل بر براءت است
یعنی اصل بر این است که این فرد راست می گوید مگر

¹ - آیت الله جنتی، احمد، مجله حکومت، شماره 8، دبیرخانه مجلس
خبرگان، تابستان 77، ص 153

² - جنتی، همان مأخذ، ص 143

³ - مومن، محمد، همان مأخذ ص 143

اینکه خلاف آن معلوم گردد . بدین ترتیب راه ، را برای گزینش مردم بهتر باز می‌گذاریم .

ب- اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شریط رهبری را تشخیص دهد. تبصره 2 ماده 3 همین قانون می‌گوید «کسانی که رهبر انقلاب ، صریحاً یا ضمناً اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهد داشت.» این مورد می‌گفت: آشنایی کامل به مبانی اجتهاد با سابقه تحصیل در حوزه‌های علمیه بزرگ در حدی که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری را تشخیص دهند.

در این بند نسبت به آئین‌نامه سابق اصلاحاتی انجام شد که در کل شرایط را سهل‌تر کردن د آئین نامه سابق در این مورد می‌گفت: آشنایی کامل به مبانی اجتهاد با سابقه تحصیل در حوزه‌های علمیه بزرگ در حدی که بتوانند افراد صالح برای مرجعیت و رهبری را تشخیص دهند.

یعنی در گذشته اجتهاد مطلق ملاک بود. اما در آئین نامه جدید اجتهاد مطلق دیگر نیاز نیست بلکه مجتهد متجزی هم می‌تواند کاندید شود. به عبارتی اگر داوطلب تنها روش اجتهاد و روش استنباط و کنار هم

چیدن دلایل را هم بداند نیز کافی است . بنابراین این شرط نسبت به گذشته سهل تر شده است . ریاست شورای نگهبان در این باره می گویند: «اجتهاد شرط شده در قانون، اجتهاد مطلق نیست، آن چه لازم است همان مقدار از معلومات فقهی است که در قانون تصریح : یعنی مقدار معلوماتی که بتواند پاره ای از مسائل فقهی را استنباط کند و ولی فقیه واجد شرایط را تشخیص دهد.»¹

در ذیل ابتدا نگاهی به اصطلاح اجتهاد و سپس طرقی که شورای نگهبان ، پی به هریک از شرایط مقرر در قانون می پردازیم .

اجتهاد، تحقیق آزادانه محقق است ، نه محقق که م یخواهد حقایق را برای کتابها، آزمایشگاهها و دانشگاهها و ... کشف کند . برای مردم و سرنوشت مردم و بهتر فهمیدن عقاید و ارائه جدید راه حلها و پاسخ به نیازهای زمان و طرح ضرورت های زندگی اجتماعی و روشنگری و هدایت جامعه اش براساس مکتب . اجتهاد، مسئولیت مشخص و سنگین مذهب تشیع است که بردوش عالم محقق گذاشته می شود، تا برحسب پیشرفت علم و آگاهی مردم تلقی و برداشت مذهب را در ذهن و اندیشه و دریافت علمی زمان، تحول ببخشد و تحقق

¹ - آیت الله جنتی، همان مأخذ، ص 155

اسلام و مکتبش را برحسب نیاز زمان و به میزانی که درهر زمان امکان کشف و فهم بهتر آن حقایق می رود ممکن کند. و ازهمه مهم تر، این رسالت بزرگ عالم است که براساس احکام و اصول مکتب بزرگی که دراختیار دارد و برحسب نیاز و حرکت و ضرورت زمانی که در آن می زید و مذهبش نیز باید زنده بماند، باید به احکام و برداشتها و فهم تازه متناسب با نیاز زمان و ضرورت بشر و نسل این زمان دست بیازد و استنباط و استخراج شان کند تا مذهب در چارچوب شرایط کهنه و گذشته که دیگر گذشته است، نماند و منجمد نشود و از زمانش واپس نیفتد و این بدان معنی نیست که فقیه بجای کشف حوادث جدید و پاسخ زمان و پاسخ یابی اسلامی، تا بانک و سرقفلی و بیمه بیابد. و او حکم توجیهی شرعیش را بگوید، بلکه باید بر حسب تغییر و تحول نیازها، ضرورتها، روح و بینش و برداشت عقاید و استنباط احکام و نقش فقه اسلامی بوسیله مجتهد مسئول، محقق آزاد و مسئول تحول و تکامل بیابد و اینجاست که ارزشها و نیازها با این خصوصیت و سنگینی و صراحت مطرح می‌کند.¹

¹ - شریعتی، علی، شیعه، انتشارات سحاب، چاپ اول 1358، صص 184-5

بطور کلی درمورد احراز اجتهاد نامزدها چند راه وجود دارد.

1- تبصره 2 ماده 3 قانون انتخابات خبرگان

می‌گوید: کسانی که رهبر معظم انقلاب صریحاً یا ضمناً اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهد داشت، بنابراین یکی از طرق احراز اجتهاد تأیید از جانب مقام معظم رهبری می‌باشد.

2- اینکه اکثر فقهای شورای نگهبان اجتهاد کسی را تأیید کنند.

3- کاندیدها خودشان رساله‌های علمی و فقهی که دارند عرضه کنند، تقریرهای درس خارج، البته به صورتی که نظر خودشان هم در آن آشکار باشد نه این که فقط صرف رونویسی و دفتر پرکردن باشد، تا بتوان از آن تقریرات، نظر تقریر کننده را فهمید و اجتهادش را احراز کرد.

4- راه دیگر امتحان گرفتن است که به دو صورت

کتبی و شفاهی می‌باشد مرحله اول امتحان کتبی می‌باشد و کسانی که در این مرحله قبول شدند به مرحله امتحان شفاهی می‌رسند که در این مرحله اجتهاد شخص داوطلب باید برای امتحان کنندگان تأیید شده باشد.

اما در مورد این بند یعنی شرط اجتهاد اشکال و ایرادی به این صورت گرفته شده است که خبرگان صرفاً از بین فقهاء در انتخابات شرکت می کنند ، حال آنکه اجتهاد و فقاہت یکی از شرایط رهبری است ، نه همه شرایط آن برای شناخت شرط اجتهاد رهبری البته مجتهدین صلاحیت شناخت و تعیین رهبری را خواهند داشت . اما رهبرمقی د به شرایطی همچون مدیریت ، شجاعت ، تدبیر و بینش سیاسی علاوه بر شرط اجتهاد می باشد که افراد سیاست شناس و مدبر ، جامعه شناس و کارشناس علمی ، به عنوان متخصصان این مسائل قادر به تشخیص رهبر لایق و شایسته می باشند ، از این افراد ، البته در بین روحانیون و فقها نیز فراوانند محصور کردن خبرویت تعیین رهبری در بین خاص فقها چه بسا ممکن است موجب محدودیت قدرت تشخیص رهبر واجد تمام شرایط گردد.¹

چ_ بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز : یکی از مهمترین شرایطی که برای خبرگان تعیین کننده رهبری در نظر گرفته شده است ، داشتن بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز است . در ظاهر کلمات اگر دقت کنیم شاید گفته شود که خیلی واضح و روشن می باشد اما واقعیت این است که این

¹ - هاشمی، سید محمد، همان، مأخذ، ص 54

کلمات کلی می‌باشند و می‌توانند در معرض تفسیر قرار بگیرند. سوالی که در این مورد به ذهن خطور می‌کند این است که شورای نگهبان چگونه پی به چنین شرایطی می‌برد؟ البته اینکه برای یک نفر خبره که در صدد کار بزرگی بر می‌آید. که آن هم تعیین رهبری و نظارت بر ایشان می‌باشد، داشتن بینش سیاسی و اجتماعی خبره ضروری ترین شرایط می‌باشد. زیرا در غیر اینصورت صلاحیت خود خبره هم در معرض اشکال قرار می‌گیرد. اما سوال در مورد چگونه پی‌بردن این شرایط مقرر می‌باشد.

ریاست محترم شورای نگهبان در این مورد بیان می‌دارند: « راه‌های احراز شرایط و تحصیل اطمینان لازم نیست یکنواخت باشد، بعضی شرایط را به سادگی و با یک تحقیق مختصر می‌توان احراز کرد و برخی شرایط پیچیدگی‌هایی دارد از جمله بینش صحیح سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز را به دشواری می‌توان شناخت ولی درعین حال، سوابق مشخص، موضع گیری‌های او در مسائل سیاسی، اظهاراتی که در سخنرانی‌ها، نوشته‌ها به صورت کتاب، مقاله یا گفت وگوهای حضوری در جلسه‌ها و یا در مصاحبه از او به دست آمده می‌تواند آشنایی او با مسائل سیاسی

و اجتماعی را روشن کند ، اگر سوابق نتواند در این امر کمک کند تنه ا راه ، مصاحبه و سؤال جواب است.¹

بنا بر این با توجه به مطالب گفته شده ، راه احراز، موضع گیریهای شخصی در مسائل سیاسی و اجتماعی می باشد. یعنی از طریق سابقه و گذشته فرد هست که این صلاحیت را احراز کنند و اگر از این راه نشد سرانجام از طریق مصاحبه، این کار انجام می گیرد. اما باید توجه داشت که این رسیدگی هنگامی قابل اعتماد است که ناظر واقعاً در مسائل سیاسی نسبت به مسائل جامعه بی طرف باشد ، یعنی شورای نگهبان (فقه های آن) بایک پیش فرض از پیش تعیین شده به سراغ داوطلبان نروند . به عبارت دیگر این نباشند که چون آ نگونه که ما می خواهیم او فکر نمی کند، باید رد بشود . زیرا در این صورت نمی توان دست به یک قضاوت درست و صحیح زد. آنچه باید مد نظر قرار بگیرد باید این باشد، به عبارتی خیلی ساده تر همینکه فرد خود را معتقد به مبانی قانون اساسی بداند، و بتواند مسائل سیاسی و اجتماعی را درک کند، می تواند واجد این شرط باشد.

یکی از محققین در این مورد می گوید: « درباره احراز آشنایی با مسائل روز و داشتن بینش سیاسی

¹ - جنتی، پیشین، مأخذ، ص 154

اجتماعی اولاً باید بگویم که داشتن این شرط به این معنا نیست که کسی حتماً مدرک فوق‌لیسانس یا دکترای علوم اجتماعی و سیاسی داشته باشد بلکه باید دید خوبی نسبت به جامعه و تخصص بالای در خصوص شرایط رهبری داشته باشد... آنچه که لازم است هوش مندی سیاسی و درک اجتماعی قوی براساس اطلاعات اسلامی و شناخت جامعه ایران و امت اسلام است اما این که ما چگونه این شرط را در آنها احراز می‌کنیم به این گونه است که سابقه فعالیت اجتماعی، سیاسی و در بعضی موارد تحلیلها و سخنرانیهای او را می‌بینیم و بالاخره این کاندیداهای خبرگان که از خارج کشور نیامده‌اند بلکه در همین مملکت بوده‌اند و در این جا فعالیت داشته و حرف زده‌اند و تحلیل و سخنرانی کرده‌اند.¹

در نهایت سخن آخر در باره این بند است که از آن می‌شود تفسیر موسع انجام داد و به این صورت چه بسا ممکن است حقوق عده‌ای تضییع گردد. همچنانکه در دور گذشته شاهد اقداماتی در این زمینه بوده‌ایم.

د: معتقد ب‌ودن به نظام جمهوری اسلامی ایران :

یکی از مهمترین شرایط خبرگان همین نکته می باشد زیرا کسی که به نظام معتقد نباشد عملاً و منطقاً

¹ - مومن، همان، مأخذ، صص 8-147

نمی‌تواند مسئولیتی به این بزرگی را به خوبی ایفاء کند اولین چیزی که برای یک مسئول لازم است اعتقاد و باور داشتن نظام مربوطه است . اصلاً مسئول بودن بدون باور امکان ندارد به عبارتی مسئول کسی است که نسبت به نظام خودش و نسبت به مقام خودش دلسوز و معتقد باشد زیرا در غیر این صورت آنچه را که انجام خواهد داد در جهت رضایت مردم این جامعه نخواهد بود بل که در جهت رضایت دیگران گام بر می‌دارد. نهایتاً اینکه آن چه باید برای یک مسئول در نظر گرفته شود حفظ نظام استقرار یافته در جامعه خودش است و کسانی که به چنین نظامی معتقد نباشند نمی‌توانند در مجلسی جای گیرند که رهبر را انتخاب می‌کنند و یا اینکه برکار او نظارت می‌کنند.

ه - نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی : در این زمینه راهکار شورای نگهبان استعلام از مقامات ذیصلاحیت قانونی می‌باشد. البته منظور این بند این نیست که بدون محکومیت کیفری باشد همانطور که در قبل ، از تحقیق و رسیدن به حجت شرعی اطمینان بخش. آنجا که شورا خود نامزد را می‌شناسد و علم و اطلاع از وجود شرایط در او دارد به همان علم خود که بالاترین و قطع‌ترین حجت عقلی و شرعی است اکتفا می‌کند. البته امتناعی از تحقیق هم ندارد و در

مواردی که شناختی دارد به طریق دیگری که در شرع یا قانون معرفی شده متوسل می شود و با تحقیق ، احراز صلاحیت می کند قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مراجعی را جهت تحقیق معرفی کرده است مانند ، وزارت اطلاعات ، دادستان کل ، اداره ثبت احوال و اداره تشخیص هویت .¹ هم ایش ان در جایی دیگر می گویند : « سایر شرایط مانند سوء سابقه ، از مراکز که اطلاعاتی داشته اند و سوابق اجتماعی نامزدها در آن جا وجود داشته مانند وزارت اطلاع — ات ، دست — گاه قضائی ، نیروی انتظامی استعلام انجام میگیرد. »²

تبصره 1- مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق ، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می باشد تبصره یک سابق ماده دو اعلام می داشت «تشخیص واج د شرایط بودن با گواهی سه نفر از استادان معروف درس خارج فقه حوزه های علمیه می باشد. در اصلاحیه 1369 این تشخیص برعهده فقهای شورای نگهبان محول گردید.

چون این شورا یک نهاد رسمی درقانون اساسی معرفی گردیده است ، اما اینکه مبنای فق هی وقانونی واگذاری احراز صلاحیت ها به شورای نگهبان چه بوده

¹ - آیت الله جنتی، پشین، مأخذ، ص 153

² - جنتی، همان، ص 155

است ؟ یکی از فقهای عضو شورای نگهبان چنین

می‌گوید:

« اصل احراز صلاحیت علمی و اجتماعی افراد ، همیشه بافقها و مجتهدان بوده است و این مسئله تازه ای نیست . و مبنای فقهی درستی دارد ، یعنی تجربه اجتهاد ، می تواند قدرت استنباط فرد را از راه امتحان یا شاگردی و استادی و یا راههای دیگر ، تشخیص بدهد برای تعیین رهبری هم نظر تجربه شرط است و نامزدهای خبرگان هم چون باید مجتهد باشند پس باید مجتهدشناسان و خبرگان درباره صلاحیت علمی آنان نظر بدهند. اما اینکه حتماً باید فقهای شورای نگهبان مرجع تشخیص صلاحیت ها باشند ، مبنای فقهی ندارد بلکه یک امر قانونی است یعنی طبق قانون خبرگان می توانند برای خود مقرراتی را وضع کنند . بنابراین این گونه تشخیص داده اند که — بهترین نهاد برای احراز صلاحیت فقها شورای نگهبان است. پس این کار، مبنای قانونی تحکمی دارد. این کار از آن رو صورت گرفت که نامه های افراد از اساتید می آورند باهم تعارض داشت یا بعضی بزرگان و اعظام حوزه ، در مراجعاتی که به آنها می شد به زحمت می افتادند، لذا برای این که احراز صلاحیت ها، نظم و قاعده پیدا کند به عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شد. البته این

راه منحصر به فرد نیست ، یعنی اگر روزی خبرگان تشخیص دادند که بهتر است این کار را به عهده چند فقیه دیگر نه فقهای شورای نگهبان ، که مراجع تعیین کنند یا چند نفر فقیه را که شورای عالی حوزه یا جامعه و مدرسین مشخص کنند، باز آن راهها قانونی است . اما اصل این که باید صلاحیت علمی و اجتهادی افراد را فقها تعیین کنند جنبه شرعی و فقهی دارد.¹

اما در اینجا باید نکته ای متذکر شد . نویسندگان کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ای — ران در مورد این تبصره و همچنین تبصره 2 که می گوید: « کسانی که رهبر معظم انقلاب، ضمناً و یا صریحاً اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد . از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شـورای نگهبان نخواهند داشت . قائل به دور فلسفی شدند بدین گونه که می گویند: البته فقهای شورای نگهبان، از آن جهت که مقام رسمی هستند ، مسئولیت آنان در تشخیص خبرگان شاید از اعتبار بیشتری برخوردار باشد . اما از آن جهت که مقام رسمی هستند مسئولیت آنان در تشخیص خبرگان شاید از اعتبار بیشتری برخوردار باشد . اما نکته قابل تأمل در «دور فلسفی» است که در این خصوص به

¹ - طاهری خرم آبادی، سید حسن، پشین ، مأخذ، صص 7- 136

وجود می‌آید. بدین معنی که «تشخیص صلاحیت علم —ی خبرگان تعیین رهبری با فقهای شورای نگهبان منتخب رهبری می‌باشد.» دور مذکور را شامل تبصره دو ماده سه نیز می‌توان دانست که رهبر انقلاب اجتهاد بعضی از خبرگان را مستقلاً تشخیص می‌دهد.¹

باید توجه داشت که ایراد ایشان به مبنای قانونی واگذاری احراز صلاحیت است نه مبنای فقهی آن، زیرا هم ایشان در جای دیگری می‌گویند: «... برای شناخت شرط اجتهاد رهبری البته مجتهدین صلاحیت شناخت و تعیین رهبری را خواهند داشت.»²

محقق دیگری این را نوعی سفسطه کاری می‌داند و می‌گویند: «درمورد دوره اول خبرگان تعیین تعداد و شرایط خبرگان و کیفیت انتخاب آنها و آئین نامه داخلی جلسات خبرگان، برعهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده است، در صورتی که مفهوم این اصل آن است که در تعیین کیفیت و شرایط خبرگان موازین اسلامی مراعات می‌شود ولی در هر حال انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان با خود مردم و از طریق انتخابات عمومی است.»³

¹ - هاشمی، سیدمحمد، پشین، ص 55

² - هاشمی، سید محمد، همان، ص 54

³ - عمید زنجانی، پشین، مأخذ ص 438

به نظر می رسد بکارگیری اصطلاح دور فلسفی به معنای دقیق فلسفی آن در اینجا درست نباشد زیرا دور اساساً در جایی هست که دو چیز علت تامه همدیگر باشند که تحقق چنین امری در خارج محال است به عبارت دیگر هر موجودی از آن جهت که علت و موثر در پیدایش موجود دیگری است ممکن نیست در همان جهت، معلول و محتاج به آن باشد یا به دیگر سخن هیچ علتی معلول معلول خودش، علت برای علت خودش نخواهد بود و یا به عبارت خیلی ساده تر محال است یک موجود نسبت به دیگری هم علت باشد هم معلول.¹

اما در هر حال، این وابستگی فقهای مزبور می تواند در روند کاری آنها تأثیر گذار باشد و همچنان این ایراد اساسی وارد می باشد، به عبارت دیگر درست است که انت خاب نماین—دگان مجل—س خبرگان با خود مردم و از طریق انتخابات عمومی است ولی ایراد در جایی است که مردم کس—انی را انتخاب می کنند که فق—های شورای نگهبان به دلایلی آنها را رد صلاحیت کرده است، نمی توانند رای بدهند.

⁴ - مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، جلد دوم، (نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 72)، ص 82

نهایتاً در اینجا باید خاطر نشان ساخت که درست است که فقهای شورای نگهبان منتخب رهبر صلاحیت داوطلبان خبرگان رهبری را رسیدگی میکنند اما هنگامی که واقعاً اعضای آن بدور از هر گونه نفوذ و بدون اعمال سلیقه عملاً بکنند یعنی هنگامی که با تقوای سیاسی و عدالتی که دارند بدور از هر گونه نفوذ و بدون اعمال سلیقه عملاً بکنند یعنی هنگامی که با تقوای سیاسی و عدالتی که دارند بدور از هر گونه نفوذ و فشاری به صلاحیت ها رسیدگی کنند با وجود این در چنین صورتی، بهترین افراد بدور از هر گونه جناح بندی سیاسی در معرض انتخاب افراد و عموم مردم قرار می گیرند و این مردم هستند که نهایتاً بهترین و با صلاحیت ترین افراد را تعیین می کنند و به عنوان نماینده خود راهی مجلس می کنند در هر حال باید گفت چون یک نهادهای رسمی می باشد می تواند از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردار باشد. حرف آخر در این زمینه اینکه، این رساله دنبال نظارت شورای نگهبان در کنار نقد و اصلاح و وظیفه وزارت کشور می باشد.

تبصره 2: کسانی که رهبر معظم انقلاب صریحاً یا ضمناً اجتهاد آنها را تأیید کرده باشد، از نظر

علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت.

نکته: تنها مطلبی که در مورد این تبصره باید بیان کرد این است که صلاحیت علمی افرادی که توسط مقام رهبری تأیید شده باشد تنها از نظر علمی، احتیاجی به تشخیص شورای نگهبان نیست اما در ماده 3 این قانون تنها شرط اجتهاد نیست بلکه اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی، بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز، معتقد بودن به ج.ا.ا. و نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی هم جزء شرایط است و این شرایط در تبصره 2: استثنا نشده اند. بلکه وظیفه شورای نگهبان در این چهارمورد به قوت خود باقی است و صلاحیت این افرادی که از نظر علمی مورد تأیید مقام معظم رهبری واقع شده اند باید در این زمینه سایر شروط مقرر در این قانون هم صلاحیت آنان احراز گردد. بنابراین تشخیص این شرایط از نظر قانون، بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

تبصره 3: ضرورت ندارد که نمایندگان، ساکن و یا متولد حوزه انتخابیه خود باشند.

شرط نبودن وطن و تولد در حوزه انتخابیه شاید ناشی از عدم ذکر شرط تابعیت انتخاب شوندگان باشد.

در این قانون مسئله تابعیت برای انتخاب شوندگان ذکر نگردیده است که این شاید ناشی از یک دید کلی‌تری می‌باشد که می‌گوید که اعمال ولایت توسط ولی فقیه واجد الشرایط حاکم شاه مل همه مسلمین می‌باشد و دارای ح د و مرزی نیست بلکه شامل تمام قلمروی مسلمانان می‌باشد. اما آنچه در عرف و رویه بین‌المللی معمول است تقسیمات جغرافیایی و سیاسی، عملکرد این مسائل و موارد و موارد را غیر عملی ساخته است و هر کشوری تنها در قلمروی خودش مجاز به اعمال حاکمیت است. و در این زمینه کسانی در انتخابات از جمله در انتخابات خبرگان شرکت کرده و شرکت می‌کنند که ایرانی باشد. بنابراین برای این زمینه آنچه که حاکم است عرف است.

در هر حال اگر نماینده ساکن و متولد حوزه انتخابیه باشد با روحیات و تفکرات مردم بیشتر آشنایی دارد.

مبحث سوم: نظارت بر مراحل مختلف انتخابات

اساساً وظیفه اصلی شورای نگهبان مراقبت بر اجرای دقیق موازین قانونی و جلوگیری از تخلفات و سوء استفاده‌ها می‌باشد. همانطوریکه گفته شد نظارت از یک طرف جنبه پیشگیری از تخلفات و سوء استفاده‌ها

را دارد و از طرف دیگر جنبه پیگیری و تعقیب
تخلفات و رسیدگی به آنها را دارد. از این رو هیأت
مرکزی انتخابات شورای نگهبان که قبل از این از
طرف شورای نگهبان تعیین شده اند بر کلیه مراحل و
جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور که
درام - انتخابات مؤثر است و هیأت‌های اجرایی و
آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود، نظارت خواهد
کرد.¹

جریان انتخابات از زمان ثبت نام تا اعلام نتيجه
را شامل می‌شود. ما در این بند به سه مرحله تبلیغات
و اقدامات و مسئله توقف با ابطال انتخابات
می‌پردازیم و در بندهای آینده به بررسی چگونگی
رسیدگی به شکایات و همچنین صدور اعتبار نامه
منتخبین می‌پردازیم.

بند اول - نظارت در امر تبلیغات:

یکی از ضروری‌ترین و حساسترین مراحل انتخابات
مرحله تبلیغات می‌باشد ضروری‌ترین مرحله از این حیث
که با توجه به عامل کثرت جمعیت و عدم شناسایی
افراد، شناساندن چه - ره داوطلبان به انتخابات
کنندگان لازم و ضروری می‌باشد. چرا که مردم کسانی
را که نمی‌شناسند رأی نخواهند داد. بنابراین مردم

¹ - ماده 65 همان قانون

کسانی را که گزینش می کنند که آنان را بهتر شناخته می شوند و از طرفی بهتر تبلیغ کردن نیاز به پشتوانه مالی بسیار زیادی یا حمایت چهره های شناخته شده برجسته دارد. در این بین چه بسا کسانی هستند که علیرغم شایستگی نتوانند با اقبال و توجه مردم مواجه گردند. پیشرفت و توسعه تبلیغات در امور بازرگانی جای تردید باقی نگذا رده است که میان فروش کالا با مرغوب بودن جنس آن لزوماً بستگی وجود ندارد بلکه عواملی از قبیل رنگ، شکل ظاهر بسته بندی و نوشته های روی از یک طرف و فنون تبلیغاتی که امید و خوش بینی یا بلعکس نگرانی و اضطراب در مردم به وجود آورد از طرف دیگر، عوامل اساسی در بازاریابی و جلب مشتری است. همچنین آزمایشهای بی شمار نشان داده است که سودمند بودن کالائی که فروش آن مورد نظر است، عامل بسیار ضعیفی برای پیروزی در مبارزه تبلیغاتی است. وقتی که مردم را به نحوی بتوان فریب داد که جنس پست را به بهای بیشتر خریداری کنند چگونه نمی توان آنان را به سوی بدترین و نامناسبترین داوطلبان نمایندگی سوق داد.¹

² - بوشهری، حعفر، **حقوق اساسی**، (تهران، ج اول، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم، 1375)، ص 169

لذا به منظور تضمین برخورداری یکسان نامزدهای خبرگان از امکانات دولتی و بازرسی و کنترل نحوه تبلیغات نامزدها، در هر استان کمیسیونی به کمیسیون بازرسی تبلیغات انتخابات خبرگان در محل استانداری و بنا به دعوت استانداری تشکیل می‌گردد که اعضای آن عبارتند از:

1- استاندار 2- بالاترین مقام قضائی استان 3- رئیس ناظران شورای نگهبان در استان یا نماینده منتخب شورای نگهبان.

4- مدیر یا سرپرست صدا و سیما جمهوری اسلامی مرکز استان یا استان مجاوری که صدا و سیما دارد.¹ همچنین برنامه های تبلیغات نامزدها باید قبل از پخش از نظر این کمیسیون بگذرد.²

نامزدهای انتخاباتی خبرگان که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان تأیید و از طرف وزارت کشور اعلام شده دارای هر سمتی که باشند بطور مساوی استفاده از امکانات صدا و سیما مرکز استان را دارند.³ نهایتاً اینکه گزارش هر گونه سوء استفاده تبلیغاتی یا تخلفات از نظر مقررات قانونی، در کمیسیون بازرسی تبلیغات استان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت

¹ - مواد 19 و 20 همان آئین نامه

² - ماده 21 همان

³ - مواد 22 و 25 همان

اثبات تخلف مراتب رسماً از طریق وسایل ارتباط جمعی به وسیله استاندار به اطلاع عموم خواهد رسید.¹

بند دوم: مرحله اخذ رأی:

ناظرین شعب ثبت نام و اخذ رأی ... پس از دریافت ابلاغ نظارت در هیأت اعضای شعبه ثبت نام و اخذ رأی و نماینده فرماندار به محل شعبه ثبت نام و اخذ رأی عزیمت می‌نمایند. و در روز اخذ رأی و یک ساعت قبل از شروع به کار باید در محل شعبه ثبت نام و اخذ رأی حضور یافته و تا پایان شمارش آراء و تنظیم صورت جلسه محل شعبه را ترک ننمایند. همچنین ناظرین شعب ثبت نام اخذ رأی حق مداخله یا اعمال نظر در انتخابات را ندارند و مکلفند به محض مشاهده هر گونه تخلف از قانون و آئین نامه انتخابات مراتب را به نماینده فرماندار مستقر در محل شعبه ثبت نام و اخذ رأی یا رئیس شعبه تذکر داده و عنداللزوم به اطلاع هیأت نظارت بخش، شهرستان یا هیأت مرکزی خواهند رساند که در این صورت هیأت‌های اجرایی و مسئولین وزارت کشور در حوزه انتخابیه مکلفند مدارک مورد تقاضای ناظرین

⁴ - ماده 28 همان

منتخب شورای نگهبان را که جهت تنظیم گزارش لا زم دارند در اختیار آنها قراردهند.¹

نحوه انجام وظیفه ناظرین شعب ثبت نام و أخذ رأی به شرح زیر خواهد بود:

- 1- بررسی تابلوی نام داوطلبان که باید به ترتیب حروف الفبا با خط بسیار درشت در داخل و خارج حوزه نصب شده باش د و همچنین بررسی محل است قرار شعبه اخذ رأی و انطباق آن یا آگه ی انتخابات هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه (استان)
- 2- بررسی نحوه نصب پرده (تابلو) شعبه اخذ رأی به نحوی که تابلو شعبه اخذ رأی قابل رؤیت باشد.
- 3- بررسی محل استقرار صندوق أخذ رأی از لحاظ سهولت تردد رأی دهندگان.
- 4- بررسی وضعیت و موقعیت شعبه اخذ رأی در موارد زیر:

الف - آیا نماینده فرمانداری که به حکم وظیفه قانونی لازم است قبل از شروع برنامه أخذ رأی در محل شعبه مستقر شده باشد، حضور دارد؟

ب- آیا نماینده فرمانداری به وظیفه قانونی خود اعم از نظارت و کنترل شعبه أخذ رأی و صدور برگ انتخابات عمل می نماید؟

¹ - مواد 4-92 همان آئین نامه

پ - آیا نماینده فرماندار برای جلوگیری از ازدحام رأی دهندگان لزوماً به تسریع در صدور برگ انتخابات از وجود افراد با سواد استفاده نموده است.

ث- آیا لوازم و وسایل شعبه أخذ رأی برای انجام وظایف اعضای شعبه أخذ رأی مناسب و کافی است؟
ج - آیا کوشش شده است که محل استقرار صندوق رأی در اطاقی باشد که حتی المقدور دو در ورود و خروج داشته باشد.

چ- آیا تعداد محافظان صندوق (مأمورین نیروی انتظامی و پاسداران انقلاب اسلامی) برای حفاظت صندوق و شعبه ثبت نام و أخذ رأی لا اقل از سه نفر کمتر نمی باشد؟ و آیا دقت کافی در بازرسی بدنی افراد جهت جلوگیری از ورود افراد مسلح به محل شعبه أخذ رأی انجام می گیرد؟

ح- در صورتیکه افراد مزاحمت ر ای دهندگان را فراهم می نمایند، آیا محافظان صندوق و یا نماینده فرماندار تدبیر لازم را اتخاذ می نمایند؟ آیا برای جلوگیری از انجام فعالیت غیرقانونی افرادی که به نحوی در امر أخذ رأی دخالت می نمایند و یا معتمد اعمال نظارت مشخص دارند و احیاناً برای رأی دهندگان در انتخابات خبرگان تکلیف به خصوص ی تعیین

می‌نمایند . نماینده فرماندار تدابیر لازم اتخاذ می‌نمایند و با کمک محافظان صندوق و همکاری اعضای شعبه از عمل غی ر قانونی اشخاص ممانعت به عمل می‌آورد؟

د- آیا قبل از شروع أخذ رأی و یا در پایان اخذ رأی صندوق‌های أخذ آرا مطابق مقررات لاک و مهر شده و می‌شوند؟

ذ- آیا اعضای پنج نفری شعبه أخذ رأی رأساً اقدام به رای‌گیری می‌نمایند و یا اینکه افراد غیر مسئول در امر أخذ رأی دخالت کرده و نسبت به انجام برنامه أخذ رأی مشارکت غیرقانونی دارند؟

5- بررسی و نظارت در نحوه شمارش و قرائت آرای ریخته شده در صندوق‌های رأی.

6- رعایت دقیق ساعت شروع و خاتمه رأی‌گیری ، به نحوی که دیرتر از وقت مقرر شروع نشده و قبل از این که تمام مراجعین رأی خود را داده باشند ، خاتمه نیابد.

7- بررسی در خصوص اینکه هنگام شمارش و قرائت آرا چه تعداد اعضای شعبه حضور داشته اند؟ (کلیه اعضای شعبه باید حضور داشته باشند.)

8- آیا نسبت به محافظت از صندوق أخذ آرا پس از شمارش و قرائت آرا و تنظی م صورت جلسه اقدام لازم به عمل آمده است؟

9- صندوق‌های أخذ رأی پس از خاتمه کار و تنظیم صورتجلسه توسط چه کسانی به هیأت اجرایی تحویل شده است؟

10- بررسی، نظارت و مراقبت در تنظیم صورت جلسه تا بیان أخذ رأی و قرائت آرای شعبه أخذ رأی.

11- ناظرین در کلیه موارد ب دون دخالت در امور شعبه ثبت نام و أخذ رأی و بدون دخالت در طریق انجام وظایف دادن تذکر به نماینده فرماندار محافظان صندوق در بر طرف کردن موانع و مشکلات کوشش می نمایند و با دادن تذکر به نماینده فرماندار امور جاری شعب أخذ رأی را به نحو مطلوب و در مسیر حقیقی أخذ رأی و قرائت آراء قرار می دهند و در صورتیکه مشاهده نمایند که تذکراتشان به نتیجه مطلوب نخ — واهد رسید، مراتب را به منظور حصول نتیجه وسیله ناظر، ناظرین بخش — ا شهرستان به بخشدار یا فرماندار اطلاع می دهند.

12- هیچ فردی نباید با شناسنامه دیگری و یا به جای دیگری رأی دهد حتی اگر از نزدیکان و بستگان

رای دهنده باشد هر فردی فقط حق دارد شخصاً و با شناسنامه خود رای دهد.¹

بند سوم - در توقف و ابطال انتخابات:

همانطوریکه در مباحث قبلی روشن گردید وظایف ناظرین و هیاتهای نظارت مراقبت بر اجرای دقیق موازین قانونی است تا از این طریق از تخلفات و تعلل وارده جلوگیری نمایند. . احیاناً اگر این تخلفات سوء استفاده ها به نحو مشهودی باشد آن وقت طبعاً برای مقام ناظر یعنی شورای نگهبان باید مکانیزمی قرار داده شده باشد تا اینکه این شورا به نحو کامل و درستی هم وظیفه نظارت را به خوبی انجام بدهد و هم ای نکه جریان انتخابات را به نتیجه نهایی آن سوق بدهد.

از آنجا که ناظر نهایی انتخابات شورای نگهبان می باشد لذا این شورا می تواند برحسب نظارت مستقلاً انتخابات را در هر یک از مراحل در کل و یا بعضی مناطق حوزه انتخابیه با ذکر دلیل باطل کند.² همچنین ابطال کل انتخابات یک حوزه انتخابیه یا توقف انتخابات و همچنین ابطال انتخابات شعبی

¹ - ماده 95 همان آئین نامه
¹ - ماده 74 همان

که در سرنوشت انتخابات حوزه انتخابیه تأثیر تعیین کننده دارند، از اختیارات خاص شورای نگهبان است.¹

همچنین در مواقعی که ناظر یا ناظرین استان به مواردی برخورد نمایند که در توقف و یا ابطال کلی و یا نتیجه انتخابات مؤثرند، نظر خود را با ذکر دلیل صورت جلسه نموده و همراه با مستندات به هیأت مرکزی نظارت جهت بررسی و اظهار نظر و گزارش شورای نگهبان ارسال می‌دارد.²

وزارت کشور موظف است با کسب نظرش در اولین فرصت مناسب، انتخابات مجدد را در حوزه های که انتخابات آنها متوقف و باطل شده بر اساس قانون انتخابات خبرگان و آئین نامه اجرایی آن برگزار نماید.³

بند چهارم: شکایات و رسیدگی به آنها:

علیرغم همه پیش بینی ها و بکارگیری انواع روشها و مکانیزم های نظارتی با زهم احتمال وقوع تخلف مشاهده می شود. هرچند که با وجود این راهکارها میزان تقلبات و تخلفات کمتر می شود، اما اگر جلوی تقلبات مستقیم را امروزه می توان به راحتی گرفت در عوض تقلبات غیر مستقیم بیشتر شده است. عده ای در دورا دور انتخابات با وعده و وعیدهای متعدد و

² - ماده 75 همان

³ - ماده 88 همان

⁴ - ماده 111 همان

همچنین از راههای تهدید و تطمیع و وعده شغل و پرداخت مالی و وعده استخدام و ساختن بناها و... سعی در انجام انتخابات درجهت اهداف خود دارند . بنابراین با هر درجه احتیاط و سختگیری و با هر اندازه دقت در جریان انتخابات باز هم همیشه این خطر وجود دارد که قلب رخ دهد و نتیجه ای غلط و تحریف شده اعلام گردد . در همه کشورها ، برای جلوگیری از تقلبات در نهایت رسیدگی به شکایات مراجعی را در نظر گرفتند تا انتخابات به نحو صحیح و درستی که همان انتخابات و گزینش توسط شهروندان است به پیش برود . در بعضی از کشورها مراجع قضائی به این مسئله می‌پردازند و در بعضی کشورها مجلس به این مورد رسیدگی می‌کند و در برخی دیگر از کشورها نهادهای سیاسی دست به قضاوت سیاسی می‌زنند : از جمله فرانسه که شورای قانون اساسی این وظیفه را برعهده دارد . در ایران هم شورای نگهبان از آنجا که یک نهاد رسمی در قانون اساسی معرفی شده است می‌تواند به بهترین وجه در صدد ایفای وظیفه محوله برآید و جلوی تقلبات و تخلفات را بگیرد و همچنین به شکایات مربوط به انتخابات رسیدگی کرده و حکم نهائی را صادر نماید .

اساساً این روش منطقی و صحیحی هم می باشد که به کسانی که به روند انتخابات اعتراض داشته اند، فرصتی داده شود تا در صورت اعتراض و شکایات، بتوانند از مرجع صالح مربوط تقاضای رسیدگی کنند. رسیدگی به شکایات در این رابطه به شرح زیر می باشد:

1- شکایاتی که در جریان برگزاری انتخابات از هیأت‌های اجرایی و ناظرین شورای نگهبان و مباشرین وزارت کشور به هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات واصل می‌شود، در جلسه هیأت مرکزی نظارت مطرح و حسب اهمیت موضوع به یکی از طریق زیر مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

الف- ارسال شکایات به ناظرین استان جهت رسیدگی و اعلام نتیجه. ب- اعزام بازرس از مرکز¹ همچنین کسانی که از نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند، می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ اخذ رأی شکایات خود را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم دارند.²

همچنین در ماده یکصد و ششم همین آئین نامه آمده است شکایاتی که در جریان انتخابات خبرگان به

¹ - م 79 همان آئین نامه.

² - م 102 همان

شورای نگهبان یا ناظران آنان یا هیأت های اجرایی تسلیم می شود مانع از ادامه انتخابات نخواهد بود . به این ترتیب در نهایت نظر نهائی، نظر شورای نگهبان است . یعنی این شورا بعد از بررسی به اعلام نتیجه می پردازد که این است که باید نهایت تفکیک را بین وظایف، عوامل اجرایی و نظارت به عمل آورد تا اینکه این دو در حیطه وظایف یکدیگر دخالت نکنند.

اول: در اعمال نتیجه و صدور اعتبار:

هیأت اجرایی بخش پس از دریافت صندوق های أخذ رأی و صورت جلسه شعب ثبت نام و أخذ رأی حوزه های بخش نتیجه انتخابات بخش را ضمن ارسال صندوق های أخذ رأی و صورت جلسه های مربوط به هیأت اجرایی شهرستان اعلام می دارد، هیأت اجرایی شهرستان بلافاصله پس از دریافت نتایج انتخابات بخش های تابعه هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابی ه (شهرستان مرکز استان) اعلام می دارد. ناظران شورا ذیل صورت جلسه را امضاء نموده و اگر نظری داشته باشند ذکر می کنند. هیأت اجرایی مرکز انتخابیه بلافاصله پس از دریافت نتایج شهرستان های تابعه نتیجه کلی انتخابات خبرگان استان را با اطلاع ناظرین استان آگهی کرده به ستاد انتخابات کشور نیز اعلام

می دارد.¹ ستاد انتخابات کشور بلافاصله پس از دریافت سه نسخه از صورت جلسه نهایی نتایج انتخابات هر استان دو نسخه از صورت جلسه مذکور را به هیأت نظارت مرکزی شورای نگهبان تسلیم می کند و هیأت پس از بررسی و اظهار نظر یک نسخه آن را در اختیار شورای نگهبان قرار می دهد.²

شورای نگهبان حداکثر ظرف یک هفته پس از دریافت جلسه نهایی نتیجه انتخابات خبرگان هر استان از هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات، نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات انجام شده آن استان به وسیله هیأت نظارت مرکزی به ستاد انتخابات کشور اعلام خواهد داشت.³

ستاد انتخابات کشور پس از دریافت نظریه شورای نگهبان، مراتب را به فرمانداری مرکز حوزه انتخابیه جهت ابلاغ به هیأت اجرایی انتخابیه به منظور صدور اعتبارنامه منتخب یا منتخبین خبرگان اعلام می دارد.⁴

نهایتاً اینکه صدور اعتبار نامه منتخبین منوط به اعلام نظر شورای نگهبان است و اعتبارمنتخبین ... در

³ - مواد 97-9 همان آئین نامه

¹ - ماده 101، همان

² - ماده 103

³ - ماده 104

پنج نسخه از طرف هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه تهیه و تنظیم و یک نسخه از آن را به منتخب تسلیم و سه نسخه از آن به ستاد انتخابات کشور ارسال می‌گردد، ستاد انتخابات کشور دو نسخه از اعتبار نامه هریک از منتخبین را به هیأت مرکزی نظارت ارسال می‌نماید که یک نسخه آن به شورای نگهبان تسلیم میگردد.¹

بخش سوم : تحلیل نظام حقوقی نظارت بر انتخابات در مراحل مختلف

⁴ - ماده 104 همان آئین نامه

فصل اول: بررسی دیدگاههای مختلف پیرامون ماهی نظارت بر انتخابات در ایران

مطابق اصل 99 حق نظارت بر انتخابات بر عهده شورای نگهبان می‌باشد. اما با توجه به ابهاماتی که در زمینه این اصل وجود داشت و همچنین با توجه به اینکه شورای نگهبان در مقام تأیید و رد صلاحیت داوطلبان برآمده بود سؤالات و ایراداتی در این زمینه به وجود آمد از جمله اینکه: نوع وجود این نظارت چگونه است؟ برای ارتقاء کیفیت، شورا چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ چارچوب نظارت چیست؟ آیا شامل مراحل تأیید و رد صلاحیت کاندیداها هم می‌شود؟

و سؤالاتی از این قبیل باعث شد تا شورای نگهبان در رابطه با اصل 99 قانون اساسی و در خصوص کیفیت نظارت بر انتخابات نظر تفسیری خود را اعلام نماید. بر اساس این نظر: «نظارت مذکور در اصل 99 قانون اساسی استصوابی است و شامل تمام موارد اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد کاندیداها می‌شود.» با توجه به این تفسیر بود که دودگی دگاه و نظر در این رابطه بیان گردید. دسته ای آن را تأیید

دسته ای دیگر نسبت به آن اعتراض کردند برخ ی معتقدند که نظارت شورای نگهبان ، نظارتی عالی است و اقتضاء دارد که شورا به طور کلی و عمومی در سطح کشور، ناظر بر انتخابات باشد . و به عبارتی شورای نگهبان باید مراق ب وضع کلی کشور در جریان انتخابات باشد و چنانچه جوّ عمومی کشور را مناسب تشخیص بدهد با درک موقعیت تدبیر لازم را اتخاذ کند.

در امر نظارت لازم نیست که شورای نگهبان به جزئیات هر حوزه بپردازد و بدیهی است که از یک شورای 12 نفری نیز نمی توان انتظار داشت که مستقیم اً چندین هزار شعبه اخذ رأی را در سراسر کشور تحت نظارت قرار دهد . قانون اساسی نیز توجه دارد که حوزه نظارت هر شخص باید در حد معقولی باشد . شورای نگهبان باید مراقب باشد که متصدیان اجرائی، انتخابات را در محیط سالم برگزار کنند و اگر اعتراض و اختلافی وجود نداشت دیگر ر لزومی به رسیدگی نیست و شورای نگهبان باید علی القاعده بر صحت انجام آن نظر دهد . ولی اگر در حوزه ای، نمونه هایی از اعتراض، برخورد و معارضه وجود داشت و تعداد شکایات زیاد بود، شورای نگهبان به اقتضای صلاحیت در نظارت، نظر نهائی را اعلام می کند. پاره ای

نیز معتقدند که شورای نگهبان باید ناظر بر کلیه مراحل انتخابات و تمام جزئیات آن باشد و هیچ امری خارج از نظارت شورا انجام نگیرد و اطمینان و اعتمادی که مورد نظر قانون اساسی است در صورت نظارت کامل شورای نگهبان حاصل خواهد شد. از آنجا که یک هیات 12 نفره نمی‌تواند بر تمام کشور احاطه داشته باشد و در تمام شعب اخذ رأی حاضر و ناظر باشد. شورای نگهبان می‌تواند از طریق گماردن ناظرین منتخب در تمام مراحل انتخابات جزئیات امر را زیر نظر بگیرد.

بر اساس این نظر فقط به این شکل می‌توان صحت انتخابات محلی را مورد تأیید یا رد قرار داد و با همین روش نیز می‌توان از اعمال نفوذ و تقلب جلوگیری بعمل آورد و شورای نگهبان در امر نظارت نباید منتظر شکایات یا بروز اختلاف باشد، زیرا ممکن است در حوزه‌های انتخابات بر خلاف واقع و قانون صورت گیرد و کسی هم شکایت نداشته باشد. به این ترتیب با توجه به این مطالب کلاً و نوع جناح بندی در این مورد انجام گرفت که عده‌ای مخالف با آن و طرفداران نظارت استطلاعی.

طرفداران نظارت استصوابی بر این عقیده اند: «دقت در معنی فلسفه نظارت نشان می‌دهد که منظور

قانون‌گذار از نظارت همان نظارت به معنی استصوابی است و بدون موافقت شورای نگهبان، قانونی بودن انتخابات مخدوش خواهد بود. بهانه‌گیری برخی در جریان انتخابات مبنی بر اینکه نظارت معنی همان دخالت است کاملاً بی‌منطق است زیرا نظارت در مقابل دخالت نیست بلکه نظارت و اجراء دو مفهوم متقابل می‌باشد. و هر دو به نوعی مقرون دخال‌تند. دخالت در نظارت اظهار نظر قانونی و دخالت نظر در قانونی بودن انتخابات است و معنی دخالت و اجراء، انجام انتخابات است.¹

در مقابل عده‌ای دیگر به این امر یعنی استصوابی بودن نظارت اعتراض می‌کنند و می‌گویند آیا می‌توان نظارت وارد در اصل 99 را که نظارت شورای نگهبان است بر انتخابات و همه‌پرسی، از کل موارد نظارت در قانون اساسی (که بیشتر به چند مورد آن اشاره شد) استثناء و آن را نظارت استصوابی تفسیر کرد.

آیا معنی لغوی نظارت در اینجا متفاوت است؟ آیا این قید و قرینه‌ای وجود دارد؟ پس به چه دلیل شورای نگهبان چنین تفسیر نموده است؟ راستی چه

¹ - عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج اول، (انتشارات سپهر)، ص 417.

فرقی بین لغت نظارت با نظارت قوه قضائیه و یا مواد دیگری که قبلاً ذکر شد وجود دارد ؟ آیا چنین شکل نظارت موجب تضییع حقوق داوطلبان نشده است و نخواهد شد؟

چرا در بازنگری قانون اساسی این کلمه اضافه نشده است؟

بنابراین نظارت شورای نگهبان باید استطلاعی باشد و این شورا نباید به رد صلاحیت داوطلبان مبادرت نماید.

در هر حال باید توجه داشت که قوانینی که در این مورد به تصویب رسیده است در جهت حمایت از نظارت استصوابی شورای نگهبان بر امر انتخابات می باشد . ماده 3 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که در تاریخ 78/5/20 نیز به تصویب مجدد مجلس شورای اسلامی رسید، بر نظارت استصوابی شورای نگهبان تأکید کرد. ماده فوق بدین شرح می باشد:

نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان می باشد، این نظارت استصوابی و عام و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

همچنین ماده 8 قانون انتخابات ریاست جمهوری در این باره بیان می دارد: نظارت بر انتخابات ریاست

جمهوری برعهده شورای نگهبان می باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

قبل از پرداختن به موضوع و ریشه یابی آن حقوقدانان در تعریف نظارت استصوابی و استطلاعی نظرات مختلفی ارائه کرده اند که به اجمال به برخی از آنها می پردازیم. «منظور از نظارت استصوابی این است که نهاد ناظر می تواند به این مقوله بپردازد که چه صلاحیتها و چه معیارهایی باید فراهم گردد که مردم بتوانند داوطلب شرکت در رقابت های انتخاباتی شوند؟ دوم اینکه چه نهادی باید ا حراز کند که چه کسانی این صلاحیت ها را دارند و سوم اینکه نظارت برصحت و سلامت انتخابات برعهده چه کسی است؟ تفسیر شورای نگهبان این سه مرحله را به نهاد ناظر تفویض نموده است.»¹

«نظارت استصوابی این است که اعمال حقوقی زیرنظر مستقیم و با تصویب و صلاحدید ناظر انجام شود. این اعمال، البته بدون موافقت ناظر اعتبار ندارد. بنابراین تعریف، چنین به نظر می رسد که تمام امور انتخاباتی زیر نظر با صلاحدید شورای نگهبان اعتبار

¹ - شریف، محمد، **نظارت استصوابی**، (نشر افکار، چاپ اول، زمستان 78). ص 15

می‌یابد. این صلاحدید، یا مصلحت اندیشی، می‌تواند ابتکار عمل شورا را تا آن حد بالا ببرد که آنچه را که صلاح بداند تأیید کند و آنچه را که صلاح نداند مورد تأیید قرار ندهد. به عبارت بهتر، در مراحل انتخابات دخل و تصرف نماید. مصلحت دانستن در تأیید صلاحیت داوطلبان و یا تأیید صحت انتخابات می‌تواند مصادیق نظارت استصوابی به شمار آید. این چن‌ین مصلحت اندیشی که شورای نگهبان را مسلط بر آراء عمومی بنماید نوعی تحمیل بر آراء عمومی به شمار می‌رود و بدون شک مورد انتظار قانون‌گذار قانون اساسی نمی‌باشد. نظارت اطلاعی عبارت از آن است که اعمال حقوقی با اطلاع ناظر، بدون آنکه ناظر در مقام تصویب یا رد این اعمال باشد. در چنین حالتی ناظر می‌تواند موارد انحراف یا تخلف اعمال زیر نظر خود را، برای هر گونه اتخاذ تصمیم، به اطلاع مقام ذیصلاح برساند. براساس این تعریف، شورای نگهبان نمی‌تواند هیچ نقش مستقیم، تعیین کننده و تضمین کننده‌ای را برای صحت انتخابات داشته باشد. این چن‌ین نظارتی نیز نمی‌تواند تأمین کننده هدف منظور باشد.¹

¹ - هاشمی، سید محمد، مقاله، (نشرافکار، چاپ اول، زمستان 78). صص. 38، 39

از جمله اشکالاتی که بر نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات گرفته می‌شود این است که اعمال این نظارت بر خلاف نص قانون اساسی و بر اساس یک تفسیر جانبدارانه از آن است. زیرا در اصل 99 قانون اساسی می‌خوانیم که: «شورای نگهبان نظارت بر انتخابات، خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی همه پرسى را بر عهده دارد.»

لذا می‌بینیم که در اینجا از نظارت صحبت شده و لی هیچ‌ذکری از استصوابی بودن آن به میان نیامده است و دلیلی بر اینکه نظارت استصوابی ابی باشد، از مفاد این اصل برنمی‌آید. پس چگونه است نظارت شورای نگهبان در حال حاضر استصوابی می‌باشد؟ ادله متعددی در پاسخ به این اشکال اقامه شده، از جمله این که:

اول: از اصل 99 قانون اساسی اینطور بر می‌آید که کلمه‌ی (بر عهده دارد) بیان‌کننده حق مسئولیت است. یعنی قانون اساسی وقتی می‌گوید شورای نگهبان نظارت را بر عهده دارد یعنی مسئولیت این نظارت کاملاً بر عهده شورای نگهبان است بنابراین، این نظارت باید ضمانت اجرا نیز داشته باشد. در نتیجه نظارت در

اینجا نباید صرف اطلاع محض باشد . بلکه باید استصوابی باشد.

دوم: حقوقدانان می گویند که هرگاه در یک عبارت حقوقی لفظ عامی بدون قید و شرط آورده شود عام بودن و قید و شرط نداشتن آن لفظ، مطلق بودن آن را می‌رساند. لذا از آن جایی که در این اصل، نظارت به صورت عام بیان شده و قید استطلاعی و یا استصوابی بودن آن ذکر نگردیده، نشانگر مطلق بودن آن است، لذا نظارت در این امر نظارت استصوابی است.

سوم: مطابق اصل 98 قانون اساسی که ابهام یا ابهاماتی وجود داشته باشد، مرجع تفسیر، شورای نگهبان است و شورای نگهبان هم مطابق اصل 98 قانون اساسی، اصل 99 را تفسیر کرده و اینطور بیان می دارد که این نظارت استصوابی است.

چهارم: در قانون اساسی تنها مرجعی که برای نظارت بر انتخابات شناخته شده، شورای نگهبان است و این خود دلیل عام و در همه ابعاد بودن نظارت شورای نگهبان یعنی استصوابی بودن آن است.

استدلال دیگر این است که اگر این نظارت موضوع اصل 99 قانون اساسی، استطلاعی (که در حقیقت یک کسب اطلاع و مشاهده بیشتر نیست) می‌بود، دیگر آیا آنقدر با اهمیت بود که قانون گذار، آن را در قالب یکی

از اصول قانون اساسی قرار دهد؟ ! و آیا کافی نبود که از طریق قوانین عادی تصریح شود؟!

پنجم: دلیل دیگر وحدت سیاق است. بدین صورت که ما در همه جای قانون اساسی هنگامی که بحث از برگزاری انتخابات از سوی وزارت کشور را می بینیم به نظارت شورای نگهبان نیز بر می خوریم. و در هیچ جای قانون اساسی نیست که از اجرای انتخابات به وسیله وزارت کشور صحبت شده باشد و در کنار آن مطلبی از نظارت شورای نگهبان نباشد و خود این امر، دلیلی بر نظارت مطلق و عام و استصوابی شورای نگهبان است که همه مراحل و مقاطعه انتخابات را در بر می گیرد.

سرانجام دلیل دیگری که اقامه شده این است که: در صورتی که نظارت از نوع استطلاعی بود بیشتر قابل اشکال و تشکیک و ایراد می بود، زیرا در آن موقع حقوقدانان می توانستند اشکال کنند که اگر این نظارت هیچ ضمانت اجرایی ندارد پس فایده آوردن آن در قانون اساسی چه بوده است؟

«بر نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات

اشکالات متعددی گرفته شده است از جمله:

1- اینگونه نظارت، دخالت در رأی مردم است. 2-

نقص حاکمیت ملت است. 3- اعلام قیومیت عده ای خاص بر

اکثر مردم است. 4- اهانت به مردم است (زیرا مگر مردم صفیه یا مجنون هستند که خود نتوانند مصالح خود را تشخیص دهند). 5- اینگونه نظارت مختص کشور ایران می باشد و در سایر کشورها اعمال نمی شود.¹»

مبحث اول - ایراد به بکارگیری دو واژه استصواب

و استطلاع

واژه استصواب از کلمه صواب به معنی درست و نیکو و رشد می آید . که معنی طلب خیر و تشخیص خیر و صلاح، پسندیدن و خیرخواهی کردن و کار درست را دیدن و تشخیص دادن است . و اصولاً در کاربرد درستش باید در مورد افراد نابالغ، فاقد عقل یا ضعیف العقول و افراد صغیر و بی سرپرست به کار برده شود . و به عبارت دیگر کاربرد اصلی آن در حقوق خصوصی است ولی به نظر می رسد که نظارت بر انتخابات از مقوله نظارت یاد شده نباشد . اداره یک کشور از مقوله اداره اموال نیست که مالک اختیار مطلق داشته باشد که هر چه را که در مصلحت امور خویش تشخیص می دهد، انجام دهد. حکومت ناشی از رأی مردم است که از طریق انتخابات تظاهر می یابد. رأی دهنده مردم و برگزار کننده انتخابات دولت، حکومت خدمت گذار

¹ - مرندي، محمدرضا، پيشين، ص 57

مردم است، مبعوث مردم است و طبیعتاً دوام او مستلزم اراده و رأی آزاد مردم خواهد بود.

انتخابات تجلی گاه اراده و رأی مردم است و بدین دلیل باید عمومی و آزاد باشد و بدون تقلب برگزار شود. انتخابات هنگامی عمومی و آزاد است که

شهروندان بتوانند در آن آزادانه، به عنوان انتخاب کننده یا انتخاب شونده، شرکت کنند و به فعالیت و مبارزه بپردازند. شورای نگهبان به عنوان یک نهاد مستقل از قوه مجریه بر صحت و سلامت انتخابات نظارت می کند تا قوه مجریه حقوق داوطلبان نمایندگی ملت را پایمال نکنند بدین ترتیب شورای نگهبان حکم داور بین حکومت و ملت را دارد. در هر حال به نظر می رسد که به کارگیری اصطلاح استصواب و استطلاع در مورد انتخابات درست نباشد. چون به این ترتیب شاید به ذهن خطور کند که این اعضای شورای نگهبان هستند که باید خیر و صلاح شهروندان را روشن کنند و ممکن است که حق انتخاب را از آنها به دلیل داشتن کرامت الهی که اختیار ناشی از آن کرامت است سلب کنند و نافی حق انتخابات و اختیار الهی و خداوندی انسان ها گردد.

روح و لفظ قانون اساسی مبتنی بر حاکمیت ملت و شرکت یکایک مردم در اداره امور کشور است و نظارت

استصوابی به معنی تشخیص دهنده صواب از ناصواب و تصاحب حاکمیت و دخالت مستقیم عدد معدود در سرنوشت ملت می‌باشد. گروهی مصلحتی که فقط خودشان می‌دانند و با اسنادی که خودشان اطلاع دارند هرکس را بخواهند تأیید و یا رد صلاحیت می‌کنند این روشن‌ترین شکل تصاحب حاکمیت مردم است و بی‌تردید بر خلاف قانون اساسی است و مانع مشارکت مردم در اداره امور و موجب سلب اعتماد از انتخاب‌ات و عامل عدم مشارکت و یا حداقل کاهش مشارکت است.

حال باید دید راه حل چیست؟ اصل جمهوریت نظام ، شهروندان را به جهت شهروندی دارای حق تعیین سرنوشت می‌داند. اصل 56 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور صریح و مؤکد انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است به طوریکه هیچ‌کس نباید این حق را سلب یا در خدمت منافع جناحی و گروهی قرار دهد. هدف عمده و اساسی نظارت این است که جلوی تعدی و تجاوز و ستم قوه مجریه را نسبت به انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان بگیرد. بنابراین نظارت شورای نگهبان نه می‌تواند استصوابی باشد و نه اطلاعی بلکه باید نظارت را قانونی و مستند به قانون بنامیم.¹

¹ - هاشمی، سیدمحمد ، ، پیشین، ص 39

«هدف قانونگذار اساسی آن است که شورای نگهبان را به عنوان مقام ناظر بی طرف، با تطبیق مشخصات داوطلبان با شرایط انتخاب شدن در اجرای آن و با نظارت بر جریان انتخابات و حصول اطمینان از درستی و عدم فساد و ساز و کار انتخابی و تأیید صحت برگزاری انتخابات و اعلام نتیجه آن، تضمین کننده یک انتخاباتی شایسته باشد تا از غل و غشهای محتمل در نمایندگی مردم جلوگیری کند. بدیهی است که در این نظارت چنانچه شرایط انتخاب شدن داوطلب نمایندگی فراهم نباشد، شورا حق رد صلاحیت آن داوطلب و در صورت اثبات نادرستی انتخابات و اعلام نتیجه آن حق ابطال آن را خواهد داشت در این صورت اقدام مذکور به منزله یک عمل قضایی خواهد بود که شورای نگهبان، همانند یک دادگاه اقدام به رسیدگی و مستدل و مستند به مواد قانونی مبادرت به صدور حکم می نماید، بدون آن که صلاحدید و مصلحت اندیشی اعضای شورا در آن دخالتی داشته باشد. این چنین نظارتی را که شبیه نظارت شورای قانون اساسی فرانسه بر صحت انتخابات است می توان نظارت انضباطی نامید.»¹

¹ - هاشمی، سید محمد، پیشین، ص 39

نظارت استصوابی در مقابل نظارت استطلاعی از اصطلاحات فقهی است که در نظام حقوقی، (به ویژه حقوق خصوصی) مورد استفاده قرار می‌گیرد و آن عبارت است از اینکه برخی از اعمال حقوقی زیرنظر مستقیم و با تصویب و صلاحدید ناظر انجام می‌شود این اعمال بدون موافقت ناظر اعتبار ندارد. نظیر مورد مذکور در ماده 1242 قانون مدنی که مقرر می‌دارد «قیم نمی‌تواند دعوی مربوط به مولی علیه رابه صلح خاتمه دهد مگر با تصویب مدعی العموم». اصطلاح مذکور، در حقوق عمومی و اساسی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نظیر اصل هشتاد و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «استخدام کارشناسان خارجی ازطرف دولت ممنوع است مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.»

به این ترتیب، تعیین کننده و گزینش کنندگان اصلی مردم هستند و در این راستا باید برای مردم جهت شرکت درانتخابات ایجاد انگیزه کرد. تازمینه رغبت و حمایت و علاقه مردم به قانونگذاران فراهم گردد. در واقع باید این باور رابه مردم داد که در جریان انتخابات مسائل ملی مطرح است و نه مسائل سیاسی، به این ترتیب ایجاد فضای مناسب برای داوطلب شدن تمام واجدان شرایط از اصول مسلم تصریح

شده در قانون است. در نظارت قانونمند، باید دلایل رد یا تایید صلاحیت افراد را جهت تنویر افکار عمومی به صراحت اعلام کرد تا هر گونه شبهه در جهت اعمال سلیقه جناحی و خطی در انجام این گونه نظارت بر طرف گردد. زیرا اگر نظارت با تمهیدات جناحی اجرا شود، باعث تضییع حقوق مردم خواهد شد. همچنین اگر با دید مردم سالارانه به این موضوع نگاه کنیم نظارت باید به گونه ای اعمال شود که نهاد نظارت کننده مداخله گیری را به حداقل برساند. تا مردم سالاری و دموکراسی زیر علامت سؤال نرود و اعتبار خود این نهاد نیز محفوظ بماند.

به نظر می رسد آنچه که ما را به یک نقطه اعتدال و منطقی و معقول نزدیک می کند هشدار مقام معظم رهبری درباره حرکت مخرب فرهنگی و سیاسی در این باره می باشد. (ایشان ضمن موافقت با طرح نظرات مخالف و نیز اعتقاد به آزادی در تفکر و مباحثه آزاد به عنوان اولین شعارهای انقلاب، به بی ریشه بودن جنجال علیه نظارت استصوابی با هدف تضعیف شورای نگهبان و حذف علمای طراز اول اشاره داشته اند.)¹

¹ - روزنامه انتخابات، 78/2/29

بر این اساس مخالفت ایشان با هر نوع تفکر افراطی جلوه گر می شود.

از قسمت های اول و دوم بیانات ایشان می توان نتیجه ای به شرح ذیل گرفت:

الف- مخالفت با تفکری که عملکرد شورای نگهبان را صد در صد تأیید کرده و باب هرگونه انتقاد را مسدود اعلام می کند.

ب- مخالفت با تفکری افراطی که در صدد حذف نظارت شورای نگهبان و در نهایت تضعیف و ضربه زدن به شورای نگهبان بخصوص علمای طراز اول آن باشد.

بدین ترتیب نقطه نظرهای یک سویه و افراطی که در دو سوی نظارت واقع شده نمی تواند مورد تأیید اندیشه ورزان نیز قرار گیرد. بیان معتدل مقام رهبری حاکی از لزوم وجود نظارت استصوابی در کنار نقد و انتقاد و اصلاح است و در نهایت نتیجه ای که در این باره باید گرفت بدین شرح می باشد:

نهادینه کردن شورای نگهبان و اثبات نظارتی که مقبول عام است که موجه گزینی بشود.

بنابراین عملکرد فردی هر یک از اعضای محترم

شورای نگهبان قانون اساسی و نیز عملکرد جمعی ایشان باید بر اساس وظایف و مقررات و نیز آنگونه باشد که حسب امر رهبر باشد. و در جهت نهادینه شدن

شورای نگهبان و اثبات نظارتی که مقبوله عامه است، باشد و با اعتقاد جازم به لزوم تقویت مبانی نظام اسلامی و از آن جمله « نهاد شورای نگهبان ق انون اساسی » باید به طرح نقطه نظرهای انتقادی و اصلاح روند جاری نیز اعتقاد داشت.

مرحله تشخیص و تعیین صلاحیت داوطلبان انتخابات از حساس‌ترین و چالش بر انگیزترین مراحل انتخابات است. شورای نگهبان در تفسیری که از اصل 99 ارائه نموده چنین بیان نموده که «نظارت مذکور در اصل 99 قانون اساسی استصوابی و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می شود.» در این خصوص نظریات مختلفی بیان شد که در ادامه نوشتار به برخی از آنها اشاره می گردد. برخی در این مورد معتقدند که از نظر واضع قانون اساسی تمایز روشنی میان مرحله نظارت بر انتخابات (آنچه اصل 99 به آن پرداخته است) و مرحله «رد و یا تأیید صلاحیت داوطلبان» (موضوع اصول دیگری از قانون اساسی) وجود دارد. و چنین بیان می کنند که اصل 99 قانون اساسی در خصوص مرجع تشیخص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و نمایندگی مجلس ساکت است. و اصل 115 قانون اساسی به بیان شرایط داوطلبان ریاست جمهوری پرداخته است و در بند

9 از اصل 110 نیز آمده است: «صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دا را بودن شرایطی که در این قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تأیید شوری نگهبان ... برسد.»

تصریح به صلاحیت شورای نگهبان در تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری علیرغم وجود اصل 99 قانون اساسی، مفید این معناست که گستره اصل 99 قانون اساسی شامل تشخیص صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری نمی‌گردد. چون به نظر نویسندگان قانون اساسی، نظارت مذکور در اصل 99 شامل تعیین صلاحیت‌ها نمی‌شده است، لذا در اصل 110 در مورد مرجع تعیین صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری تصریح نموده و گواه این است که محدوده نظارت شورای نگهبان به حسب اصل 99 شامل تعیین صلاحیت‌ها هم نمی‌گردد. والا لازم نبود که در این اصل مجدداً به مرجع تعیین صلاحیت‌ها بپردازد.¹

همین شرایط را می‌توان با وضوح بیشتری در مورد داوطلبان عضویت در مجلس خبرگان مشاهده کرد. اصل 108 قانون اساسی شرایط خبرگان و کیفیت انتخابات آنها (پس از تشکیل اولین دوره مجلس خبرگان) در

¹ - شعبانی، قاسم، حقوق اساسی و ساختارهای حکومتی ج. ۱. ۱۰۱، (انتشارات اطلاعات، چاپ، 1381) ص 181

حیطه صلاحیت خبرگان قرار داده است. مقایسه اصل 108 و اصل 99 قانون اساسی، تمایز را میان مرحله «نظارت برانتخابات» و «تشخیص صلاحیت داوطلبان» را نمایان می‌کند. واگذاری تعی ین شرایط و کیفیت انتخاب خبرگان مفید این معناست که «شرایط و کیفیت انتخاب» خبرگان مفهوماً از شمول قید (نظارت) مندرج در اصل 99 قانون اساسی خارج است.¹

در این خصوص به سخنان یکی از فقهای شورای نگهبان در مصاحبه با مجله حکومت اسلامی استناد می‌کنند که ایشان در آن مصاحبه میان صلاحیت های شورای نگهبان در بررسی صلاحیت داوطلبان مجلس خبرگان رهبری (ناشی از مصوبه این مجلس به استناد اصل 108 قانون اساسی و مسئله، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری) موضوع اصل 99 قانون اساسی)، تفکیک قائل شده اند و چنین بیان کرده اند «... اینطور نیست که مثلاً وزارت کشور یا یک مقام و نهاد دیگری مسئول اجرا باشد و شورای نگهبان فقط نظارت بکنند... قبلاً خود وزارت کشور مجری بود، اما الان طبق مصوبه قانونی خبرگان، فقهای شورای نگهبان مجری هستند... اصلاً نظارتی در کار نیست بلکه آنچه (در واقع با چیزی بیش از

²- علینقی، امیر حسین، نظارت برانتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان، صص، 64، 65

نظارت مذکور در اصل 99 مواجه هستیم .) بر عهده شورای نگهبان است، اجراست. قانون (و نه اصل 99) احراز صلاحیت کاندیداهای مجلس خبرگان را بر عهده فقهای شورای نگهبان گذاشته، هیچ کس دیگری هم حق دخالت در مسئله احراز صلاحیت را ندارند.¹

همچنین استلال می کنند که از این منظر «تشخیص صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی» متفاوت است و پرداختن به تشخیص صلاحیت داوطلبان «نیز نباید درگستره مفهوم واژه نظارت مذکور در اصل 99 جستجو کرد. به عبارت دیگر «تشخیص صلاحیت داوطلبان» با «نظارت بر تشخیص صلاحیت داوطلبان» متفاوت است و پرداختن به تشخیص صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی، چیزی بیش از نظارت و وارد شدن به مرحله اجراست که طبیعتاً از اصل 99 قانون مستفاد نمی شود. بلکه براساس اصل 62 قانون اساسی، شرایط داوطلبان عضویت در مجلس شورای اسلامی را قانون معین می کند و همچنین تعیین چگونگی انجام انتخابات نیز برعهده قانون عادی نهاده شده است. پس بنابراین تعیین صلاحیت های داوطلبان مجلس درحیطه مسئولیت های شورای نگهبان قرار ندارد و به این لحاظ تفسیر

¹ - مومن، محمد، «شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان» مجله حکومت اسلامی شماره 8، تابستان 77 ص 149-152

شورای نگهبان از اصل 99 با اصل 62، مغایرت دارد .

به موجب اصل 62 مجلس شورای اسلامی خودباید معین کنند که داوطلبان نمایندگی از چه شرایطی باید برخوردار باشند و انتخابات چگونه باید معین کنند که داوطلبان نمایندگی از چه شرایطی باید برخوردار باشند و انتخابات چگونه باید صورت پذیرد و همچنین براساس اصل 99، نظارت بر اجرای صحیح قانون مصوب مجلس درخصوص چگونگی انتخابات برعهده شورای نگهبان قرار دارد و آنچه که شورای نگهبان باید استصواب نماید تأیید اجرای قانون ناظر بر کیفیت انتخابات است نه نوع صلاحیت داوطلبان نمایندگی یا احراز برخوردار بودن داوطلبان از این صلاحیت ها و برهمین اساس معتقدین بدین نظریه به چنین نتیجه گیری کرده اند که اصل 62 نه تنها تعیین شرایطی را که داوطلبان نمایندگی باید از آن برخوردار باشند برعهده مجلس نهاده بلکه تعیین کیفیت برگزاری انتخابات را نیز از آن مجلس دانسته است. و به این لحاظ مسئولیت شورای نگهبان منحصرأً محدود در نظارت بر اجرای صحیح قانون مصوب راجع به کیفیت انتخابات است. هرچند که ماده 3 مصوبه مجلس مورخ 62/12/9 و اصلاحیه آن در سال 74، نظارت بر انتخابات مجلس را برعهده شورای نگهبان نهاده و این نظارت را

استصوابی، عام و در تمام مراحل و کلیه امور مربوط به انتخابات جاری ساخته است. برخی به این مسئله که نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و تعیین صلاحیت استصوابی نمی باشد جهت تأیید نظریه خویش به نامه امام راحل خطاب به فقهای شورای نگهبان اشاره می کنند: ایشان در آن نامه فرموده اند: حضرات فقهای شورای نگهبان دامت افاضاتهم.

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما و تمامی آنانی که قلبشان برای پیروزی اسلام می تپد. گاهی دیده می شود که بعضی از آقایان محترم درمسائلی وارد می شدند که موجب وهن شورای نگهبان است فقهای محترم باید توجه داشته باشند که نباید در مسائلی که مورد درگیری است وارد نشوند. ازباب مثال درشان شورای نگهبان و حتی خودحضرت آقای خزعلی نیست که با افراد مختلف تندی کند. اینکه دیگر روشن است که روی منبر و یا هر کجا حرام است به مسل مانی نسبت کمونیستی داد. به فرض که ایشان بگویند من نسبت ندا دم ولی این را که معترفند که گفته اند و می گویند آقای سلامتی کمونیست است آیا توهین و گناه بزرگ از شخصی که عضو شورای نگهبان است آنهم به مسلمانی که نماینده مردم تهران است شرعاً چه صورتی دارد. مادامی که شما اینگونه عمل می کنید بازهم

توقع دارید جوانان انقلابی نیز احترام شما را بگیرند. آیا شخصی که می آید نزد شخصی که می آید نزد فقهای شورای نگهبان و می گوید. اگر گناهی هم کرده ام توبه می کنم. راه درستی رفته است یا کسی این توبه را به عنوان ضعف یک نماینده نقل می کند که بحث بر سر خوبی و بدی نمایندگان و سایر افراد نیست بحث بر سر گناه و کج رفتن است همه باید توجه کنیم که آلت دست با زیگران سیاسی نشویم. شما نگوئید آنها به ما بد می گویند و ما با این صحبت ها جواب آنها را می دهیم. آنها که به شما بد می گویند، پست مقدس شورای نگهبان را ندارند شما درمکانی نشسته اید که باید خیل مسائل را با سکوت و متانت خویش حل کنید حواستان را جمع کنید که نکند یک مرتبه متوجه شدید که انجمن حجتیه این ها همه چیزتان را نابود کرده اند. من به شما آقایان علاقمند ولی لازم می دانم گاهی که مسئله را ببینم تذکر دهم.¹

گروهی دیگر مسئله نظارت و رسیدگی شورای نگهبان به صلاحیت داوطلبان انتخابات را چنین تبیین می کنند که اگر به فل سفه وضع نظارت برای یک مقام نظارتی خارج از قوه مجریه توجه کنیم، اولین مسئله ای که

¹ - مجموعه مقالات نظارت استصوابی، ص 347

به ذهن متبادر می‌شود این است. که این کار برای کم کردن سیطره و اقتدار مقامات اجرایی دران انتخابات است تا بتوان از این طریق ، انتخاباتی سالم تر برگزار کرد و نهایتاً منتخب یا منتخبین مردم در ایفای وظایف خود ، تحت نفوذ فرد یا جریانی قرار نگیرند و این هیأتها را نهاد اجرایی بیشترین عرصه و قلمرو را برای دخالت در انتخابات و تأثیر گذاری در نتیجه آن را دارند . و از طرف دیگر از آنجا که تشخیص صلاحیت داوطلبان انتخابات از مهم ترین مراحل یک انتخابات است که در آنجا بخش قابل توجهی از سرنوشت نهایی داوطلبان مشخص می‌شود، به نحوی که رد صلاحیت داوطلبان نه تنها آنها را از گردونه انتخابات خارج کرده بلکه زندگی سیاسی و اجتماعی اشخاص داوطلب را به شدت تحت تأثیر قرار داده و از این رهگذر موجبات تضییع گسترده حقوق افراد را فراهم می‌کند و همچنین تأیید صلاحیت اشخاص فاقد صلاحیت نیز موجب راهیابی اشخاص نالایق به مرکز قانون گذاری یا مقامات بالایی اجرایی خواهد شد و بدیهی است که این امر چقدر برای کشور زیان بار باشد . و بدین جهت عقل حکم می‌کند که سرنوشت مهم ترین بخش یک انتخابات را ب دست کسانی بسپاریم تا ضریب خطای اجرای انتخابات را به حداقل برسانند و

بدین لحاظ تحقق این امور با دادن نظارت استصوابی به ناظران انتخابات میسر می‌باشد .

این نظارت شامل عمل مقامات اجرایی در تشخیص صلاحیت داوطلبان نیز می‌باشد و شورای نگهبان برای نظارت بر عملکرد هیأت‌های اجرایی، موظف است که کلیه اعمال آنان را تشخیص صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات را تأیید و تصویب کند و این تأیید عمل مجریان ملازم رسیدگی مجدد و تشخیص صلاحیت داوطلبان، البته این بار در شورای نگهبان می‌باشد. و بدین جهت با صراحت می‌توان گفت که رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی اعمال نظارتی شورای نگهبان محسوب می‌گردد.

در این خصوص حضرت آیت ا... امینی، مرجع تعیین یا رد صلاحیت داوطلبان در خصوص نظارت بر انتخابات این چنین تبیین می‌فرمایند که: (در اصل مذکور اصل 99) نظارت بر صحت (انتخابات مجلس خبرگان) بر عهده شورای نگهبان نهاده شده و معلوم است که تأیید صلاحیت داوطلبان مهم ترین مرحله نظارت بر صحت انتخابات است. بنابراین نمی‌توان بر عهده نهاد دیگری قرار داد.¹

¹ - آیت الله امینی (مقررات و عملکرد مجلس خبرگان ص 115)

معتقدی به این نظریه در تبیین دیدگاه های خویش استدلال می کنند که تنها حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علی ه) با نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات و مسئله تعیین صلاحیت ها مخالف نبوده بلکه در زمان ایشان حداقل در چند مقطع چنین نظارتی اعمال شده است مثلاً در سال 58 آقای موسوی خوئینی ها از طرف امام مسئولیت اعمال نظارت استصوابی در تأیید یا رد صلاحیت نامزد های ریاست جمهوری را بر عهده داشته که از این طریق خیلی ها را نیز رد صلاحیت کردند (در آن زمان هنوز شورای نگهبان تشکیل نشده بود).

یا در سال 60 نیز در جریان انتخابات، بسیاری از کمونیست ها و بسیاری از کسانی که به اسلام اعتقاد نداشتند. با اعمال نظارت استصوابی رد صلاحیت شدند. در سال 62 نیز عده دیگری رد صلاحیت شدند و مؤید این مطلب ماده 3 قانون انتخابات مصوب سال 62 در زمان رهبری امام راحل می باشد که این مسئله نظارت شورای نگهبان عام و در همه زمینه ها می باشد، به صورت قانون درآمده و اعمال گردید.

پیرامون مستند تأیید یا رد صلاحیت در طول سالهای گذشته بعد از اعتراضات مشکلاتی که در طول انتخابات های مختلف پیش آمد و پس از کش و قوس های

فراوان بالاخره قانون در تاریخ 78/8/22 به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید به موجب آن کلیه مراجع رسیدگی کننده ی صلاحیت داوطلبان در انتخابات مختلف به استثناء انتخابات مجلس خبرگان موظفند صرفاً بر اساس مواد قانونی و بر اساس دلایل و مدارک معتبر که توسط مراکز مسئول قانون به مراجع اجرایی و نظارتی ارسال شده است، به بررسی صلاحیت داوطلبان بپردازند و چنانچه صلاحیت را رد کنند باید علت رد صلاحیت را با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب ابلاغ نمایند.

در این مبحث سعی شد به طور کلی به مسئله تعیین و تشخیص صلاحیت و چگونگی نظارت شورای نگهبان در این خصوص پرداخته و دیدگاه های مختلف پیرامون این مسئله بیان گردد و در ادامه تحقیق به طور مجزا در خصوص هر انتخابات مسئله تشخیص و تعیین صلاحیت ها با توجه به قوانین مربوط تبیین خواهد گردید.

لذا می بینیم که در اینجا از نظارت صحبت شده ولی هیچ ذکری از استصوابی بودن آن به میان نیامده است و دلیلی بر اینکه نظارت استصوابی باشد، از مفاد این اصل برنمی آید. پس چگونه است نظارت شورای نگهبان در حال حاضر استصوابی می باشد؟

ادله متعددی در پاسخ به این اشکال اقامه شده، از جمله این که:

اول: از اصل 99 قانون اساسی اینطور برمی آید که کلمه‌ی (بر عهده دارد) بیان کننده حق مسئولیت است. یعنی قانون اساسی وقتی می گوید شورای نگهبان نظارت را بر عهده دارد یعنی مسئولیت این نظارت کاملاً بر عهده شورای نگهبان است بنابراین، این نظارت باید ضمانت اجرا نیز داشته باشد. در نتیجه نظارت در اینجا نباید صرف اطلاع محض باشد. بلکه باید استصوابی باشد.

دوم: حقوقدانان می‌گویند که هر گاه در یک عبارت حقوقی لفظ عامی بدون قی د و شرط آورده شود عام بودن و قید و شرط نداشتن آن لفظ، مطلق بودن آن را می‌رساند. لذا از آن جایی که در این اصل، نظارت به صورت عام بیان شده و قید استطلاعی و یا استصوابی بودن آن ذکر نگردیده، نشانگر مطلق بودن آن است، لذا نظارت در این امر نظارت استصوابی است.

سوم: مطابق اصل 98 قانون اساسی که ابهام یا ابهاماتی وجود داشته باشد، مرجع تفسیر، شورای نگهبان است و شورای نگهبان هم مطابق اصل 98 قانون

اساسی ، اصل 99 را تفسیر کرده و اینطور بیان می‌دارد که این نظارت استصوابی است.

چهارم : در قانون اساسی تنها مرجعی که بر نظارت بر انتخابات شناخته شده ، شورای نگهبان است و این خود دلیل عام و در همه ابعاد بودن نظارت شورای نگهبان یعنی استصوابی بودن آن است.

استدلال دیگر این است که اگر این نظارت موضوع اصل 99 قانون اساسی، استطلاعی (که در حقیقت یک کسب اطلاع و مشاهده بیشتر نیست) می‌بود، دیگر آیا آنقدر با اهمیت بود که قانون گذار، آن را در قالب یکی از اصول قانون اساسی قرار دهد؟ ! و آیا کافی نبود که از طریق قوانین عادی تصریح شود؟!

ششم : دلیل دیگر وحدت سیاق است . بدین صورت که ما در همه جای قانون اساسی هنگامی که بحث از برگزاری انتخابات از سوی وزارت کشور را می‌بینیم به نظارت شورای نگهبان نیز اشاره شده است . و در هیچ جای قانون اساسی نیست که از اجرای انتخابات به وسیله وزارت کشور صحبت شده باشد و در کنار آن مطلبی از نظارت شورای نگهبان نباشد و خود این امر، دلیلی بر نظارت مطلق و عام و استصوابی شورای نگهبان است که همه مراحل و مقاطع انتخابات را در بر می‌گیرد.

هفتم : سرانجام دلیل دیگری که اقامه شده این است که : در صورتی که نظارت از نوع استطلاعی بود بیشتر قابل اشکال و تشکیک و ایراد می‌بود، زیرا در آن موقع حقوق‌دانان می‌توانستند اشکال کنند که اگر این نظارت هیچ ضمانت اجرایی ندارد پس فایده آوردن آن در قانون اساسی چه بوده است؟

«بر نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات اشکالات متعددی گرفته شده است از جمله :

- 1- اینگونه نظارت ، دخالت در رأی مردم است.
- 2- نقض حاکمیت ملت است.
- 3- اعلام قیومیت عده‌ای خاص بر اکثر مردم است.
- 4- اهانت به مردم است (زیرا مگر مردم ص فیه یا مجنون هستند که خود نتوانند مصالح خود را تشخیص دهند).
- 5- اینگونه نظارت مختص کشور ایران می باشد و در سایر کشورها اعمال نمی شود.¹»

مبحث دوم : ایراد به ، استعمال دو واژه استصواب و استطلاع در بحث انتخابات

¹ - مرندی، محمد، «نظارت استصوابی» (تهران ،نشر افکار، چ اول زمستان 1378) ، ص 57

واژه استصواب از کلمه صواب به معنی درست و نیکو و رشد می آید . که معنی طلب خیر و تشخیص خیر و صلاح، پسندیدن و خیرخواهی کردن و کار درست را دیدن و تشخیص دادن است . و اصولاً در کاربرد درستش باید در مورد افراد نابالغ، فاقد عقل یا ضعیف العقول و افراد صغیر و بی سرپرست به کار برده شود و به عبارت دیگر کاربرد اصلی آن در حقوق خصوصی است ولی به نظر می رسد که نظارت بر انتخابات از مقوله نظارت یاد شده نباشد . اداره یک کشور از مقوله اداره اموال نیست که مالک اختیار مطلق داشته باشد که هر چه را که در مصلحت امور خویش تشخیص می دهد انجام دهد. حکومت ناشی از رأی مردم است که از طریق انتخابات تظاهر می یابد. رأی دهنده مردم و برگزار کننده انتخابات دولت، حکومت خدمت گذار مردم است، مبعوث مردم است و طبیعتاً دوام حکومت او مستلزم استمرار رضایت ، اراده و رأی آزاد مردم خواهد بود.

انتخابات تجلی گاه اراده و رأی مردم است و بدین دلیل باید عمومی و آزاد باشد و بدون تقلب برگزار شود . انتخابات هنگامی عمومی و آزاد است که شهروندان بتوانند در آن آزادانه، به عنوان انتخاب کننده یا انتخاب شونده ، شرکت کنند و به فعالیت و

مبارزه بپردازند. شورای نگهبان به عنوان یک نهاد مستقل از قوه مجریه بر صحت و سلامت انتخابات نظارت می کند تا قوه مجریه حقوق داوطلبان نمایندگی ملت را پایمال نکنند بدین ترتیب شورای نگهبان حکم داور بین حکومت و ملت را دارد. در هر حال به نظر می رسد که به کارگیری اصطلاح استصواب و استطلاع در مورد انتخابات درست نباشد. چون به این ترتیب شاید به ذهن خطور کند که این اعضای شورای نگهبان هستند که باید خیر و صلاح شهروندان را روشن کنند و ممکن است که حق انتخاب را از آنها به دلیل داشتن کرامت الهی که اختیار ناشی از آن کرامت است سلب کنند و نافی حق انتخابات و اختیار الهی و خداوندی انسان ها گردد.

روح و لفظ قانون اساسی مبتنی بر حاکمیت ملت و شرکت یکایک مردم در اداره امور کشور است و نظارت استصوابی به معنی تشخیص دهنده صواب از ناصواب و تصاحب حاکمیت و دخالت مستقیم عده معدود در سرنوشت ملت می باشد. گروهی مصلحتی که فقط خودشان می دانند و با اسنادی که خودشان اطلاع دارند هرکس را بخواهند تأیید و یا رد صلاحیت می کنند این روشن ترین شکل تصاحب حاکمیت مردم است و بی تردید بر خلاف قانون اساسی است و مانع مشارکت مردم در اداره

امور و موجب سلب اعتماد از انتخابات و عامل عدم مشارکت و یا حداقل کاهش مشارکت است.

حال باید دید راه حل چیست؟ اصل جمهوریت نظام ، شهروندان را به جهت شهروند ی دارای حق تعیین سرنوشت می داند. اصل 56 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور صریح و مؤکد انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است به طوریکه هیچ کس نباید این حق را سلب یا در خدمت منافع جناحی و گروهی قرار دهد هدف عمده و اساسی نظارت این است که جلوی تعدی و تجاوز و ستم قوه مجریه را نسبت به انتخاب شوندها و انتخاب کنندگان بگیرد . بنابراین نظارت شورای نگهبان نه می تواند استصوابی باشد و نه اطلاعی بلکه باید نظارت را قانونی و مستند به قانون بنامیم.¹

«هدف قانونگذار اساسی آن است که شورای نگهبان را به عنوان مقام ناظر بی طرف، با تطبیق مشخصات داوطلبان با شرایط انتخاب شدن در اجرای آن و با نظارت بر جریان انتخابات و حصول اطمینان از درستی و عدم فساد و ساز و کار انتخاباتی و تأیید صحت برگزاری انتخابات و اعلام نتیجه آن، تضمین کننده

¹- هاشمی ، سیدمح مد ، پیشین، (نشر افکار، چاپ اول ، زمستان ، 78) ص 39 .

یک انت‌خاباتی شایسته باشد تا از غل و غش‌های محتمل در نمایندگی مردم جلوگیری کند بدیهی است که در این نظارت چنانچه شرایط انتخاب شدن داوطلب نمایندگی فراهم نباشد، شورا حق رد صلاحیت آن داوطلب و در صورت اثبات نادرستی انتخابات و اعلام نتیجه آن حق ابطال آن را خواهد داشت. در این صورت اقدام مذکور به منزله یک عمل قضایی خواهد بود که شورای نگهبان، همانند یک دادگاه اقدام به رسیدگی و مستدل و مستند به مواد قانونی مبادرت به صدور حکم می‌نماید، بدون آن که صلاحدید و مصلحت‌اندیشی اعضای شورا در آن دخالتی داشته باشد. این چنین نظارتی را که شبیه نظارت شورای قانون اساسی فرانسه بر صحت انتخابات است می‌توان نظارت انضباطی نامید.»

بدین ترتیب نقطه نظر های یک سویه و افراطی که در دو سوی نظارت واقع شده نمی‌تواند مورد تأیید اندیشه ورزان نیز قرار گیرد. در نهایت نتیجه ای که در این باره باید گرفت بدین شرح می‌باشد:

نهادینه کردن شورای نگهبان و اثبات نظارتی که مقبول عام است که موجه‌گزینی بشود. بنابراین عملکرد فردی هر یک از اعضای محترم شورای نگهبان قانون اساسی و نیز عملکرد جمعی ایشان باید بر

اساس وظایف و مقررات و باشد و در جهت نهادینه شدن شورای نگهبان و اثبات نظارتی که مقبوله عامه است ، باشد.

مبحث سوم : نظارت شورای نگهبان بر امر انتخابات و همه پرسی از دیدگاه قانون

رئیس جمهور نشانه اقتدار یک نظام در صحنه داخلی و بین المللی می باشد و به عنوان فردی که مسئولیت بخش عظیمی از یک مملکت را برعهده دارد و در گиро دار و پیچ و خمهای اداره یک کشور است تا اینکه کشتی بزرگ یک کشور را سکانداری بکند و تمام دغدغه او و خدمه این کشتی رساندن به سر منزل مقصود و هدفی است که به عنوان آرمان آن ملت شناخته است و به آن احترام وارج می نهد، طبعاً رسیدن به چنین مقامی همت بالائی را طلب می کند در پیش نویس قانون اساسی در باره اهمیت قوه مجریه آمده است . «قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسأله حیاتی درز مینه سازی وصول به هد ف نهائی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد نتیجتاً محصورشدن

درهرنوع نظام دست و پا گیر پیچیده که وصول به این هدف را دشوار کند و یا خدشه دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد بدین جهت بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزونتر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید. «

با توجه به این غایت و هدف است که کسانی که بخواهند مسئولیت این امر خطیر را برعهده بگیرند باید از وجهه سیاسی و مذهبی بالائی برخوردار باشند. قانون اساسی در اصول متعددی به مسئله انتخاب ریاست جمهوری پرداخته است. مطابق اصل یکصد و چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رئیس جمهور برای مدت چه ار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

مطابق اصل یک صد و سیزدهم قانون اساسی پ س از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود را برعهده دارد. اصل صد و پانزدهم در مورد شرایط انتخاب شندگان ریاست جمهوری می‌گوید: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط

زیر باشد انتخاب گردد. ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور»

اصل یکصد و شانزدهم مقرر میدارد که نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند. بنابراین با توجه به اینکه رئیس جمهور دومین مقام کشور می باشد و با عنایت به اینکه رئیس جمهور از طریق انتخابات مردمی انتخاب می گردد ضرورتاً در این میان برای اینکه در امر انتخابات جلوی سوء استفاده ها گرفته شود. همچنین برای اینکه شرایط داوطلبان مورد رسیدگی قرار بگیرد و بتواند بر امر انتخابات نظارت و مراقبت کند لازمه چنین امری وجود یک مقام یانهاد رسمی و بی طرف است که باید در پی حمایت از حقوق شهروندان اعم از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان باشد. به عبارتی فلسفه وجودی نظارت هم جنبه پیشگیری از تخلفات و سوء استفاده ها را دارد و هم جنبه پیگیری تخلفات و سوء استفاده را دارد. اصل یکصد و هجدهم مؤید همین مطلب است که می گوید: مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل

نودونهم بر عهده شورای نگهبان است ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان برعهده انج من نظارتی است که قانون تعیین می کند . همانطور که قبلاً ه م ملاحظه شد اصل نودونهم مقرری داشت : که شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری ، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد و ماده هشت قانون انتخابات ریاست جمهوری میگوید:

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری به عهده شورای نگهبان می باشد. این نظارت عام و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

اما باید بین نظارت با دخالت و نظارت با اجرا فرق گذاشت . لازمه چنین کاری تفکیک کامل بین این امور می باشد. برای عمل به این نکته باید چارچوب قانون را در نظر گرفت، قانونی که گزینش گری آخر را بر عهده مردم قرار می دهد و قانونی که شرایط و مقررات آن ابهام کلی نداشته باشد و بین وظایف اجرایی و نظارتی تفکیک کامل انجام گیرد، و همچنین در آن به تأمین امنیت حقوق انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان عنایت شود، و در رابطه با رسیدگی به صلاحیت داوطلبان باید نهایت دقت را انجام داد تا اینکه اسباب تضییع حقوق شهروندان فراهم نگردد. و

باید مراتب رد صلاحیت را به داوطلبان اعلام کرد تا کاندیداها در جریان امر قرار بگیرند آنچه که در نظارت باید مد نظر باشد این است که حرف اصلی و آخر را در انتخابات ملت می‌زنند.

امام خمینی (ره) قائل به این نکته بوده اند که جمهوری اسلامی حکومتی متکی به آراء عمومی است و همچنین تصمیمی بدون مشورت گرفته نمی‌شود و سرنوشت هر ملتی در دست خویش است . امیرالمؤمنین نیز می‌فرمایند: ای مردم این امر (حکومت) امر شماست، هیچ کس به جز کسی که شما او را امیر خود گردانید حق امارت بر شما را ندارد . آگاه باشید که من جز کلیددار شما نیستم . بنابراین نکته آخری که در مورد نظارت باید گفت این است که در امور مهم و جاری مملکت آنچه که باید ملاک باشد سروری و بزرگی ملت است. یعنی آنچه و آن کس که حرف آخر را می‌زند عموم مردم هستند و هیچ کس نباید خود را در مقامی ببیند که این اختیار و تصمیم مردم را محدود و مخدوش بکند ، آنچه که ملاک و میزان است رأی ملت است.

فصل دوم: مراحل نظارت شورای نگهبان بر

انتخابات مختلف

مبحث اول: تشکیلات نظارت بر انتخابات ریاست

جمهوری

نظارت شورای نگهبان بر انتخابات تا آن حد اهمیت داشته که در قانون اساسی تصریح شده است. (اصول 99 و 118) این نظارت نه قابل تغییر و تبدیل است نه قابل انتقال، تمام مراحل انتخابات را از ابتدا تا انتها در بر می گیرد. انجام چنین کاری نیاز به تشکیلات دارد.

اول - هیأت مرکزی نظارت:

شورای نگهبان قبل از شروع انتخابات دو نفر از اعضای خود و پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن سابقه را با اکثریت مطلق آرای اعضای شورای نگهبان به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و سه نفر را به عنوان عضو علی البدل انتخاب و به وزارت کشور معرفی می نماید.¹

هیأت مرکزی نظارت بر کلیه مراحل انتخابات و جریانهای انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور

¹- ماده 2 قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری

وهیأت‌های اجرایی که در انتخابات مؤثر است و آنچه مربوط به صحت انتخابات می‌شود نظارت خواهد کرد.¹

هیأت مرکزی نظارت در واقع پل ارتباط بین شورای نگهبان با هیأت‌های نظارت در شهرستانها و همچنین بین شورای نگهبان با وزارت کشور می‌باشد لذا به همین خاطر شورای نگهبان می‌تواند محل کار هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات را در وزارت کشور قرار دهد. آنچه که ملاحظه شد این است که هیأت مرکزی نظارت وظیفه اصلی نظارت را برعهده داشته و این امر تا دامن هر چه که مربوط به صحت برگزاری انتخابات هست را در بر می‌گیرد. تمام گزارشات ناظرین به هیأت مرکزی نظارت ارسال می‌شود و این هیأت می‌توند رافع مشکلات و معضلات پیش آمده باشد اما تنها کاری که نمی‌تواند انجام بدهد توقف یا ابطال انتخابات است. زیرا در هر حال توقف یا ابطال انتخابات از اختیارات شورای نگهبان است اما نظرشورای نگهبان باید هم‌راه با مدارک وسند باشد. و وظیفه هیأت مرکزی این است که باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن انتخابات را برای بررسی و اتخاذ تصمیم به شورای نگهبان بفرستد در هر حال مسئولین نظارت در کار عوامل اجرایی نباید

²- ماده 4 همان قانون

مداخله کنند چون برطبق قانون در هر مورد که ناظرین در امر برگزاری سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند کتباً تذکر خواهند داد . و فرمانداران و بخشداران موظفند بلافاصله براساس قوانین مربوطه نسبت به رفع اشکالات مطروحه اقدام نمایند و چنانچه مسئولین وزارت کشور نظرات آن را ملحوظ ندارند ، ناظرین تنها مراتب را به هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان گزارش خواهند کرد.¹

به این ترتیب هیأت مرکزی نظارت در همه اموری که مربوط به نظارت بر امر انتخابات وصحت برگزاری آن است نظارت خواهد کرد . علاوه بر رسیدگی به گزارشات ناظرین ، در مواردی که بین هیأت اجرایی و ناظرین در مرکز شهرستان بر سر غیر قانونی بودن انتخابات در یک یا چند صندوق شعب رأی اختلاف نظر پیش آید مراتب به هیأت مرکزی نظارت ارجاع خواهد شد .

در نهایت نظراین هیأت با تأیید شورای نگهبان

قطعی و لازم الاجرا است .²
همچنین از وظایف این هیأت این است که فرمانداران باید آگهی های منتشره در شهرستان را از طریق وزارت کشور به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ارسال دارند.³

¹- ماده 6 همان قانون

²- ماده 10 همان قانون

³- ماده 46 قانون انتخابات ریاست جمهوری

دوم: هیأت نظارت شهرستان و ناظران شعب:

قبل از شروع انتخابات ، هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باید برای هر شهرستان ناظر یا ناظرینی... جهت نظارت بر انتخابات تعیین کند.¹

این ناظرین باید دارای شرایطی باشند که این

شرایط در ماده 2 قانون نظارت شورای نگهبان

برانتخابات ریاست جمهوری آمده است که عبارتند: از

افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد دارای حسن

سابقه. در مورد انتخاب ناظرین شورای نگهبان در هر

مورد که لازم بداند می تواند تمام یا برخی از

ناظرین رامستقیماً انتخاب نماید.²

در مورد اینکه هیأت‌های نظارت چگونه ناظر یا

ناظرین شعب را تعیین و یا از بین خود یک نفر را به

عنوان رئیس انتخاب و مسئله رأی گیری اخذ رأی و

برکار هیأت‌های اجرایی چه قبل از شروع اخذ رأی و چه

بعد از آن تا گزارش به مقامات بالاتر به خوبی یا

دو سلاح تذکر و گزارش در صورت مشاهده تخلف یا سوء

جریان به نظارت می پردازند. این هیأت‌ها نیز

می توانند محل کار خود را در فرمانداریها و

بخشداریها قرار دهند نماینده یا نمایندگان هیأت

شعبه مربوط تعداد صندوقها و خالی بودن آنها را

⁴- ماده 5 قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری.

¹- تبصره ماده 5 قانون نظارت شورای نگهبان برانتخابات ریاست جمهوری.

گواهی نمایند و در صوتی که در جریان رأی‌گیری نیاز باشد که صندوقی را اضافه نمایند باید به همین ترتیب عمل نموده و صورتجلسه گردد.¹

همچنین پس از پایان انتخابات صورت جلسه نتیجه انتخابات با امضای هیأت اجرایی شهرستان و هیأت نظارت بر انتخابات شهرستان در چهارنسخه تهیه می‌شود که یک نسخه نزد هیأت اجرایی می‌ماند و بقیه برای هیأت نظارت بر انتخابات مزبور و وزارت کشور و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ارسال می‌شود.²

در شعب اخذ رأی بعد از پایان اخذ رأی نسخه ای از نتیجه انتخابات در اختیار نماینده هیأت نظارت قرار می‌گیرد.³

سوم: هیأت اجرایی:

بعد از دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور در سطح شهرستان و بخش‌های هشت نفره اجرایی تشکیل می‌شود با توجه به اینکه هیأت نظارت در این مورد نقش مهمی (تأیید کننده) را دارند. بنابراین

²- ماده 29 قانون انتخابات ریاست جمهوری، انتشارات ریاست جمهوری.

³- ماده 32 همان

⁴- بند 3 ماده 36 آئین نامه اجرائی قانون انتخابات ریاست جمهوری

لازم است درباره چگونگی تشکیل این هیأت‌های اجرایی مطالبی در این قسمت بیان گردد . بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرماندار تشکیلی هیأت‌های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف سه روز هیأت اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و هشت نفر از معتمدین تشکیل دهد در شهرستان و بخش‌های که شورای اسلامی شهرستان یا بخش تشکیل شده است یک نفر از اعضای شورا به انتخاب شورا ، یکی از هشت معتمدین مذکور خواهد بود.¹ سی نفر از معتمدین با تأیید هیأت نظارت و دعوت کتبی فرماندار ظرف دو روز از تاریخ دعوت، تشکیل جلسه داده و پس از حضور حداقل دو روز از تاریخ دعوت، تشکیل جلسه داده و پس از حضور حداقل دو سوم مدعوین (20 نفر) در حضور هیأت نظارت از بین خود یا خارج از 8 نفر را (در صورت عدم وجود شورا) به عنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدین علی‌البدل هیأت اجرایی با رأی مخفی و اکثریت نسبی آراء انتخاب می‌نمایند.

¹ - ماده 38 همان قانون.

تعداد اعضای هیأت‌های اجرایی شهرستان و بخش و کیفیت و مهلت تشکیل آن ها یکسان است از شرایط معتم — دین این است که این معتمدین باید دارای ایم — ان و التزام عم — لی به اس — لام و قانون اساسی و حسن شه رت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه‌های غیر قانونی نباشند.¹

وظیفه این هیأت ها اجرای دقیق موازین قانونی و همچنین همکاری با هیأت های نظارت و همه کسانی که به نحوی با امر انتخابات ارتباط دارند، می‌باشد اما نکته ای که در باره انتخاب معتمدین به ن ظر می‌رسد این است که انتخاب این معتمدین در جهت هر چه مردمی تر کردن انتخ — اب — ات باشد. اما همان طوری که ملاحظه شد عوامل اجرایی نقش به سزایی در تأمین این معتمدین دارند که این می تواند در بی طرفی این معتمدین خدشه وارد کند. به عبارت واضح تر درست است که این عده از مردم انتخاب شده اند اما نکته ای که هست این که توسط مردم انتخاب نشده اند برای احتراز از چنین کاری به نظر می‌رسد با توجه به این که بخش‌ها و شهرستان‌ها برای خودشان دارای شورا می‌باشند به نظر می‌رسد که بهتر باشد که

² - ماده 39 و تبصره 1 و 3 آن از همان قانون.

انتخاب این معتمدین را در اختیار شورای محلی قرار بدهند. می‌تواند در مردمی‌تر کردن آن کمک شایانی بکنند. برای این که انتخابات جنبه فراگیر داشته باشد درست است که شرکت مردم نق‌ش عمده‌ای را دارا می‌باشد اما بـرای شرکت گسترده و پـر بار همین مردم باید امکانات لازم جهت شرکت در انتخابات به خوبی فراهم گردد تا در این رابطه افراد برای رأی دادن به زحمت و مشقت نیفتند. لذا در راستای همین فلسفه باید برای مناطـق دور دست و هـمچنین برای تشکیل سایر شعب اخذ رأی در سطح شهرستان و بخش اقدامات لازم به عمل آید. اما آنچه را که هیأت‌های اجرایی باید رعایت کنند این است که هر دو این موارد باید با تأیید هیأت نظارت انجام گیرد. هیأت‌های نظارت نـظربـر اعمال هیأت‌های اجرایی می‌باشند. به عبارتـی هدف تشکیل این هیأت‌های نظارت، دقت در اجـرای دستورات قانون توسط هیأت‌های اجرایی و اعضای شعب ثبت نام و اخذ رأی می‌باشد. و اگر تخلفات و سوء جریاناتی در امر برگزاری مشاهده کرده اند نسبت به رفع آن به فرماندار یا بخشدار یا به رؤسای شعب مربوط تذکر بدهند.

اگر در مواردی که ناظر -رین در مرکز شهرس-تان و بخش‌های تابعه نتایج انتخابات یک یا چند صندوق شعب اخذ رأی را منطبق با قانون تشخیص ندهند موضوع را با ذکر دلیل در هیأت اجرای محل مطرح خواهند کرد، در صورتی که هیأت اجرای -ی مذکور نظر آنان را نپس-دیرد، مراتب به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری ارجاع خواهد شد و نظر این هیأت با تأیید شورای نگهبان قطعی و لازم الاجرا است.¹

همچنین هیأت‌های اجرایی موظفند یک نسخه از صورت جلسه اقدامات خود را به ناظر یا ناظرین تسلیم نمایند. در مواردی که امضای هیأت‌های اجرایی در قانون انتخابات پیش‌بینی شده است امضای ناظر یا ناظرین نیز لازم است.²

مبحث دوم: در شرایط انتخاب شونده‌گان و اعلام

داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت آن‌ها:

طبق اصل یکصد و سیزدهم پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالیت‌ری-ن مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه راجز اموری

¹- ماده 10 قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری.

²- ماده 11 همان.

که مستقیم —اً به رهبری مربوط می شود برعهده دارد .
 طبعاً مقام بالای ریاست جمهوری و نقش مهم آن در
 سرنوشت مملکت افراد برجسته ای را طلب می کند . یعنی
 انسانهایی که در یک نظام مکتبی دارای خصلت مردمی
 بودن و دین داری باشند تا بتوانند به این مقام
 برسند در این راه انتخاب کنندگان باید نهایت دقت
 را به عمل آورند چون در غیر این صورت ضرر بس یار
 زیادی بر بدنه مملکت وارد خواهد آمد، به خاطر خطیر
 بودن این مقام ، مردم کسانی را مورد توجه و عنایت
 خود قرار می دهند که در نزدش —ان دارای وجهه ای بالا
 و عالی باشند . به عبارتی چنین شخصی باید از خود
 برجستگی خاص بروز دهد تا مردم به او اطمینان بکنند
 البته افراد بسیار زیادی هم داوطلب می شوند
 مثلاً در دوره های قبل ریاست جمهوری حدود سیصد و چند
 نفر خود را داوطلب معرفی کردند که در این رابطه
 شورای نگهبان تعداد آنها را تقلیل داد که ای —ن
 خود مؤی —د نق —ش بسزای این شورا در رس —یدگی به
 صلاحی —ت داوطلبان می باشد اینکه شورا بر اساس چه
 معیارهایی اقدام به رسیدگی به صلاح ی —ت می کند
 در ادامه خواهد آمد .

بند اول — شرایط انتخاب شوندگان:

اصل یکصد و پانزدهم قانون اساسی در این مورد مقرر می‌دارد که: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند . انتخاب گردد : ایرانی الاصل ، تابع ایران ، مدیر و مدبر ، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور».

همچنین ماده سی و پنجم قانون انتخابات ریاست جمه‌وری بی‌ان می‌دارد که انتخ‌اب‌شون‌دگان‌هن‌گام‌ثبت‌نام‌باید‌دارای‌شرایط‌زیر‌باشند :

- 1- از رج‌ال‌مذهبی‌وس‌یاسی 2- ای‌رانی الاصل 3- تابعیت‌کش‌ور‌جمهوری‌اس‌لامی‌ای‌ران 4- مدیر و مدبر
- 5- دارای حسن سابقه و امانت و تقوی 6- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

در ذیل به بررسی هریک از شرایط مقرر در قانون می‌پردازیم .

1- از رجال مذهبی و سیاسی:

الف - رجال : اصل یکصد و پانزدهم عنوان «رجال مذهبی و سیاسی» را بکاربرده است این اصطلاح از یک سو ممکن است صرف‌نظر از جنسیت (زن یا مرد) معنای اعتباری شخص‌یته‌ای سیاسی و مذهبی را متبادر به ذهن سازد اما از نظر لغوی « رجال » به معنای

«مردان» حکایت از آن دارد که داوطلبان ریاست جمهوری حتماً باید از میان مردان باشند. به عبارت واضح تر کلمه رجال در لغت به دو معنی استعمال می‌شود. یکی به معنای «مردمان بزرگ و نامدار و مشهور و شاخص» و دیگری جمع «رجل» و به معنای مردان در مقابل «نساء»¹.

پس هرگاه مفهوم لغوی اول برای رجال در نظر گرفته شود در این صورت زنان حق انتخاب شدن به ریاست جمهوری ایران را خواهند داشت زیرا در این مفهوم منظور از «رجال مذهبی و سیاسی» شخصیتهای مذهبی سیاسی اعم از مردان و زنان خواهد بود. ولی اگر «رجال» به معنای دوم مورد نظر واقع شود، در این صورت زنان حق انتخاب شدن به سمت مذکور را نخواهند داشت. اما علیرغم اینکه قانون اساسی در این مورد صراحتی ندارد. تفسیر شورای نگهبان در این مورد هرگونه ابهام را از میان برداشته و معنی دوم را تأیید نموده است. یعنی زنان حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را به عنوان انتخاب شونده ندارند اما اینکه فلسفه بکارگیری این اصطلاح چه بوده است خودش قابül توجه می‌باشد. اتفاقاً بهترین و عقلانی‌ترین کار را انجام داده‌اند.

¹ - دکتر معین، همان مأخذ، ص 1639

زیرا هم مس — ئله و مشـکل کوتـاه مدت را مرتفع کرد و هم از طرف دیگر مسـئله را در دراز مـدت بر عهـده ملت گذاشته اند.

با نگاهی به مشروح مذ اکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهـوری اسـلامی متـوجـه میـشویم در آن جا دو دیدگاه مطرح بود:

1- عده ای که قضیه را از جنبه ولایتی آن برر سی می کنند چون در فقه نظری هست که قائل است که زنان نمی توانند به ولایت جامعہ بپردازند . به عبارتی ریاست جمهوری را عین ح کومت و از امور مربوط به ولایت می دانند . و می گفتـند ما مسلمات اسلام را نمی توانیـم کنار بگذاریم و از طرفی نمی خواهیم به خواهران خودمان جسارتی شده باشد . یا حتی از آنها سلب کنیم . در مسأله حکومت ولایت این اشتباه است که ما خیال می کنیم حق است این مسأ له وظیفه ومسئولیت است و مسئولیت بار سنگین است . و چنانچه خدای تعالی به دوش عده ای خاص بگذارد و بر دوش زنان بگذارد . این هتک حرمت به زنها نشده و حقوقی از آنها تضییع نشده است . در فقه اسلام ، مسأله ولایت و قضاوت را گفته اند که مخصوص مردها است . و چون مسئولیت خیلی سنگین است و عواقب زیادی دارد . باید بردوش مردها ق رارداد بعضی ها حتی بصورت افراطی تر

قائل بودند به اینکه بحث از مسئولیت است و این یک بار سنگینی است که اسلام همواره رعایت کرده است چون عاطفه و احساسات در زن قوی و عقل کم است روی این اصل خواسته است حکومت و قض-اوت در اسلام به زن-ن-رسد و این از مسلمات فقه اسلام است واصل قیام ما از چهارده قرن قبل روی همین برنامه استوار بوده است مگر مردم ، تاریخ انقلاب را فراموش کرده اند، اصل انقلاب پایه اش روی این بوده است که در اسلام حکومت به زن نمی-رسد. بنابراین اسلام حکومت و قضاوت را از باب اینکه مسئولیت بار است به آنها نداده است.¹

یکی از اعضای آن مجلس می-گویی: «در این اصل 115 قانون اساسی» شرایط کسی را که می-خواهد برای تصدی ریاست جمهوری کاندیدا و نامزدش-ود ذکر می-کند ، اولاً بای-د از جم-له رجال مذهبی و سیاسی باشد . ص-ور و برداشت اولی از این عن-وان این است که بای-د از مشاهیر و معارف مذهب و سیاست باشد معمولاً کلمه رجال مذهبی یا رجال سیاسی به کسانی می-گویند که از شهرت زیادی در این دو بخش برخوردار باشند. در صورتی که مطلب در اینجا به این

¹- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ، جلد سوم امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، آذر 1364 صص 1768 و 1771

صورت نیست ، مذاکرات خبرگان اول قانون اساسی به روشنی نشان می دهد و من خود از نزدیک در متن گفتگو ها بودم که بحث اول مسأله شرط رجولیت بود یعنی رئیس جمهور باید مرد باشد و در سیستم حکومت اسلامی زنان نمی توانند به سمت حاکمیت بخصوص در سطح ریاست جمهوری دست یابند و این امر در بحثهای مبسوط فقهی بیان شده است. اما برای آنکه این مطلب یا تعبیری سنگین تر که س و ژه ای برای دیگران نشود بیان شود . این تعبیر انتخاب شد که رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب شود...»¹

2- دیدگاه دیگری هم وجود داشت که بیان می داشت: که ذکر کلمه مرد بودن ضرورتی ندارد . چه بسا که ه زنها به آن مرحله از تکامل و پویایی برسند . وکالت ملت مطرح است که چه بسا زنان هم بتوانند رئیس جمهور بشوند.²

در اینجا خالی از فایده نمی باشد که به فلسفه بکارگیری اصطلاح رجال کلمه مرد در اصل 115 از دیدگاه آیت الله شهید دکتر بهشتی و در پاسخ به این سؤال که آیا زنان می توانند رئیس جمهور بشوند ،

¹- یزدی ، محمد ، **قانون اساسی برای همه** ، (انتشارات

امیرکبیر، چاپ اول، 1376)، ص 581

²- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی ق 10، ص 1720

بپردازیم، که ایشان به طرز زیبایی بیان می دارند که: «دراینکه خانمها می توانند رئیس جمهور باشند یا خیر، درمیان فقهای چه درمیان مراجع و چه درمیان فقیهان مجلس خبرگان نظر یکسانی وجود نداشت عده ای آنرا منطبق با موازین اسلام می دانستند و عده ای نمی دانستند قانون اساسی ناچار بود مطابق با رأی اکثریت دوسوم کل نمایندگان، که تقریباً به صورت معدل نمایشگر رأی اکثریت دوسوم مردم ما باشند، تنظیم شود تا پشتوانه اسلامی و اعتقادی و دینی آن محکم باشد. و چون رأی نیاورد متن به صورتی تنظیم شد که انشاءالله درآینده اگر این بینشی که می تواند گسترده تر شود. حمایت دوسوم مردم را به دست آورد. آن وقت راه برای این منظور هموار شود.

می دانیم که عملاً و برای مدت طولانی، جامعه ما وقتی می خواهد رأی بدهد و انتخاب بکند، به آن مرحله که خواهری برای تصدی این گونه سمت ها فرصت و رأی کافی بدست بیاورد، نمی رسد.

این مسأله ای است که از نظر زمان با آن روبرو خواهیم بود که اصل به این صورت تنظیم شد. ابتدا اصل را طوری تنظیم کرده بودند که صریحاً می خواست بگوید از نظر اسلام با نوان نمی توانند رئیس جمهور

شوند. که این رأی نیاورد چون آ رای مخالف حتی از
 فقهای حاضر در جلسه زیاد بود. بنابراین به این
 صورت درآمد که قانون اساسی به بن بست کشیده نشود.
 ولی معلوم باشد که این مسأله در روند زمان باید
 همچنان مورد توجه قرار بگیرد و همه خواهران و
 برادران به این اهمیت بدهید که قانون اساسی شما
 قانونی باشد که لااقل از طرف دو سوم مردم — آن
 مورد حمایت قرار گرفته باشد. این خیلی
 مهم‌تر است.

این مطلب را کمی توضیح می‌دهم، سنت بیانگر قرآن
 است، سنت باطل کننده قرآن نیست ولی بیانگر قرآن
 است. در قرآن کریم آیه‌ای که با صراحت امکان ریاست
 جمهوری یک زن را نفی کند نداریم. به همین دلیل
 برخی از صاحب نظران فقیه در مجلس هم این مطلب را
 نمی‌پذیرفتند چند روایت داریم که مفاد آنها
 فرمانروایی و زمامداری را از زن سلب می‌کند. منتها
 این روایات ضد قرآن نیست تا یک باره درباره آنها
 تصمیم بگیرند آنها را کنار بگذاریم. در قرآن مسأله
 نه نفی و نه اثبات می‌شود، یعنی نه در قرآن آیه‌ای
 است که با صراحت و دلالت کافی بگوید — که زن
 نمی‌تواند زمامدار باشد و نه در قرآن آیه‌ای است
 که با صراحت بگوید زن نمی‌تواند زمامدار باشد. اگر

در قرآن آیه صریحی داشتیم — م که می گفت و تصریح می کرد که زن می تواند زمامدار باشد، آنوقت احادیث از اعتبار می افتاد. حدیث مخالف قرآن اعتباری ندارد. ولی وقتی درباره مسئله ای در قرآن باصراحت بحثی نمی شود آن وقت نوبت به روشن گری سنت م می رسد. ما می گوئیم در جامعه زن و مرد وجود دارد. مسلماً و نه منحصرأً، مرد می تواند این سمتها را بپذیرد. برای پذیرش او نه در کتاب معنی است و نه در سنت، به این ترتیب قدر مسلم این است که مرد می تواند این کار را بکند. آنچه در آن سه و ال هست این است که آیا زن مسلمان هم می تواند رئیس جمهور باشد یا خیر؟ چرا این سؤال وجود دارد؟ بدلیل این روایات، قرآن نفی کننده آن نیست در قرآن نسبت به این قسمت، نه راجع به مرد و نه راجع به زن، نصی وجود ندارد. در باره نفی زمامداری مرد مطلبی نیست بنابراین تکلیف مرد روشن می شود. اما راجع به زن، چون بعضی از روایات هست یک سؤال و یک ابهام به وجود می آید که باید آن را فقیهانه روشن کرد. نه با احساسات، که انشالله در آینده برای شورای فقها مسأله حل می شود، براین خود من دلایلی که در روایات آورده می شود که زن نمی تواند زمامدار و رئیس جمهور باشد کافی

نیست. و هی-چ وقت هم کافی نبوده است، از ابت-دا که در این مسأله به صورت بر رسی اجته-ادی تحقی-ق کردم دلایل برایم غیر کافی بوده است. ولی تا این نظر به صورت گسترده مورد قبول تحقیقی دو سوم آراء ملت و فقهای ملت در ییاید و مورد قبول قرار نگیرد برای آن شتابزدگی نکنید. بنابراین عرض من این است که قانون اساسی فعلی، آن-قدر مسلم را گفته است، یعنی رجال سیاسی و مذهبی می-تواند زمامدار باشند و فعلاً راجع به زنان مسأله رامسکوت گذاشته اند، تا وقتی که زمینه فقهاتی گسترده آن بصورت روشن آماده شود، در آن م-وقع می-توان این را مط-رح کرد و به تصویب رساند و به آن مرحله رسید.¹

با توجه به مشروح مذاکر ات مجلس نهایی قانون اساسی و آنچه آورده شد، به نظر هم می-رسد که این مسأله ایست که زمان درباره آن تصمیم قاطعی را که عاقلانه هم باشد. باید بگیرد شاید با روند زمان مسأله ریاست جمهوری زنان در ایران هم مورد توجه قرار بگیرد. در زمان حاض-ر زنان به مسئولیت های بالایی در حد وزارت هم رسیده اند.

ب - مذهب:

¹ - بهشتی، سید محمد حسن، مبانی نظری قانون اساسی، (بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی، چاپ اول، تهران 1377)، ص 33

منظور از مذهبی بودن این است که وی دارای وجهه و شخصیت مذهبی باشد بطوریکه —ه از نظر تحصیلات و معلومات و موقعیت اجتماعی و شیوه زندگی و برخورد، جزء تیپهای مذهبی شم —رده شود. البته منظور این نیست که وی حتماً روحانی باشد یا اینکه درحوزه های علمیه تحصیل کرده باشد بلکه منظور این است که شخص دربین مردم به مذهبی بودن معروف باشد. نمونه عملی آن مرحوم شهید محمدعلی رجایی بودند.

ج - سیاسی :

همچنین منظور از سیاسی بودن این نیست که شخص حتماً باید دارای تحصیلات —ع —الیه در رشته های همچون علوم سیاسی ... باشد، بلکه باید دارای بینش سیاسی باشد و احیاناً در موضع گیریها و تحلیل های سیاسی و در برخورد صحیح با مسائل سیاسی از خود لیاقت و کفایت نشان بدهد. البته شخص هر چه تحصیلات عالیه بالاتری داشته باشد، تبعاً به نفع و استفاده جامعه خواهد بود.

ایرانی الاصل : اصل در لغت دارای معانی زیر می باشد.

1- پدر 2- نسب و نژاد و گوهر و خاندان¹

¹ - معین ، همان مأخذ ، ج 1 ص 293

ایرانی الاصل در لغت به کسی می گویند که از پدر و مادر ایرانی متولد شده باشد.¹ در هیچ یک از قوانین ایران از عبارت ایرانی الاصل تعریفی نشده است و در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد.

عده ای بر این باورند که با توجه به روح و مفهوم کلمات اصل که در این مورد بر پ—در اطلاق می شود و همچنین حکم قانون مدنی . (ماده 976)² کسی را، می توان ایرانی الاصل

دانست که پدر وی ایرانی باشد، اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند.³

عده ای اصل را به معنای نسب و نژاد در نظر گرفته و قائلند که لازم است رئیس جمهور از خاندان ایرانی باشد و به نظر می رسد که اصل در شرط ایرانی اصل بودن رئیس جمهور در قانون اساسی، به همین معنا

² - معین ، همان مأخذ ج 4 ، ص 35

³ - ماده 976: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شود: 1- کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدار ك تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. 2- کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند. 3- کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد.

کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده اند 5- کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجی است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن 18 سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند. والا قبول شده آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که طبق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است. 6- هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند . 7-

⁴ - بوشهری، جعفر، حقوق اساسی ایران، (ج اول چاپ 5، انتشارات دانشگاه تهران ، بی تا)، ص 246

یعنی به معنای نسب و خاندان باید ملحوظ گردد که در این صورت هر گاه نسب و خاندان فردی ایرانی نبوده، ولی پدر وی ایران‌ی باشد، وی نمی‌تواند بعنوان نام-زد ریاست جمهوری در انتخابات آن شرکت کند.¹

عده‌ای بر این باورند که ایرانی اصل بودن مهم تر از داشتن تابعیت اصلی می باشد. قانون تعریفی از ایران الاصل ارائه نداده ولی می توان گفت کسی که پدر و مادرش ایرانی باشند و تابعیت ایران را هم با تولد دارا شده باشند ایرانی الاصل است و به این ترتیب بعضی از شقوق تابعیت اصلی ماده 976 قانون مدنی اطلاق ایرانی الاصل ندارد.²

اما همین نویسنده بعداً در کتاب دیگری می‌گویند: «با توجه به اینکه کلمه اصل معانی پدر، نژاد و خاندان را دارد می توان گفت که داوطلب ریاست جمهوری باید از حیث نژاد و ریشه و اعقاب ایرانی باشد. و مثلاً کسی که جد او از سرزمین دیگری به ایران آمده و در ای ران متوطن شده نتواند کاندید گردد. اما با در نظر گرفتن اینکه قانون اساسی بر مدار موازین اسلامی تدوین شده به نظر

¹- عمید زنجانی، پیشن، مأخذ ص 326

²- عمید زنجانی، همان مأخذ ص 323

نمی‌رسد که چنین اهمیت و اولویتی برای نژاد قائل شده باشد بلکه با شرط ایرانی الاصل خواسته است کاندیدا تابعیت اصلی ایرانی را داشته و نه تابعیت اکتسابی، یعنی به هنگام تولد برابر قوانین ایران صفت ایرانی را داشته و تابعیت ایران را از تولد داشته باشد به چنین شخصی عرفاً ایرانی الاصل اطلاق می‌گردد.¹

نهایت اینکه نظر دیگری هم هست به این صورت که در قانون اساسی، در تعیین تابعیت شخص معین (رئیس جمهور) به جای تابعیت اصلی صفت «ایرانی الاصل» «کاربرده شده، به نظر می‌رسد که این صفت فراتر از تابعیت اصلی بوده باشد بدین معنی که علاوه بر شخص مورد نظر (رئیس جمهور) برای پدر او هم باید قائل به تابعیت اصلی بود نظر حقوقی مذکور، با عنایت خاصه (مقام خطیر ریاست جمهوری و ضرورت علقه عمیق و ریشه دار ملی صاحب مقام برای حفظ نظام سیاسی و استقلال) اصطلاح «ایرانی الاصل» را بکار برده است.²

3- تابع ایران: این بند بیانگر وضعیت فعلی شخص داوطلب می‌باشد ممکن است شخص ایرانی الاصل باشد.

³ - مدنی، سیدجلال الدین، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران (ج 5، انتشارات سروش)، 1366، ص 149

¹ - مدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص 289

ولی بعداً تابعیت ایرانی خود را از دست بدهد که در این صورت چنی — ن شخصی نمی تواند کاندیدای ریاست جمهوری گردد . بنابراین چنین شخصی علاوه بر اینکه ایرانی الاصل هم هست ، باید دارای تابعیت ایرانی هم باشد .

4- مدیر و مدبر: لزوماً کسی که می خواهد ریاست قوه مجریه (جز دراموری که مستقیماً مربوط به رهبری است) را بر عهده بگیرد و مسئولیت اجرای قانون اساسی را برعهده دارد . باید دارای قدرت مدیریت باشد و لازمه چنین امری آگاهی و شناخت نسبت به مسائل چه از لحاظ داخلی و چه از لحاظ بین المللی می باشد . بنابراین چنین شخصی باید دارای قدرت و توانایی لازم در زمینه اداره و گرداندن وظایفی که برعهده او هست را دارا باشد . همچنین چنین شخصی بای — د دارای ق — دت و توانایی لازم برای ایفای وظیفه خطیر خود باشد . و در اتخاذ تصمیمات خود باید آینده نگ — ر و دوراندیش باشد . طبعاً چنین خصوصیتی از سوابق فرد در کارها و پستهایی که در قبل داشته است مشخص می گردد . بنابراین عملکرد و سابقه فرد در گذشته معرفی و بیان کننده چنین خصوصیتی در شخص داوطلب می باشد .

5- دارای حسن سابقه و امانت و تقوی:

این شرط بیانگر وضعیت اخلاقی و روحی و اجتماعی
 شخص می باشد. اساساً شخصی که می خواهد بعد از
 مقام رهبری به عالیت‌ترین مقام کشور دست یابد، باید
 فردی امین و متقی باشد دست یافتن و شناسائی امانت
 و تقوی در افراد اصولاً کاری سخت و مشکل‌می‌باشد
 زیرا اینها از اموری درونی و روحی افراد است،
 بنابراین احتمال دو روئی در افراد وجود دارد.
 در هر حال اینها خصوصیتی است که برای رسیدن به
 آنها توجه به سابقه افراد و ملاک عمل قرار می‌گیرد
 یعنی به سابقه افراد نگاه می‌کنند تا اینکه دارای
 سابقه بد و خیانت و اموری از این قبیل نباشد در
 هر حال می‌توان گفت که آنچه که معیار نهائی است
 نظر نهاد شورای نگهبان می باشد که لازم چنین کاری
 بی‌طرفی کامل این مقام از هر حیث می‌باشد.

6- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و

مذهب رسمی کشور:

این شرط در متن پیشنهادی نخست به این صورت
 آورده شده بود. «رئیس جمهور باید از بین رجال دینی
 و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد،
 ایرانی الاصل تابع ایرانی دارای مذهب رسمی کشور و
 مروج آن و حسن سابقه و امانت و تقوا مؤمن به مبانی
 جمهوری اسلامی باشد.»

الف - مومن و معتقد به مذهب رسمی کشور:

اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می دارد که دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الا بد غیر قابل تغییر است.

در مجلس خبرگان قانون اساسی در مورد این شرط تقریباً دو دیدگاه مطرح بود: عده ای بر این باورند که این خود تحصیل حاصل است و لزومی به ذکر آن نیست، چون به این ترتیب حدود چند میلیون نفر (غیر از تشیع) از این حق محروم می گردند. [البته به این صورت که یک عده ای نمی توانند کاندید بشوند و از طرفی دیگر عده بسیار زیادی رغبت به شرکت در انتخابات را به عنوان انتخاب کنندگان ندارند.

این دیدگاه بر این باور است که رئیس جمهور رهبر نیست و کسی نیست که مواظب باشد که جامعه ما از مسیر مکتب ما انحراف پیدا کند. رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه است اجراکننده است و قوانین را گروه دیگری تصویب می کنند که مجتهدان و فقها مراقبت می کنند. بنابراین آوردن این شرط لازم و ضروری نیست. چون رئیس جمهور فقط اجرا کننده قانون است و با توجه به اینکه جامعه ما اکثریت آن با تشیع است تحصیل حاصل است.

و در مقابل این دیدگاه، نظر دیگری هم وجود داشت که قائل بود که مسئله تشیع مذهب رسمی کشور است. اکثریت قاطع ملت طرفدار مکتب تشیع هستند. این را مسلماً برادران اهل سنت ما این اندازه را حق به ما می‌دهند که اکثریت قاطع چون شیعه مذهب هستند و مذهب رسمی آنان جعفری، بنابراین مطابق نظر خودشان انتخاب بکنند، آنوقت اگر برای خود آنها مسأله ای مطرح باشد مسلماً نظر اکثریت را رعایت می‌کنند. پس آنها به ما حق می‌دهند که بیست و پنج میلیون جمعیت جعفری مذهب مطابق نظر خودشان کسی را انتخاب کنند. این مسأله در قانون اساسی سابق هم بوده است که آن کسی که در رأس کشور است باید دارای مذهب شیعه و مروج آن باشد بدین ترتیب در تعارض بی حقوق اکثریت و اقلیت، نظر اکثریت باید رعایت شود.¹

ب- مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران :

یکی از شرایط داوطلبان ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران است — که مبانی نظام چه چها باشند باید بیان نمود که این شرط به صورت

¹ - صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی، صص 1767-8

کلی آمده است و ذکر از مصادیق در جایی از مذاکرات مجلس خیرگان نیامده است. اما به نظر می‌رسد که بعضی از مصادیق مبانی نظام را با توجه به اصل یکصد و هفتاد و پنج می‌توان ذکر نمود. از جمله: محتوای اصول مربوط به اسلام — بودن نظام و ابتهای کلیه قوانین — و مقررات براساس موازی — اسلامی و پای — ه های ایم — ان — ی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران ...

بند دوم: در اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت

داوطلبان:

الف - در اعلام داوطلبی :

بند چهارم اصل 110 قانون اساسی می‌گوید صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایط که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان ... برسد. همچنین اصل صد و شانزدهم مقرر می‌دارد که: نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند ... درمورد چگونگی و روال داوطلبی باید گفت که داوطلبان ریاست جمهوری یا

نمایندگان تام الاختیار آنها که کتباً معرفی شده باشند باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه نموده و پرسش نامه اعلام داوطلبی را پس از دریافت و تکمیل همراه با مدارک شناسائی به وزارت کشور تسلیم و رسید دریافت دارند. در صورت انصراف هم داوطلبان باید شخصاً یا از طریق نماینده تام الاختیار خود و به صورت کتبی انصراف خود را به وزارت کشور اعلام نمایند.¹

همچنین کاندیدها می‌توانند اسناد و مدارک مثبت صلاحیت خود را ضمیمه اعلام داوطلبی نمایند و یا در مدت زمان رسیدگی به صلاحیت داوطلبان به شورای نگهبان تقدیم نمایند.²

در فرانسه نامزدهای ریاست جمهوری برای شرکت در انتخابات، باید از طرف حداقل پانصد نفر از شهروندان مرکب از اعضای پارلمان، شوراهای استان، شورای پاریس و مجامع محلی سرزمینهای ماوراء بحار و شهرداریها به «شورای قانون اساسی»³ معرفی شوند،

¹ - ماده 55 قانون انتخابات ریاست جمهوری

² - ماده 59 همان قانون

³ - شورای قانون اساسی مرکب از 9 عضو می‌باشد. که دوره تصدی آنان 9 سال و تجدید انتخاب آنها ممنوع است که یک سوم اعضای شورای قانون اساسی هر سه سال یک بار تجدید خواهد شد. سه تن از اعضای آن به وسیله رئیس جمهور، سه تن به وسیله رئیس مجلس ملی، سه تن به وسیله مجلس سنا، منصوب می‌شوند. علاوه بر نه عضو پیش بینی شده در بالا رؤسای سابق به لحاظ

معرفی مزبور باید لاقلاً هیجده روز قبل از دوره اول رأی‌گیری برای انت‌خابات رئیس‌جمهور، صورت گیرد . شورای قانون اساسی پس از معرفی شدگان مزبور را ، بعد از اطمینان از رض‌ایت آنها برای نامزد شدن تهیه می‌کند . این قسمت باید لاقلاً هشت روز قبل از دوره اول رأی‌گیری منتشر شود.¹

ب- رسیدگی به صلاحیت داوطلبان

وزارت کشور پس از پایان مدت قبول داوطلبی ، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد.² شورای نگهبان پس از دریافت مدارک به صلاحیت داوطلبان رسیدگی می‌کند یعنی مطابق با شرایط مقرر در اصل صدوپانزدهم قانون اساسی ب ه تطبیق آن شرایط با داوطلبان می‌پردازد . و اگر داوطلب فاقد شرایط مقرر در قانون بود با ارائه مدارک رد می‌گردد . البته باید یاد آور شد که تقریباً تعداد داوطلبان در برخی اوقات بسی — ار زیاد می‌باشد که در این صورت رویه گذشته شورا چنین

سمت، مادام العمر عضو شورای قانون اساسی خواهند بود. رئیس شورا به وسیله رئیس‌جمهور منسوب می‌شود . و در مواردی که آرا مساوی باشد . رأی قاطع خواهد بود . همچنین شورای قانون اساسی بر انتخاب رئیس‌جمهور نظارت خواهد کرد تا برطبق مقررات صورت گیرد . به اعتراضات رسیدگی و نتیجه رأی‌گیری را اعلام خواهد داشت . (مواد 56 و 58 قانون اساسی فرانسه)

¹ - ماده 56 قانون انتخابات ریاست جمهوری

² - دکتر حسینی، حسن ، مقامات عالی‌قوه مجریه در قانون اساسی ایران و فرانسه و مطالعه تطبیقی آنها (دانشگاه تهران ، چاپ دوم، 1376،) ص 92

بود که تعداد آنها را ب ه سه یا چهار یا پنج نفر تقلیل می دهد. و به عموم معرفی می کند. به این ترتیب شورای نگهبان ظرف پنج روز از تاریخ وصول م — دارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورت جلسه نموده و یک نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال می دارد.¹ وزارت کشور موظف است پس از وصول نظریه شورای نگهبان اسامی نامزدهای ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند.²

پس از سپردن مدت زمان قانونی چنانچه مدارکی دال بر عدم صلاحیت کاندیداه — ای ریاست جمهوری بدست آید، پس از بررسی واعلام عدم صلاحیت وی توسط شورای نگهبان، به وس یله وزارت کشور به اطلاع عموم می رسد.³

به ای ن ترتیب ملاحظه شد که درای — ران رئی — س جمهور بای د واجد شرایطی که در قان — ون اساسی مقرر شده است باشد. تأی د صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری، از لحاظ دارا بودن این شرایط با شورای نگهبان قانون اساسی است. در قانون اساسی فرانسه،

³ - ماده 57 همان قانون

¹ - ماده 60 همان قانون

² - ماده 58 همان قانون

شرایط خاصی برای رئیس جمهور مقرر نشده است . ولی داوطلبان ریاست جمهوری باید از طرف حداقل پانصد نفر از شهروندان ، مرکب از اعضای پارلمان ، شورای های استان ، شورای پاریس ، مجامع محلی سرزمین های ماوراء بحار، و شهردارها به شورا قانون اساسی معرفی می شوند . شورای مزبور لیست معرفی شدگان را پس از اطمینان از رضایت آنها برای نامزد شدن تهیه می کند ، به این ترتیب — ب بین ایران و فرانسه تفاوت وجود دارد. در ایران، از قبل شرایطی برای رئیس جمهور شدن معین است و تشخیصی — ص واجدین این شرایط، با شورای نگهبان می باشد ولی در فرانسه کسانی که با امضاء پانصد نفر از افرادی که سمت آنها از قبل مشخص شده است معرفی شوند واجد شرایط لازم برای ریاست جمهور محسوب می شوند.¹

بند سوم : نظارت بر جریان انتخابات:

اول - در امر تبلیغات:

³ - دکتر حسنی ، همان مأخذ ، ص 104

امر تبلیغات می تواند تأثیر بسزایی بر روند جریان انتخابات به نفع شخص خاص و یا به ضرر شخص خاص داشته باشد. معمولاً در امر تبلیغات گاهی اوقات سوء استفاده های گسترده ای انجام می گیرد و برای احتراز از چنین امری باید برای مرتب تبلیغات کاندیداها نظارت صورت گیرد. لذا به منظور تضمین بر خور داری یکسان نامزدهای ریاست جمهوری از امکانات دولتی، کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات در وزارت کشور و بنا به دعوت وزیر کشور تشکیل می گردد. اعضای کمیسیون بررسی تبلیغات ریاست جمهوری عبارتند از:

1- دادستان کل کشور یا نماینده تام الاختیار او 2- وزیر کشور یا نماینده تام الاختیار او 3- مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران یا نماینده تام الاختیار او.

شورای نگهبان می تواند یک نفر از میان اعضای خود یا خارج را به منظور نظارت بر کار کمیسیون مزبور تعیین نماید.¹

در هر حال مقررات مربوط به کار کمیسیون در بخش اول همین فصل آورده شده است.

دوم- در مرحله اخذ رأی: اساساً همه مقدمات و تدارکات که ذکر شد به این دلیل است که رأی گیری به

¹ - مواد 62-63 همان قانون

نحو احسن و کامل انجام گیرد و زمینه گسترده شرکت آزادانه مردم در امر انتخاب — ات فراهم گردد، شورای نگهبان با گماردن ناظرین در سطوح کشور هدفی جز این ندارند که انتخاباتی مردمی و به دور از تخلفات و سوء استفاده هایی انجام بگیرد . ناظرین به این خاطر نظارت می کنند تا دست — گاه مجریه که دارنده اصلی قدرت است در سرنوشت انتخابات دخل و تصرفاتی انجام دهد.

عوامل اج رای ی انتخابات هم که وظیفه مهیا کردن اقدامات جهت سهولت برگ — زاری انتخابات را دارند همه و همه مجری دقیق وظایف قانونی محوله می باشد. به عبارتی باید نهایت سعی و تلاش خود را به کارگیرند. تا مردم آزادانه و به دور از هر گونه فشاری قادر به رأی دادن باشند و در این بین باید تذکرات قانونی عوامل نظارت را به دقت عمل کنند تا انتخابات هر چه تمام تر حالت مردمی به خودش بگیرد. به همین دلیل هریک از شعب اخذ رأی تحت نظارت ناظرین قبل از شروع رأی گیری صندوقهای خالی را ملاحظه و مهر و موم می کنند و سپس آن را صورتجلسه می کنند.¹ و پس از پایان رأی در حضور نماینده فرماندار شمارش آراء انجام می گی — رد و

¹ - ماده 29 همان قانون

صورتجلسه — ه نتیج — ه انتخابات با امضای هیأت اجرای شهرستان و هیأت نظارت بر انتخابات شهرستان در چهار نسخه تهیه می شود که یک نسخه نزد هیأت اجرائی شهرستان می ماند. و بقیه برای هیأت نظارت بر انتخابات مزبور و وزارت کشور و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ارسال می شود.¹ به این ترتیب هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان هم صورتجلسه و گزارش هیأت — ای نظارت سراسر کشور را دریافت می دارد. چنانچه در مواردی ناظر یا ناظرین در مرکز شهرستان و بخشهای تابعه نتایج انتخابات یک یا چند صندوق شعب اخذ رأی را منطبق با قانون تشخیص ندهند موضوع را با ذکر دلیل در هیأت اجرائی محل مطرح خواهند کرد، در صورتی که هیأت اجرائی مذکور نظر آنان را نپذیرد، مراتب به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری ارجاع خواهد شد و نظر این هیأت باتأیید شورای نگهبان قطعی و لازم الاجرا است.²

هیأت مرکزی نظارت یا ناظرین که در سراسر کشور بر کیفیت انتخابات نظارت کامل دارند، در هر مورد که سوء جریان یا تخلفی را مشاهده کنند کتباً تذکر

² - ماده 32 همان قانون

³ - ماده 10 قانون نظارت شورای نگهبان

خواهن—د داد. فرمانداران و بخش—داران موظفند بلافاصله بر اساس قوانین—ن مربوط نسبت به رفع اشکالات مطروحه اقدام نمایند. و چنانچه—مسئولین وزارت کشور نظرات آنان را ملحوظ ندارند ناظرین مراتب رابه هی—أت مرکزی نظ—ارت شورای نگهبان گزارش خواهند کرد.¹

چنانچه ملاحظه شد هدف شورای نگهبان از جهت گماردن ناظر یا ناظرین در شعب اخذ رأی سراسر کشور و تعیین و معرفی هیأت‌های نظارت شهرستان و هی—أت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری چیزی جز انجام امر در روال صحیح و قانونی و مردمی آن نمی باشد، یعنی همه این مساعی انجام می‌گیرد تا امنیت حقوقی انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان تامین گردد و تضییع حقوقی علیه هی چ یک از این دو گروه انجام نگیرد.

سوم - در توقیف یا ابطال انتخابات:

هنگامی که برای امر انتخابات نظارت و ناظری در نظر گرفته شده است، لزوماً برای ناظر باید مکانیسمی برای ایفای وظیفه اش هم در نظر بگیریم، و بنابراین هنگامی ما می‌توانیم از شورای نگهبان بخواهیم که به بهترین نحو ممکن از سوء استفاده ها و

¹ - ماده 6 همان قانون

تخلفات جلوگیری بکند که امکانات و اختیارات لازم را هم برای آن نهاد مهیا کنیم یعنی در درجه اول باید مقرراتی در نظر گرفته بشود تا شورا بتواند براعمال عوامل اجرایی درچارچوب قانون نظارت بکند و از طرف دیگر عوامل اجرایی را متوجه و مکلف به پیروی از مقررات قانونی بکند . هنگامی که روند صحیح انتخابات به طرف نامطلوبی دارد سوق پیدا می کند . این شورا به عنوان ناظر حتماً باید اختیاراتی جهت برخورد با سوء استفاده ها و تخلفات داشته باشد. مثلاً از طریق ناظرین احیاناً تذکر بدهد و در صورتی که دستورات این ناظرین کارساز نشد با گزارش به ناظران بالاتر از انتخابات در آن منطقه جلوگیری بکند یا اگر رأی گیری در محیطی که قانون در آن رعایت نمی شد. انجام گرفت انتخابات آن حوزه را ابطال کند و تصمیمات شورا در این رابطه قاطع می باشد یعنی قابل تجدید نظر نیست.

بدین صورت است که شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلی نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم نموده و نظر خود را از طریق رسانه های همگانی اعلام می نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم الاجرا است و هیچ مرجع دیگری

حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد. البته هیأت مرکزی نظارت باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن انتخابات را برای بررسی و اتخاذ تصمیم به شورای نگهبان بفرستد.¹ همچنین پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور چنانچه شورای نگهبان در کیفیت انجام مقدمات انتخابات از قبیل تعیین هیأت اجرایی، تبلیغات و مانند آن تخلفاتی مشاهده کند که به صحت انتخابات خدشه وارد سازد. انتخابات را متوقف و مراتب را به وزارت کشور اعلام می دارد. یا اینکه در مواردی که توقف یا ابطال بنا به نظر شورای نگهبان در تعیین رئیس جمهور مؤثر باشد قبل از اعلام نتایج کل انتخابات، در اولین فرصت، اخذ رأی در آن مناطق ادامه یافته یا تجدید خواهد شد.² چنانچه ملاحظه شد تصمیمات شورا در همه موارد نظارت، قاطع و بدون تجدید نظر می باشد. یعنی این شورا با رأی قاطع به حل موضوعات و مشکلات پیش آمده می پردازد. آنچه که مهم است این است که این قاطعیت از آن نهاد شورای نگهبان است. و آنچه در این قاطعیت باید مد نظر باشد

¹- ماده 7 همان قانون

²- مواد 8 و 9 همان قانون

سنجش تمام جوانب قضایا و رعایت احتیاط لازمه در چارچوب قانون و بی‌طرفی کامل اعضاء این نهاد است.

چهارم : در رسیدگی به شکایات:

اساساً نمی‌شود انتخاباتی در سراسر کشور انجام بگیرد. ولی شکایات انتخاباتی وجود نداشته باشد هرچه قدر هم جلوی تخلفات گرفته شود باز هم یک عده‌ای خواهان رسیدگی به خواسته خودشان می‌باشند. این انتظارات گاهی موجه و وارد است که در این صورت باید به خواسته افراد رسیدگی کرد. و گاهی هم بی‌مورد و ناروا است. یعنی یک عده‌ای بنا به دلایل که نتوانسته‌اند در انتخابات پیروز گردند سعی در مخدوش کردن آثار انتخابات دارند.

اما در هر حال قانون طروقی را برای عاده حقوق از دست رفته افراد پیش‌بینی کرده است. مقررات مربوط به آن در بخش اول آورده شده است.

پنجم : در اعلام نتیجه و صدور اعتبار نامه:

الف - در اعلام نتیجه : در مورد اعلام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری باید گفت که ماده هفتاد و نه قانون انتخابات ریاست جمهوری مقرر می‌دارد: شورای نگهبان ظرف یک هفته در صورت لزوم حداکثر ده روز پس از دریافت نتیجه انتخابات ریاست جمهوری نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات انجام شده به وزارت کشور

اعلام و وزارت کشور از طریق رسانه های گروهی نتیجه نهائی رابه اطلاع مردم خواهد رساند . اما درفرانسه اعلام نتیجه انتخابات برعهده خود شورای قانون اساسی می باشد . دراین رابطه ماده پنجاه و هشت قانون اساسی فرانسه مقرر می دارد: شورای قانون اساسی برانتخابات رئیس جمهور نظارت خواهدکرد تا برطبق مقررات صورت گیرد ، به اعتراضات رسیدگی ونتیجه رأی گیری را اعلام خواهد داشت.

ب- صدور اعتبار نامه : صدور اعتبار نامه هنگامی صورت می گیرد که ه م ه مراحل اعم از قرائت آرای حوزه های مختلف انتخاباتی و رسیدگی به شکایات و اعتراضات و ملاحظه گزارش هیأت های نظارت و بازرسان و... صورت گرفته باشد و در اینجااست که شورای نگهبان اقدام به صدور اعتبار نامه می کند به این ترتیب وزیرکشور پس از وصول اعتبار نامه از شورای نگهبان، رئیس جمهور را به حضور مقام رهبری معرفی می نماید.¹

صدور اعتبار نامه آخرین کاری است که ه درسلسه مراحل انتخابات صورت می گیرد، صدور اعتبار نامه از جانب شورای نگهبان به این معنا نیست که تمام شکایات و ایرادات و اعتراضات مردود است و

¹ - ماده 83 همان قانون

انتخابات در تمام جزئیات به صحت برگزاری شده و هیچ گونه نقص نداشته و هیچ کس مرتکب جرمی نشده ، بلکه دلالت براین دارد که در مجموع براساس نظر هیأت‌های نظارت و ناظرین سراسر کشور شخص منتخب برگزیده اکثریت رأی دهندگان است . بخشی از قانون انتخابات ریاست جمهوری مربوط است به تخلفات و جرایمی که ازجانب اشخاص مختلفی که در ارتباط با انتخابات هستند صورت می پذیرد . و برای هر مورد مجازات تعیین شده است . بنابراین وظیفه دستگاه قضائی یعنی دادرها و دادگاهها است که به جرایم ارتکاب یافته رسیدگی کنند ، رسیدگی قضائی هرچه باشد به نظری که شو رای نگهبان داده ، لطمه وارد نمی‌سازد.¹

بعد از اینکه اعتبارنامه رئیس جمهور از طریق وزارت کشور به حضور مقام رهبری معرفی گردید . امضای حکم ریاست جمهوری طبق بند نه اصل صد و ده قانون اساسی برعهده ایشان می باشد . و دوره ریاست جمهوری از تاریخ امضای حکم ریاست جمهوری آغاز می‌گردد .

در اینجا هم بحثی وجود دارد و آن این است که آیا امضای مقام رهبری جنبه تشریفاتی دارد یا جنبه

¹ - دکترمدنی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص 299

تنفیذی؟ که این مسأله خارج از بحث این رساله می باشد اما تنها نکته ای که به آن اشاره می شود این است که صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی و ماده یک قانون انتخابات ریاست جمهوری ایران حکایت از تنفیذی بودن آن می کند . ماده یک همان قانون بیان می دارد . دلیلی که برای این امر ذکر می کنند بدین شرح می باشد : مفهوم این بند (بند 9 اصل 110) اضافه کردن شرط دیگری بر شرایط مذکور در اصل یکصد و پانزدهم نیست ، بلکه به معنی آن است که نظارت مقام رهبری و ولایت امر بر قوه مجریه به صورت تنفیذ حکم ریاست جمهوری و امکان عزل او انجام می گیرد .

در حقیقت آنچه مربوط به قوه مجریه است و مشروعیت رئیس جمهور را از نظر حاکمیت مردم به اثبات می رساند همانا موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری و آوردن رأی کافی است و پس از این مرحله کسی که منتخب اکثریت ملت ایران است . بعنوان رئیس جمهور رسمی کشور شناخته می شود . ولی از آنجا که قانون اساسی حاکمیت و مشروعیت حکومت را در دو بعد متمایز شناخته است و اعمال حاکمیت ملت را با نظارت ولی فقیه منتخب مردم (به طور مستقیم یا توسط

خبرگان (مشروع دانسته است انتخاب رئیس جمهور توسط مردم باید با نظارت رهبر انجام گیرد.¹

مبحث سوم: نظارت شورای نگهبان بر امر انتخابات مجلس شورای اسلامی از دیدگاه قانون

مجلس خانه مشترک آحاد ملت می باشد و بقول امام خمینی (ره) مجلس در رأس همه امور کشور می باشد. زیرا متعادل گاه تجلی خواست و اراده ملت است. از طریق مجلس است که مردم به نقش و سهم خود در حکومت رضایت می دهند و اگر مجلس قانون گذاری می کند در واقع این آحاد ملت هستند که تصمیم می گیرند و اگر مجلس بازرسی و نظارت می کنند در واقع این مردم هستند که بازرسی و نظارت می کنند و اگر مجلس بر کار دولت مراقب است در واقع مراقبین اصلی دولت آحاد مردم می باشند. مجلس عقل مشترک جامعه است، محل دفاع از حقوق شهروندی است و در اینجا است که اگر قانونی وضع یا اقدامی انجام گیرد که خوب و مفید باشد سودش به همه جامعه می رسد و اگر خلاف این صورت گیرد و زیانش متوجه همه افراد جامعه می شود. و اینچنین است که نقش و اهمیت بسزای مجلس در حکومتی دموکراتیک نمایان می شود. رسیدن به چنین جایگاهی یعنی

¹ - عمید زنجانی، همان مأخذ، ص 323

نماینده‌ی مردم بالطبع مورد خواست و اقبال همه مردمی می‌باشد که به صلاح و عزت و سربلندی کشور خویش می‌اندیشد. و چنین کاری یعنی گزینش نماینده از طریق انتخابات مردمی است که نمایان می‌گردد.

اصول شصت و دوم و شصت و سوم قانون اساسی به ترتیب مقرر می‌دارند: مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طو ر مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد... دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهارسال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود بطوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نبا شد. درچنین انتخاباتی مثل سایر انتخابات هم سوء جریانات و تخلفاتی مشاهده می‌گردد و ضرورتاً وجود یک مقام ناظری که در امرانتخابات و سرنوشت آن بی طرف باشد، ضروری و حتمی به نظر می‌رسد. به این ترتیب طبق اصل 99 قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی برعهده شورای نگهبان می‌باشد و براساس ماده سوم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی: نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان می‌باشد. این نظارت استصوابی و عام و درتمام مراحل در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است. لذا این شورا جهت انجام صحیح وظیفه

مبادرت به اقداماتی می کند و برای این کار
تشکیلاتی را در نظر می گیرد که در ذیل به بررسی آن
می پردازیم :

بند اول: مرحله سنجش مساعد بودن محیط برای انجام انتخابات:

دستگاه اجرای تنه ا در صورت موافقت شورای
نگهبان می تواند از تاریخ شروع انتخابات ، را اعلام
کند شورای نگهبان به خاطر احاطه اش بر اوضاع سیاسی
کشور ، باید از طریق عواملی که در اختیار دارد در
مقام سنجش بر آید و پس از اطمینان از سالم بودن
محیط و مساعد بودن شرایط موافقت خود را با انجام
انتخابات آزاد و سالم اعلام کند ، اگر شورای نگهبان
مشاهده کند که دسته ای خاص در صدد اخلاف در امر
انتخابات هستند و یا جو حاکم سالم و آزاد نیست و
در نقاطی گروههایی قدرت اجرای انتخابات را در
اختیار گرفته اند و محرز شود مسئولین اجرایی از
بعضی کاندیداها طرفداری می کنند یا احزابی ، فرصت
فعالیت و اظهار نظر قانونی را از دیگران سلب کرده
اند و دولت در صدد نفوذ است ، در این صورت قبل از
اعلام موافقت باید به طریق گوناگون خصوصاً از طریق
رادیو و تلویزیون محیطی سالم و آزاد و اطمینان بخش

برای انتخابات فراهم سازد و شو رای نگهبان باید مانع شایعه سازی، تهمت و افترا بستن، تبلیغات مضر و چهره سازی رسانه های گروهی شود. رسانه ها باید در خدمت آگاهی دادن به مردم، اجرای کامل قانون و درنهایت درجهت انتخابات و حفظ حقوق همگانی باشند و از آنجا که پشت وانه اصلی انتخابات خود مردم هستند. شورای نگهبان باید آنان را در این امر مهم شرکت دهد مسلماً مردم هر حوزه انتخابیه خواستار افراد صالح متدین کار آمد و آگاه به امور می باشند و روی کار آمدن افراد ناصالح و نامناسب بخصوص با تقلب و سوء استفاده می تواند نشانه جو ناسالم بوده باشد.¹

بند دوم : کلیات وتشکيلات نظارت :

الف: کليات :

کليات و کیفیت نظارت بر انتخابات به شرح ذیل انجام می گیرد.

الف) از طریق گزارش های و زارت کشور و بازرسی آنها.

¹- دکتر مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج چهارم، ص 104

- (ب) از طریق اعزام بازرسان مستقل و در صورت لزوم برای رسیدگی به شکایات مربوط به هیأت های اجرایی و مباشرین وزارت کشور.
- (ج) از طریق رسیدگی نهائی به شکایات و پرونده ها و مدارک انتخابات.
- (د) از طریق تعیین ناظر در تمام هیأت های مربوط به انتخابات.¹

اول - تشکيلات نظارت :

الف - هیأت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر

انتخابات: پیش از شروع انتخابات از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد مسلمان و مطلع و مورد اعتماد (به عنوان هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات) با اکثریت از سوی شورای نگهبان پنج نفر از افراد معرفی می شوند . از پنج نفر عضو هیأت مرکزی نظارت حداقل یک نفر باید عضو شورای نگه بان باشد که ریاست هیأت را یکی از اعضاء شورای نگهبان

²- ماده 4 قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی

به عهده خواهد داشت و رسمیت جلسات هیأت نظارت دو سوم اعضاء می‌باشد.¹

بنابراین هیأت مرکزی نظارت زیر نظر شورای نگهبان انجام وظیفه می‌کند و در برابر شورا مسئول صحت برگزاری انتخابات در کشور است. و به عنوان ستاد هماهنگ کننده و مشترک بر کلیه مراحل و جریان های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور در امر انتخابات هیأت های اجرایی و تشخیص صلاحیت نامزد های نمایندگی و حسن جریان انتخابات نظارت می‌کند. از جمله وظایف هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات به شرح ذیل می باشد:

1- بررسی فضای انتخاباتی در کشور و در حوزه های انتخابیه و به نحوی که از تهمت و افترا و شایعه پراکنی و بدگویی خالی باشد و امکانات تبلیغاتی برابر در اختیار تمام نامزدها باشد. همچنین رأی دهندگان با آزادی کامل و بدون تطمیع و تهدید و فریب آشکار بتوانند رأی دهند. بی سوادان نیز رأی خود را، بدون دخالت نویسنده در نظرشان، به صندوق بریزند. در صورتی که هیأت مرکزی چنین محیطی را فراهم ندید اقدام در دفع موانع می کند و در صورت

¹ - ماده 1 قانون فوق

عدم امکان از شورای نگهبان درخواست توقف انتخابات را خواهد نمود.

2- رسیدگی به شکایات در مورد صلاحیت نامزدهای

نمایندگی و همچن ین هیأت مرکزی در صورت لزوم مستقیماً در مورد صلاحیت و یا عدم صلاحیت نامزدها رسیدگی خواهد نمود و عنداللزوم جهت اقدام مقتضی به شورای نگهبان ارجاع خواهد نمود.

3- رسیدگی به شکایات و گزارش ها در مورد اعضای

ثابت هیأت ها اجرایی

4- رسیدگی به شکایات در مورد صلاحی ت ن اظران

منتخب هیأت های نظارت حوزه انتخابیه ، و در صورتی که هیأت مرکز عدم صلاحیت آن ها را احراز کرد و یا مصلحت در تغییر آنها دید، اقدام می کند.

5- بررسی فاصله ای که وزارت کشور برای روز رأی

گیری در نظر می گیرد با تاریخ دستور شروع انتخابات و مهلت های مقرر در قانون انتخابات ، وزارت کشور مکلف است قبل از اعلام روز اخذ رأی ، نظر هیأت مرکزی را جلب کند.

6- انتخاب هیأت های نظارت استان و حوزه های

انتخابیه و عندالاقضا حوزه های فرعی به ترتیب و

تعدادی که مصلحت می داند به ترتیبی که حداقل

تعداد هیأت نظارت استان پنج نفر و ه یأت نظارت حوزه انتخابیه سه نفر شود.

7- انتخاب بازرسان و هیأت‌های بازرسی انتخابات در تمام کشور و تعیین اختیارات آن ها در حدود مقررات.

8- تقدیم گزارش به شورای نگهبان در مورد زمان انتخابات مراحل بعدی که از طرف وزارت کشور تقاضا می‌شود.

9- اتخاذ تصمیم در مورد تجدید انتخاب معتمدین هیأت اجرایی در صورتی که وزارت کشور طبق قانون پیشنهاد کند.

10- ارائه برنامه‌های تبلیغاتی و تشکیل سمینار جهت آموزش انتخابات برای هیأت‌های نظارت و همچنین آشنایی مردم با مقررات انتخابات.

11- اعلام اسامی اعضای هیأت‌های نظارت به وزارت کشور و استانداری و فرمانداری یا بخشداری حوزه انتخابیه همراه با رونوشت احکام آن‌ها.

12- ارسال رونوشت احکام بازرسان به مراجع مربوطه .

13- رسیدگی به شکایاتی که به هیأت مرکزی واصل می‌گردد.

14- تذکر به وزارت کشور و سایر مراجع زیربط جهت رفع اشکالاتی که در جریان انتخابات پیش می آید و گزارش به شورای نگهبان برای اتخاذ تصمیم مقتضی در صورت تردید در تضمین صحت انتخابات در اثر اشکالات به وجود آمده .

15- تسلیم گزارش جریان انتخابات هر حوزه انتخابیه پس از اخذ آرا و وصول پرونده های انتخاب.

16- اعلام نظر شورای نگهبان به وزارت کشور.¹

17- هیأت مرکزی نظارت ابتدا بدون اینکه شکایتی از سوء جریان انتخابات برسد باید با بررسی و دقت در گزارش هایی که وزارت کشور یا هیأت های نظارت از تفضیل جریان انتخابات می دهند، اعلام نظر نماید.²

البته هیأت مرکزی نظارت حق ابطال انتخابات یا متوقف ساختن آن را ندارد فقط باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن آن را برای شورای نگهبان بفرستد تا شورا درمورد ابطال یا متوقف کردن آن نظر بدهد.³

دوم - هیأت نظارت بر انتخابات استان : هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات باید در هر استان هیأتی

¹- مواد 8 الی 13 آئین نامه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی.

²- ماده 9 قانون نظارت شورای نگهبان.

³- ماده 10 همان قانون

مرکب از پنج نفر از افراد مسلم ان ومطلع و مورد اعتماد جهت نظارت بر انتخابات آن استان تعیین کند. هیأت‌های اجرایی استان موظفند هیأت مذکور را در جریان کلیه امور انتخابات آن استان بگذارند ونظرات این هیأت در همه موارد مربوط به انتخابات قطعیت دارد به جز موارد زیر:

- اول) ابطال یا توقف انتخابات یک حوزه انتخابیه
 - دوم) ابطال یا توقف انتخابات شعبی که در سرنوشت انتخابات تأثیر تعیین کننده دارد.
 - س و م) رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس که باید به تأیید هیأت مرکزی نظارت برسد.¹
- اهم وظایف هیأت نظارت استان به شرح ذیل می باشد:

- 1- نظارت کلی بر انتخابات استان.
- 2- نظارت بر انتخابات در مراکز حوزه انتخابیه استان
- 3- اتخاذ تصمیم نسبت به اعتراض نامزدهای انتخابات و رأی دهندگان در مورد رد یا تصویب صلاحیت نامزده به وسیله هیأت اجرایی.

¹ - ماده 5 همان قانون

- 4- نظارت بر عدم استفاده از امکانات و وسایل کلیه مؤسسات مذکور در ماده پنجاه و نه قانون انتخابات مجلس.¹
- 5- نظارت بر جریان تبلیغات نامزدهای انتخابات در استان اعم از صدا و سیما و مطبوعات و خطابه های نماز جمعه و به طور کلی تمام مواردی که در قانون ذکر شد.
- 6- بررسی و تحقیق پیرامون شکایات رسیده به هیأت های اجرایی و اظهار نظر در جلسه مشترک با هیأت اجرایی و گزارش به هیأت مرکزی.
- 7- بررسی شکایات واصله به هیأت نظارت استان و ارائه به مراجع ذی صلاح و گزارش به هیأت مرکزی
- 8- تحقیق پیرامون شکایات ارسالی از هیأت مرکزی و تهیه مدارک لازم.² هیأت نظارت حوزه انتخابیه هیأتی مرکب از سه نفر که مسلمان و مطلع و مورد

²- ماده 59 قانون انتخابات: آنجا هرگونه فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها برای نمایندگی مجلس از صدا و سیما و میز خطابه نماز جمعه و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و امکانات وزارت خانه ها و ادارات، شرکتهای دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداریها و شرکتهای سازمانها وابسته به آنها و نهادها و مؤسساتی که از بودجه عمومی (به هر مقدار) استفاده می کنند و مؤسسات و نهادهای که دارای آنان از اموال عمومی است و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور ممنوع بوده و مرتکب مجرم شناخته می شود.

¹ - ماده 16 همان آئین نامه

اعتماد باشند را جهت نظارت انتخابات حوزه انتخابیه تعیین کند.¹

هیأت نظارت حوزه انتخابیه ظرف یک روز پس از دریافت حکم از هیأت مرکزی نظارت به دعوت رئیس هیأت (در صورتی که به وسیله هیأت مرکزی معین شده باشد) با فرماندار یا بخشدار حوزه انتخابیه در فرمانداری یا بخشداری یا محلی دیگری تشکیل جلسه می دهد و شروع به کار می کند و تصمیمات هیأت های نظارت با اکثریت آراء اتخاذ می شود و در صورت تساوی آراء رأی طرفی که رئیس در آن است رجحان دارد.

بجز در مواردی که هیأت نظارت مکلف به شرکت در جلسه مشترک با هیأت اجرایی است، هیأت های نظارت باید در جلسات هیأت اجرایی حضور یابند و یا نماینده ای اعزام دارند. زمان تشکیل جلسات هیأت اجرایی به اطلاع هیأت نظارت خواهد رسید.

وظایف هیأت نظارت حوزه انتخابیه به شرح زیر است:

1- انتخاب هیأت های نظارت حوزه های فرعی.

2- انتخاب ناظران شعب ثبت نام و اخذ رأی

و صندوق های سیار در بخش مرکزی و اعلام آن به هیأت

²- ماده 6 همان قانون

اجرایی. وظایف هیأت نظارت بخش مرکزی راهیأت نظارت حوزه انتخابیه انجام خواهد داد.

3- تشکیل جلسه مشترک با هیأت اجرایی در صورتی که آرای دو یا چند نفر از نامزدها مساوی باشد.

4- اظهار نظر در مورد آرای که باطل محسوب

می‌شود.

5- بررسی صندوقهای رأی قبل از رأی گیری به وسیله نماینده (ناظر) و ممهور کردن آنها در بخش مرکزی.

6- امضای صورتجلسه نتیجه انتخابات.

7- حضور در جلسه معتمدین که برای انتخاب

معتمدین هیأت اجرایی تشکیل می‌شود.

8- گزارش غیبت فرماندار یا بخشدار یا رئیس ثبت

احوال حوزه انتخابیه و یا بروز هر نوع اختلاف

در هیأت اجرایی که منجر به توقف انتخابات شود به

هیأت نظارت استان.

9- اتخاذ تصمیم در مورد تغییر محل شع به أخذ

رأی.

10- اتخاذ تصمیم در مورد تغییر معتمدین هیأت

اجرایی.

11- تأیید بطلان آرای شعبی که انتخابات از جریان

عادی خارج شده ولی مؤثر در نتیجه انتخابات نیست.

12- هماهنگی با تشکیلات قضائی برای پیشگیری از

جرائم.

13- مهر و امضای اعتبارنامه، پس از تأیید صحت

انتخابات به وسیله شورای نگهبان.

14- تعویض اعضای هیأت‌های فرعی نظارت در صورتی

که هیأت مرکزی انتخاب نکرده باشد.

15- نظارت دقیق بر کیفیت نگارش رأی بی سوادان.¹

در صورتی که هیأت نظارت مقدمات انتخابات را

صحیح نداند و یا رأی‌گیری را نادرست تشخیص دهد و

به طور کلی انتخابات را مخدوش بداند و یا ابطال

آرای شعبی را که در نتیجه، اثر تعیین کننده دارند

ضروری بداند مراتب را به هیأت مرکزی اعلام می‌دارد

تا در شورای نگهبان مطرح شود و هیأت نظارت استان

را نیز آگاه می‌سازد و همچنین پس از رأی‌گیری و

امضای صورتجلسه نتیجه انتخابات نظر خود را درمورد

انتخابات انجام شده به هیأت مرکزی نظارت

مستدلاً گزارش می‌کند و به اطلاع هیأت نظارت

استان نیز می‌رساند و عنداللزوم در ذیل صورتجلسه

نیز تذکر می‌دهند.²

¹- مواد 28 و 29 آئین نامه نظارت

¹- مواد 34 و 35 همان قانون

ناظران شورای نگهبان در حوزه های انتخابیه
و حوزه های فرعی و شعب ثبت نام و اخذ رأی نباید با
نامزدهای انتخابات به ترتیب زیرخویشاوند باشند و
در این صورت مکلف می باشند. مقام انتخاب کننده را
آگاه کرده و استعفا دهند:

الف - خویشاوندی نسبی : پدر، مادر، فرزند،
برادر و خواهر

ب - خویشاوندی سببی : همسر و پدر، مادر، برادر و
خواهر او.¹

د - هیأت نظارت حوزه فرعی : هیأت نظارت حوزه
انتخابیه موظفند در اولین فرصت افرادی را که
مسلمان و مطلع و مورد اعتماد باشند را به عنوان
هیأت های فرعی (اگر مستقیماً به وسیله هیأت مرکزی
انتخاب نشده باشند) تعیین کرده و رونوشت احکام
آنها را به فرمانداری یا بخشداری حوزه انتخابیه
بفرستند و هیأت نظارت مزبور هم یک روز پس از
دریافت حکم تشکیل جلسه می دهد و اقدامات مقرر را
به عمل می آورد.²

اهم وظایف هیأت نظارت حوزه فرعی به شرح ذیل می
باشد:

² - ماده 33 قانون انتخابات

³ - ماده 32 آئین نامه نظارت

- 1- انتخابات ناظران شعب ثبت نام و اخذ رأی و صندوقهای سیار در حوزه خود.
- 2- بررسی صندوقهای قبل از رأی گیری برای اطمینان از خالی بودن آن بوسیله نماینده (ناظر) و مهر کردن آنها.
- 3- امضای صورت جلسه نتیجه اخذ آراء.
- 4- هماهنگی باتشکیلات قضائی برای پیشگیری از جرایم.
- 5- گزارش ناهماهنگیها یا غیبتها اعضای هیأت اجرایی که منجر به توقف انتخابات گردد به هیأت نظارت حوزه انتخابیه.
- 6- اتخاذ تصمیم در مورد تغییر محل شعبه اخذ رأی.
- 7- گزارش در مورد کیفیت معتمدین اعضای هیأت اجرایی به هیأت نظارت حوزه انتخابیه در صورتی که به صلاحیت آنها ایراد داشته باشد.
- 8- نظارت بر رأی بی سودان.¹

سوم- ناظرین شعب ثبت نام و اخذ رأی: ناظرین شعب

ثبت نام و اخذ رأی که در صورت لزوم ممکن است از بین کارمندان دولت نیز انتخاب گردند. پس از دریافت ابلاغ نظارت در معیت اعضای شعبه ثبت نام

¹- ماده 39 همان آئین نامه

و أخذ رأی و نماینده فرماندار به محل شعبه ثبت نام و أخذ رأی عزیمت می نمایند و در روز أخذ رأی و یک ساعت قبل از شروع به کار باید در محل شعبه ثبت نام و أخذ رأی حضور یافته و تا پایان شمارش آراء و تحویل نتایج انتخابات شعبه به فرمانداری و تنظیم صورت جلسه محل شعبه را ترک نمایند.

ناظرین شعب ثبت نام و أخذ رأی حق مداخله در انتخابات را ندارند و مکلفند به محض مشاهده هرگونه تخلف از قانون و آئین نامه انتخابات مراتب را به نماینده فرماندار مستقر در محل شعبه ثبت نام و أخذ رأی یا رئیس تذکر داده و عندالزوم به اطلاع هیأت نظارت بخش، شهرستان یا هیأت مرکزی برسانند.

هیأت های اجرایی و مسئولین وزارت کشور در حوزه انتخابیه مکلفند مدارک مورد تقاضا ناظرین منتخب شورای نگهبان را که جهت تنظیم گزارش لازم دارند در اختیار آنها قرار دهند و همچنین ناظرین شعبه های اخذ رأی باید به تذکرات بازرس یا بازرسین هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات توجه نمایند.¹

شرح وظایف ناظرین شعب ثبت نام و أخذ رأی در بخش اول آورده شده است.

²- مواد 49 الی 52 همان آئین نامه

و- واحد بازرسی و رسیدگی به شکایات : برای دقت هر چه بیشتر در امر نظارت بر انتخابات و تقویت هیأت‌های نظارت استان ها و شهرستانها در نظارت و همچنین رسیدگی به شکایات مختلف در سطح استان واحدی تحت عنوان واحد بازرسی و رسیدگی به شکایات زیر نظر هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات تشکیل می گردد و سرپرست واحد بازرسی و رسیدگی به شکایات با تصویب هیأت مرکزی انتخاب می‌گردد.¹

چهارم - وظایف واحد بازرسی و رسیدگی به شکایات:

- 1- برای هر استان یک نفر به عنوان بازرس ویژه انتخاب نموده و به تصویب هیأت مرکزی برساند
- 2- برحسب شرایط سیاسی — اجتماعی استانها به تعداد کافی بازرس انتخاب و به استانها اعزام نماید .
- 3- برای رسیدگی فوری به شکایات و پیگیری آن به تعداد کافی از حقوقدانان و قاضی برای همکاری دعوت به عمل آورد . به طوری که از زمانبندی قانون انتخابات توانایی رسیدگی به شکایات عملی باشد.
- 4- ارائه پرونده‌های کامل با تحقیقات جامع تخلفات و شکایات به هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات.

¹ - مواد 42 و 43 همان آئین نامه

5- تماس مستمر با بازرسان استانها و گزارش دقیق وضع انتخابات به هیأت مرکزی.¹

پنجم - وظایف بازرسان ویژه :

1- همکاری با هیأت نظارت استان در نظارت هرچه بهتر در امر انتخابات.

2- گزارش فعالیتهای نظارت شهرستانها و استان به هیأت مرکزی.

3- چنانچه بعضی از افراد هیأت نظارت استان در امر انتخابات بیطرفی را رعایت نکنند و یا در کار خویش جدیت ننمایند، بازرسان ویژه به جای آن افراد، افراد واجد شرایط از محل و یا در شرایط خاص از میان بازرسان به هیأت مرکزی پیشنهاد می‌نماید.

4- نظارت بر کار ناظرین پای صندوق از طریق بازرسان .

5- تحقیق پیرامون شکایاتی که از طریق واحد بازرسی به آنها ازجاء می‌گردد.

6- گزارش فوری تخلفات به هیأت مرکزی در صورتی که هیأت‌های نظارت برخورد قاطع با آنها ننمایند و پیگیری آنها.²

²- ماده 44 همان آئین نامه

¹- ماده 44 همان آئین نامه

همچنین هیأت‌های نظارت استان و شهرستان موظف به همکاری با بازرسان ویژه می‌باشند و مدارک و وسایلی که برای پرونده‌های شکایت به بازرسان نیازمندند هیأت‌های نظارت موظف به همکاری هستند و امکانات لازم جهت بازرسی از طریق هیأت‌های نظارت و استانداری و فرمانداری تأمین می‌گردد.¹

بند سوم : در تشکیل هیأت‌های اجرایی:

بلافاصله پس از صدور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرمان دار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه دستور تشکیل هیأت‌های اجرایی حوزه های فرعی را به فرماندار یا بخشدار حوزه فرعی، صادر نموده و خود موظف است ظرف شش روز در مرکز حوزه انتخابیه، هیأت اجرایی انتخابات را با حضور هیأت نظارت شورای نگهبان به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال مرکز حوزه انتخابیه و نه نفر معتمدین منتخب تشکیل دهد، و در بین معتمدین منتخب در صورت تشکیل شورای اسلامی شهرستان یا بخش حضور یک نفر از اعضای آن به انتخاب خود آنها ضروری است.²

²- مواد 46 الی 48 همان آئین نامه

¹- ماده 31 قانون انتخابات

نحوه انتخابات معتمدین به این صورت است که فرماندار یا بخشدار هر حوزه انتخابیه، جهت انتخاب معتمدین اصلی و علی البدل هیأت اجرایی سی نفر از معتمدین بومی ساکن در محل و یا ساکنینی که حداقل دارای پنج سال سابقه سکونت در حوزه انتخابیه هستند را از بین کلیه اقشار واجد شرایط انتخاب و به منظور تأیید صلاحیت به هیأت نظارت مربوط معرفی می‌نماید. هیأت نظارت مزبور حداکثر ظرف مدت سه روز نسبت به تأیید صلاحیت آنان اظهار نظر کتبی خود را به فرماندار یا بخشدار ارسال می‌دارد. فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه بلافاصله از سی نفر معتمدین محلی تأیید شده از سوی هیأت نظارت، کتباً دعوت به عمل آورد و مدعوین حداکثر ظرف دو روز از تاریخ دعوت تشکیل جلسه می‌دهند و سپس از حضور حداقل دوسوم مدعوین (بیست نفر) در حضور هیأت نظارت از بین خود نه نفر را به عنوان معتمدین اصلی و پنج نفر را به عنوان معتمدین علی البدل هیأت اجرایی با رأی مخفی و اکثریت نسبی آراء انتخاب می‌نمایند.¹

از جمله شرایطی که معتمدین باید دارا باشند این است که باید دارای ایمان و التزام عملی به

²- ماده 31 همان قانون

اسلام (به جز حوزه های اقلیت دینی) و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروههای غیر قانونی نباشد.¹ همچنین هیچیک از اعضای هیأت اجرایی ... نباید در حوزه انتخابیه با داوطلبان انتخابات خویشاوندی نسبی یا سببی داشته باشند.² اما در مورد انتخاب معتمدین ایرادی که به نظر می رسد این است که مقررات قانون مربوط به دعوت و حضور معتمدین محل به منظور مردمی کردن جریان انتخابات باشد، اما چون اب تکرار انتخاب آنان در دست مسئولان اجرایی دولتی است، استقلال معتمدین مذکور نمی توانند مورد تأیید باشد. به عبارت بهت ر، افراد مذکور هرچند که از بین مردم برگزیده شده اند، اما برگزیده مردم نیستند، بلکه در حدود وظیفه خاصی که برای آنان تعیین شده، نماینده دولت محسوب گردند.³

درکل وظیفه هیأت اجرایی رامی توان به ترتیب ذیل

خلاصه نمود:

1- بررسی صلاحیت های قانونی داوطلبان نمایندگی پس از بررسی مراجع ذی صلاحیت (وزارت اطلاعات، دادستان کل، سازمان ثبت احوال، اداره تشخیص هویت

³-تبصره 32 همان

⁴-ماده 33 همان

¹-دکتر هاشمی، مأخذ پیشین، ص 108

و پلیس بین الملل (و اعلام نظر قطعی خود ظرف پنج روز.¹

2- انتخاب پنج نفر (درشعب پرتراکم هفت نفر) از معتمدین محل برای هرشعبه ثبت نام و اخذ رأی که دارای سوادخواندن و نوشتن باشند.²

3- هیأت‌های اجرائی انتخابات مسئول صحت جریان انتخابات در حوزه انتخابیه خود می باشند.³

4- رسیدگی به شکایات انتخاباتی حوزه انتخابیه .⁴

5- در صورتی که معتمدین هیأت اجرائی در بررسی صلاحیت داوطلبان و سایروظایف خود مقررات قانونی انتخابات را رعایت ننمایند ،فرماندار یا بخشدار موظف است با اطلاع وتأیید هیأت نظارت مرکز حوزه انتخابیه و با اطلاع وزارت کشور نسبت به تعویض هریک از معتمدین هیأت اجرایی یا به طور کلی تشکیل مجدد هیأت اجرائی اقدام نماید.⁵

بند چهارم : شرایط انتخاب شوندهگان و محرومان از

انتخابات:

²- ماده 50 همان قانون

³-ماده 40 همان قانون

⁴-ماده 42 همان

⁵- ماده 68 همان

⁶- ماده 52 همان

اول - شرایط انتخاب شوندهگان : در قانون مصوب

مجلس برای انتخاب شوندگان شرایطی در نظر گرفته شده است ، طبق ماده بیست و هشت قانون مزبور داوطلبان باید واجد شرایط زیر باشند:

1- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

2- تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران

3- ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه

4- حداقل مدرک فوق دیپلم و یا معادل آن.

5- نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه (این بند در قانون قبلی نبوده است).

6- سلامت جسمی درحد برخورداری از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی.

7- حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد سال تمام.

تبصره یک - داوطلبان نمایندگی اقلیتهای دینی مطرح در قانون اساسی از التزام عملی به اسلام مذکور در بند یک مستثنی بوده و باید در دین خود ثابت العقیده باشند.

تبصره دو- کسانی که سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی را دارند از شرط مذکور در بند چهارم مستثنی می باشند.

عده ای بر این عقیده اند که ایجاد فضای مناسب برای داوطلب شدن تمام و اجدان شرایط از مهمترین وظایف مرجع نظارت است و امکان برابر دادن به واجدان شرایط از اصول مسلم تصریح شده در قانون اساسی است، اولین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی که از سوی شو رای انقلاب تصویب شد یکی از مناسب ترین قوانین انتخابات در جمهوری اسلامی می باشد، در این قانون شرط انتخاب شدن تنها عدم اشتغال به فساد، التزام به نظام و ابراز وفاداری به قانون اساسی بود. شرایطی که هم منطقی به نظر می رسید و هم مرجع تشخیص دهنده به راحتی می توانست این شرایط را در داوطلبان احراز کند. اما پس از اصلاحات انجام شده در قانون انتخابات شرایطی به وجود آمد که به نظر می رسد محدود کننده است و بعضی از آنها با روحیه قانون اساسی نمی خواند، در حالیکه قوانین سابق به اصول قانون اساسی نزدیک تر بود.¹ برایین باورند که مقررات مربوط به تشخیص صلاحیت مجلس و... که اعتقاد و التزام به اسلام و

¹ - دکتر مهرپور، حسین، روزنامه خرداد، دوشنبه 78/5/18

ولایت فقیه را شرط می‌دانند با اصل آزادی عقیده و عدم تفتیش عقاید و تعرض به دارندگان عقاید مختلف (اصل بیست و سه قانون اساسی)¹ در تعارض است. و بر این عقیده اند که اصل بر برائت است و اگر کسی ادعای اعتقاد به اسلام، قانون اساسی و ولایت فقیه را داشت و فرمهای لازم را پر کرد، رأی بر برائت او صادر می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.²

دوم: محرومان از انتخابات:

الف — طبق ماده 29 انتخابات جدید اشخاص زیر به واسطه مقام و شغل خود از داوطلب شدن محرومند. اشخاص زیر از داوطلب شدن درحوزه های انتخابیه سراسر کشور محرومند مگر اینکه حداقل سه ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند:

— رئیس جمهور و معاونین و مشاورین وی
— دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاونین وی
نکته ای که در این مورد هست و باعث اعتراضاتی گردیده است این است که از اصول مسلم قانون اساسی تساوی همه افراد در برابر قانون است یعنی به عبارت ساده تر مقام قانون فراتر از اشخاص می

² - اصل 23: تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ پیکس رانمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

³ - دکتر مهرپور، روزنامه خرداد، چهارشنبه 78/5/13

باشد. لذا همه افراد در مقابل قانون باید مساوی باشند. وقتی که رئیس جمهور برای شرکت در انتخابات مجلس طبق همین قانون موظف به دادن استعفا می شود. لذا به طریق اولی سایر اشخاص هم باید موظف به این کار گردند و اینکه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را از این امر مستثنی کنند به نظر می رسد که مغایر با اصول مسلم قانون اساسی می باشد. همه در برابر قانون مساوی هستند و قانونی می تواند موجه باشد که در شرایط یکسان، زمینه تبعیض را فراهم نیاورد.

— مشاورین معاونین رئیس جمهور.

— رؤسای دفاتر سران سه قوه.

— وزراء و سرپرستان و وزارتخانه ها.

— معاونین و مشاورین وزرا.

— مدیران کل و سرپرستان ادارات کل وزارتخانه ها

و مدیران کل حوزه وزارت و رؤسای دفاتر وزرا.

— اعضای شورای نگهبان و هیأت مرکزی نظارت بر

انتخابات.

— رئیس قوه قضائیه و معاونین و مشاورین وی.

— رئیس دیوان عالی کشور و معاونین و مشاورین

وی.

— دادستان کل کشور و معاونین و مشاورین وی.

— رئیس دیوان عدالت اداری و معاونین و مشاورین وی.

— رئیس سازمان بازرسی کل کشور و معاونین و مشاورین وی.

— رؤسا و سرپرستان سازمانها و ادارات کل و ادارات عقیدتی سیاسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و جانشینان و معاونین آنان در سراسر کشور.

— رئیس سازمان صدا و سیما ی جمهور ی اسلامی ایران و معاونین وی.

— رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و معاونین وی

— استانداران ، معاونین و مشاورین استانداران، فرمانداران، بخشداران.

— شهرداران و رؤسای مناطق شهرداری.

— رؤسا و سرپرستان سازمانهای دولتی.

— رئیس دانشگاه آزاد اسلامی.

— اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل بانکها.

— اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکتهای دولتی و وابسته به دولت که حیطه وظایف و اختیارات آنها به کل کشور تسری دارد.

— رئیس کل بانک مرکزی ایران و معاونین و مشاورین وی.

— رؤسا و سرپرستان بنیادهای (مستضعفان، شهید، پانزده خرداد مسکن) کمیته امداد امام خمینی (ره).
 نهضت سواد آموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و رئیس سازمان تعزیرات حکومتی و رؤسای اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن و تعاون، معاونین و مشاورین آنان

— شاغلین در نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات.

دوم: اشخاص زیر از داوطلب شدن در حوزه های انتخابیه قلمرو مأموریت خود محرومند مگر اینکه سه ماه قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده و به هیچ وجه در آن پست شاغل نباشند:

1- ائمه جمعه دائمی 2- قضات 3- مدیران کل

وسرپرستان دفاتر و ادارات کل استانها و معاونین آنان.

4- مدیران کل و سرپرستان دفاتر کل استانداریها

و معاونین آنان.

5- رؤسای و سرپرستان ادارات و سازمانهای دولتی و

وابسته به دولت و معاونین آنان در استان و

شهرستان.

6- رؤسای و سرپرستان دانشگاهها و مؤسسات آموزش

عالی اعم از دولتی و غیر دولتی و رؤسا و سرپرستان واحدها و شعب آنها.

- 7- اعضای هیأت مدیره و مدیران عامل شرکتها ی دولتی و وابسته به دولت در استان و شهرستان.
- 8- سرپرستان مناطق و رؤسای مناطق و رؤسای شعب بانکها در استان و شهرستان.
- 9- سرپرستان دفاتر سازمان تبلیغات اسلامی در مرکز استان و شهرستان.
- 10- مدیران مراکز صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- سوم - اعضای هیأت‌های اجرائی و ناظرین شورای نگهبان در حوزه انتخابیه تحت مسئولیت خود.
- طبق ماده سی قانون انتخابات اشخاص زیر مطلقاً از انتخاب شدن محرومند:
- 1- کسانی که در جهت تحکیم رژیم سابق نقش مؤثر داشته اند.
- 2- ملاکین بزرگ که زمینهای موات را بنام خود ثبت کرده اند.
- 3- وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب ، سازمانها و گروههای که غیر قانونی بودن از طرف مقامات صالحه اعلام شده است . در مورد بکار گیری کلمه هواداری در این بند عده ای بر این عقیده اند که پاره ای از مصوبات حقوق داوطلبان را به وضوح تأمین نمی‌کند و زمینه برخورد سلیقه ای را در هیأت

اجرایی و نظارت هنگام بررسی صلاحیت تسهیل می کند
 برای مثال عنوان هواداران در شرط محروم بودن
 هواداری احزاب غیر قانونی از داوطلب شدن قابل ذکر
 است در حالی که هیچ تعریف مشخصی از هوادار بودن
 وجود ندارد و ممکن است مسئولی بر اساس ذهنیت خود،
 فردی را هوادار گروهی بداند و صلاحیت وی را بر این
 اساس رد کند، به ویژه آن که مرجعی برای اثبات
 هواداری افراد تعیین نشده است.¹

اما نکته دیگر ابهامی است که پیرامون اصطلاح
 مقامات صالحه وجود دارد، این که واقعا مقامات
 صالحه چه کسانی هستند؟ و با توجه به اینکه اصل سی
 و شش قانون اساسی می گوید حکم به مجازات و اجرای
 آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب
 قانون باشد، فلسفه بکارگیری مقامات صالح به جای
 دادگاه صالحه قضائی چیست؟

4- کسانی که به جرم اقدام علی ه جمهوری اسلامی
 ایران محکوم شده اند.

5- محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالحه
 قضائی.

6- مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق.

¹ - تاج زاده، مصطفی، روزنامه خرداد 1378/7/11

7- محکومین به حدود شرعی مگر آن که توبه آنان

ثابت شده باشد.

8- قاچاقچیان مواد مخدر و معتادین به این مواد.

9- محجورین و کسانی که به حکم دادگاه مشمول اصل

چهل و نهم (49)¹ قانون اساسی باشند.

10- وابستگان به رژیم سابق از قبیل اعضای انجمن

های شهر و شهرستان و وابستگان به تشکیلات

فراماسونری و هیأت رئیسه کانون های حزب رستاخیز و

حزب ایران نوین و اعضای فعال آن ها، نمایندگان

مجلسین سنا، شورای ملی سابق و مأموران ساواک.

11- محکومین به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس و

ارتشاء و غصب اموال دیگران و محکومین به سوء

استفاده مالی به حکم محاکم صاحبه قضائی.

بند پنجم: در اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت

داوطلبان:

الف- اعلام داوطلبی: داوطلبان نمایندگی مجلس باید

ظرف هفت روز از تاریخ انتشار دستور شروع

¹ - 144 - اصل 49: دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند. در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

انتخابات به وسیله وزارت کشور با مراجعه به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور پرسشنامه مخصوص اعلام داوطلبی را دریافت و تکمیل و تسلیم نمایند. مراتب قبلاً به وسیله وزارت کشور از طریق رسانه های گروهی به آگاهی عموم خواهد رسید و فرمانداران و بخشداران مکلفند مراتب را به وسایل مقتضی به اطلاع کلیه اهالی حوزه انتخابیه برسانند.¹ ضمناً داوطلبان نمایندگی مجلس واجد شرایط خارج از کشور می توانند با مراجعه به سفارتخانه یا کنسولگری یا نمایندگی سیاسی مربوط پرسشنامه داوطلبی را تنظیم کنند.² فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه موظف است... مشخصات کامل داوطلبان را با سریع ترین وسیله به وزارت کشور و وزارت کشور به هیأت مرکزی اعلام نماید.³ هریک از داوطلبان نمایندگی مجلس شخصاً و به صورت کتبی می توانند انصراف خود را به فرمانداری یا بخشداری مرکز حوزه انتخابیه و یا وزارت کشور اعلام نمایند و مراتب انصراف توسط وزارت کشور فوراً به اطلاع هیأت مرکزی نظارت می رسد، عدول از انصراف پذیرفته نمی شود.

¹ - ماده 45 قانون انتخابات.

² - تبصره 1 ماده 45 همان.

³ - ماده 47 همان.

ب — رسیدگی به صلاحیت داوطلبان : وزارت کشور و شورای نگهبان پس از وصول مشخصات داوطلبان ، روزانه لیست کام — آنان را تهی — و به منظور بررسی سوابق آنان در رابط — با صلاحیت های مذکور در این قانون به وزارت اطلاع — ات، دادستان کل ، سازمان ثبت احوال کشور، اداره تشخیص هویت و پلیس بین المللی در مرکز ارسال می دارد، مراجع مذکور موظفند ظرف پنج روز نتیجه بررسی را با دلیل و سند به وزارت کشور و شورای نگهبان اعلام نمایند¹. وزارت کشور موظف است پس از وصول نتایج بررسی از مراجع قانونی مراتب را به فرمانداران و بخشداران حوزه های انتخابیه اعلام نماید و فرمانداران بخشداران مراکز حوزه های انتخابیه موظفند — د عیناً مدارک و نتایج بررسی را در جلسه مشترک هیأت اجرائی و هیأت نظارت مرکز حوزه انتخابیه مربوط مطرح نمایند².

وزارت اطلاعات (به عنوان یک دستگاه مقتدر قوه مجریه) در بررسی سوابق صلاحی — ت داوطلبان (همچون بررسی اعتقاد و التزام مذهبی یا سیاسی که رد یا اثبات آن بسیار مشکل و تابع سلیقه ونی —

⁴ — ماده 46 همان قانون

¹ — ماده 48 همان

مقامات و مسئولان بررسی کننده است) ابتکار عمل تعیین کننده وجهت دهنده ای را در قبول یا رد آنان دارد. از این موضوع نمی‌توان به سادگی گذشت ، زیرا استقلال نمایندگان و به طور کلی قوه مقننه در گرو همین نظارت خواهد بود. در چنین روندی اصولاً افراد و گروههای مخالف دولت شانس برای راهیابی به قوه مقننه نخواهند داشت ، هرچند که شورای نگهبان امر نظارت بر تمام مراحل انتخابات را بر عهده دارد، اما نظر قطعی وزارت اطلاعات فاقد ابتکار لازم خواهد بود.¹

هیأت‌های اجرائی مراکز حوزه های انتخابیه موظفند حداکثر ظرف ده روز پس از پایان مهلت ثبت نام با توجه به نتایج بدست آمده از بررسیه‌ای لازم در محل و با استفاده از نتایج اعلام شده توسط وزارت کشور صلاحیت داوطلبان را مورد رسیدگی قرار داده و نتیجه را کلاً به هیأت‌های نظارت اعلام نمایند.²

در مورد رسیدگی به صلاحیت داوطلبان باید گفت که این رسی‌دگی باید مستند به قانون و بررسی مدارک و اسناد معتبر می‌باشد.³ کلیه مراجع

² - دکتر هاشمی، سید محمد، پیشین، مأخذ ص 111

³ - ماده 50 همان قانون

⁴ - ماده 51 همان

بررسی کننده صلاحیت داوطلبان در انتخابات موظفند صرفاً بر اساس مواد قانونی و بر اساس دلایل و مدارک معتبر که توسط مراکز مسئول قانونی به مراجع اجرایی و نظارتی ارسال شده است، به بررسی صلاحیت داوطلبان بپردازند و چنانچه صلاحیت داوطلبی را رد کردند باید علت رد صلاحیت را به شرح ذیل با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب ابلاغ نمایند:

1- مستندات قانونی باید به صورت کتبی به داوطلب اعلام گردد.

2- در صورت درخواست داوطلب باید به دلایل و مدارک رد صلاحیت نیز توسط مرجع رسیدگی کننده و به ترتیب زیر به اطلاع وی رسانده شود: الف در کلیه موارد به استثنای، بند ب، ج، د، دلائل و مدارک کتبی به اطلاع وی می‌رسد.

ب — در موردی که دلائل و مدارک با عفت عمومی و یا هتک حیثیت اشخاص مرتبط می‌شود، چنانچه شخص داوطلب در معرض هتک باشد، دلائل و مدارک حضوراً به اطلاع وی می‌رسد و در صورتیکه پس از اطلاع حضوری فی المجلس به طور کتبی تقاضا کند دلایل و مدارک مربوط کتباً ابلاغ می‌شود.

ج — چنانچه ذکر دلائل و مدارک علاوه بر هتک حیثیت داوطلب متضمن هتک فرد یا افراد دیگر باشد، دلائل و مدارک فقط حضوری به اطلاع داوطلب می‌رسد.

د — در مورد مربوط به امنیت ملی اعلام دلائل و مدارک ونحوه اعلام آنها به داوطلب به تشخیص کمیسیونی با عضویت رئیس ستاد فرماندهی کل قوا و وزیر اطلاعات و وزیر کشور خواهد بود.¹ در هر حال این کار پسندیده‌ای که رد صلاحیت داوطلبان نمایندگی باید مستند به قانون و بر اساس مدارک و اسناد معتبر باشد اما نکته‌ای که در مورد رسی — دگی به صلاحیت داوطلبان توسط هیأت — آت اج — رای در ابتدای امر وجود دارد این است که طبق مواد قانونی صلاحیت داوطلبان ابتدائاً در هیأت اجرایی بررسی می‌شود. ماده 37 قانون انتخابات مجلس شورای بیان می‌دارد که جلسات هیأت‌های اجرایی باحضور دوسوم کلیه اعضاء رسمیت یافته و اخذ تصمیم با اکثریت مطلق حاضرین خواهد بود تبصره ه مین ماده مقرر می‌دارد: رأی ممتنع در حکم رأی مخالف خواهد بود.

همان طوری که گفته شد یکی از وظایف مهم و اصلی هیأت‌های اجرایی رسیدگی به صلاحیت داوطلبان بر طبق

¹ — ماده واحده قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف، مصوب 78/8/2 مجمع³ — تشخیص مصلحت نظام

قانون می‌باشد. لذا ایرادی که به نظر می‌رسد این است که برابر دانستن رأی ممتنع با رأی مخالف، در واقع به این مفهوم است که اصل بر «واجد شرایط نبودن» کاندیداها و «عدم صلاحیت» آنان است. چنین نگرشی باعنایت به روح قانون اساسی و از جمله اصل 37 (اصل برائت)، شگفت‌انگیز و بی‌نظیر می‌نماید و به نظر می‌رسد که با جایگاه انسان در جامعه به عنوان یک شهروند مغایر می‌باشد. واقعاً سؤال و ایرادی که وجود دارد این است که در صورتی که اعضای هیأت‌های اجرایی به عنوان معتمدین محلی در تعیین صلاحیت کاندیداها در مورد فرد یا افرادی، نظر به صلاحیت یا عدم صلاحیت نداشته باشند، چگونه می‌توان رأی ممتنع را فرض بر صلاحیت دار نبودن فرد و به عبارتی عدم صلاحیت داوطلب فرض کرد؟ اصلاً همان مقداری که رأی ممتنع یا رأی مخالف فاصله دارد به همان مقدار با رأی موافق هم فاصله دارد. سؤال این است که نمایندگان محترم با چه دیدی نسبت به تصویب این امر اهتمام ورزیده‌اند؟ در هر حال وجود این تبصره جای تأمل دارد. همچنین کسانی که صلاحیت آنان مورد تأیید قرارنگرفته حق دارند ظرف چهار روز از

تاریخ ابلاغ به داوطلب، شکایت خود را مستدلاً به هیأت استان اعلام نمایند.¹

گزارشها و شکایات واصله ظرف مدت هفت روز پس از پایان مهلت دریافت شکایت در جلسه هیأت نظارت استان رسیدگی و نتیجه صورتجلسه می‌شود. چنانچه نظر هیأت اجرائی مبنی بر رد صلاحیت داوطلب، مورد تأیید هیأت نظارت استان نی‌ز باشد هیأت نظارت مذکور است در این خصوص، نظر هیأت مرکزی نظارت را نیز کسب نماید. هیأت نظارت استان در مورد صلاحیت سایر داوطلبان نیز نظر خود را به هیأت مرکزی نظارت اعلام می‌نماید.

هیأت نظارت استان پس از کسب نظر هیأت مرکزی نظارت، موظف است مراتب تأیید یا رد صلاحیت کلیه داوطلبان را با استناد قانونی طی صورتجلسه ای به فرمان‌دار یا بخشدار مربوط اعلام نماید. فرماندار یا بخشدار موظف است نظر هیأت مرکزی نظارت، مبنی بر تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان را که از هیأت نظارت استان دریافت نموده است به نامبردگان ابلاغ نماید تا در صورت اعتراض به رد صلاحیت خود، کتباً به شورای نگهبان شکایت نمایند. در صورتی که نظر هیأت مرکزی نظارت مبنی بر رد صلاحیت داوطلبان باشد

¹ - تبصره ماده 51 همان، قانون

که صلاحیت آنان مورد تأیید هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه قرار گرفته است ، داوطلبان می توانند اعتراض خود را به شورای نگهبان تس لیم نمایند، شورای نگهبان بیست روز پس از اظهار نظر هیأت مرکزی نظارت نظر قطعی و نهایی خود را در خصوص تأیید یا رد صلاحیت داوطلبان به وزارت کشور اعلام خواهد نمود.¹

در هر حال آنچه که مهم است این است که مراجع رسیدگی کننده به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده مکلفند به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده دقیقاً رسیدگی نموده و نتیجه را به داوطلب و مجریان انتخاب اعلام نمایند . در صورت تقاضای داوطلبان رد صلاحیت شده او لین مرجع رسیدگی کننده به شکایات ، حسب مورد موظف است توضیحات و دفاعیات آنان را استماع نمایند . و چنانچه شورای نگهبان صلاحیت داوطلبی را که در مراحل قبلی مورد تأیید قرار گرفته رد نماید داوطلب میتواند حداک ثر ظرف مدت سه روز از تاریخ ابلاغ شورای نگهبان در خواست رسیدگی مجدد نماید . شورای نگهبان باید ظرف هفت روز رسیدگی و اعلام نتیجه نماید.²

¹ - ماده 52 همان قانون

² - تبصره 2 و 3 ماده واحده یاد شده

بند ششم : نظارت در جريان انتخابات:

الف — در مرحله أخذ رأی : قبل از شروع رأی گیری باید در حضور نمایندگان هیأت نظارت بر حوزه انتخابیه مربوط ، صندوقهای خالی ، بسته و ممهور به مهر هیأت نظارت حوزه انتخابیه گرد د و در صورتجلسه ای که قبل از آغاز زمان انتخابات در محل أخذ رأی تنظیم می گردد ، نمایندگان هیأت نظارت بر حوزه انتخابیه مربوط ، تعداد صندوقها و خالی بودن آنها را گواهی نمایند و در صورتی که در جریان رأی گیری نیاز باشد که صندوقی را اضافه نمایند باید به همین ترتیب عمل نموده و صورتجلسه گردد.¹

نکته ای که در ماده فوق قابل تأمل است این می باشد که در همه انتخابات تاکنون صندوقهای خالی أخذ رأی باید به مهر فرمانداری و بخشداری به عنوان مهر انتخابات ممهور می شد در حالیکه در مصوبه جدید ، مهر فرمانداری و بخشداری حذف شد و فقط به مهرهای هیأت نظارت اکتفا شده است که این مسئله ای است که می تواند مورد ایراد واقع شود . هنگام أخذ رأی نماینده فرماندار یا بخشدار و اعضاء شعب ثبت نام

¹ - ماده 22 قانون انتخابات

و أخذ رأی باید ترتیبی اتخاذ نمایند که رأی نویسی مخفی و به صورت کاملاً آزاد بدون اعمال نفوذ شخص دیگری انجام گیرد و هیچ یک از اعضای شعب و نماینده فرماندار یا بخشدار و مأمورین انتظامی و نماینده هیأت نظارت بر حوزه انتخابیه و اصولاً کلیه افرادی که به نحوی از انحاء در شعب وظیفه‌ای به عهده دارند حق نوشتن برگ رأی برای اشخاص را در صورتی که برای نوشتن نیاز به فرد دیگری باشد رأی دهند . بایستی از وجود افراد خارج از شعبه که مورد اعتماد وی هستند استفاده نماید و اعضاء شعبه نیز کنترل نمایند تا عمل خلاف قانون انجام نگیرد.

همچنین نماینده هیأت برحوزه انتخابیه در صورت مشاهده تخلف یا اعمال نفوذ موظف است مراتب را به اعضای شعبه و نماینده فرمانداری یا بخشدار تذکر دهد و آنان ضمن بررسی موضوع باید فرد یا افراد خاطی را توسط مأموران انتظامی حاضر در شعبه جلب و مراتب را صورتجلسه نمایند و همواره خاطی تحویل مقامات قضایی دهند.¹ هیأت‌های نظارت بر حوزه های انتخابیه ، در صورت وجود آراء مخدوش و یا غیر

¹ - بندهای 2 و 3 ماده 66 آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، مصوب 78/9/14، روزنامه رسمی 78/21 شماره 15926

قانونی ابطال آنها را مورد تأیید قرار می دهند.¹

پس از پایان انتخابات، بلا فاصله صورتجلسه نتیجه انتخابات با اعضاء هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه و هیأت نظارت بر انتخابات حوزه مربوط درپنج نسخه تهیه می شود که یک نسخه نزد هیأت اجرایی مرکز حوزه انتخابیه می ماند و بقیه برای هیأت نظارت بر انتخابات مزبور و وزارت کشور (دو نسخه) و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات ارسال می شود.² درهرحال تفصیل وظایف هریک از ناظرین و هیأت های نظارت درمراحل مختلف انتخابات درهمین بخش آورده شده است.

ب — درتوقیف یا ابطال انتخابات:

ابطال یا توقف کل انتخابات یک حوزه انتخابیه یا شعبی که در سرنوشت انتخابات تأثیر تعیین کننده دارد از اختیارات شورای نگهبان است.³ و توقف یا ابطال انتخابات درهر حوزه انتخابیه باید مستند به قانون و همراه با اسناد و مدارک معتبر و ب رأی اکثریت مطلق اعضای شورای نگهبان باشد.⁴ البته هیأت اجرایی می تواند امور انتخابات در یک یا چند شعبه

² - مواد 18، 19 همان قانون

³ - ماده 26 همان قانون

⁴ - ماده 5 قانون نظارت شورای نگهبان

⁵ - تبصره ماده 72 قانون انتخابات

که از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته در صورتی که درسرنوشت انتخابات مؤثر نباشد را باطل اعلام کند.¹ هیأت مرکزی نظارت حق ابطال انتخابات یا متوقف ساختن آن را ندارد فقط باید مدارک حاکی از عدم صحت یا لزوم متوقف ساختن آن را برای شورای نگهبان بفرستد تا شورا در مورد ابطال یا متوقف کردن آن نظر بدهد. و نظرشورای نگهبان در مورد ابطال یا توقف انتخابات قطعی و لازم الاجرا است، ادامه انتخابات در حوزه ای که از طرف شورای نگهبان متوقف گردیده، بدون اعلام نظر ثانوی شورای نگهبان وجه قانونی ندارد و جز شورای نگهبان هیچ مقام و مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد.²

بند هفتم : در رسیدگی به شکایات و صدور اعتبارنامه:

الف- در رسیدگی به شکایات : هیأت های اجرایی موظفند از تاریخ اعلام نهائی صلاحیت داوطلبان تا دو روز پس از اعلام نتیجه أخذ رأی انتخابات، شکایات واصله را بپذیرند و از تاریخ دریافت شکایات تا

⁶- ماده 70 همان قانون
¹- مواد 10 و 11 قانون نظارت

هفت روز پس از پایان أخذ رأی در جلسه مشترک هیأت اجرایی و ناظرین شورای نگهبان درحوزه انتخابیه به آنها رسیدگی نمایند و کسانی که نسبت به نحوه برگزاری انتخابات شکایت داشته باشند میتوانند ظرف هفت روز از تاریخ أخذ رأی شکایت مستند خود را به شورای نگهبان ارسال نمایند.¹ هیأت اجرایی پس از بررسی شکایات و گزارشها، چنانچه تشخیص دهد که امور انتخابات در یک یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده و صحیح انجام نگرفته است، با تأیید ناظرین شورای نگهبان، انتخابات یک یا چند شعبه مزبور را در صورتی که در نتیجه مؤثر نباشد باطل اعلام مینماید.² همانطوریکه گفته شد توقف یا ابطال انتخاب حوزه انتخابیه یا شعبی که در سرنوشت انتخابات تأثیر تعیین کننده دارند از اختیارات شورای نگهبان است و در صورتی که رسیدگی به شکایت هریک از حوزه های انتخابیه منجر به ابطال انتخابات گردد، اعلام آن از رسانه های گروهی از اختیارات شورای نگهبان است. نهایتاً اینکه در ارسال و گزارش شکایات و پرونده های انتخاباتی به مجلس ماده 71 این قانون مقرر میدارد: کلیه

²- ماده 68 قانون انتخابات

³- ماده 70 همان قانون

شکایات مربوط به انتخابات ، قبل از ارسال پرونده انتخاباتی به مجلس توسط وزارت کشور به هیأت مرکزی نظارت ارسال و پس از صدور اعتبار نامه ها به مجلس ارسال دارد.

ب - در صدور اعتبار نامه : صدور اعتبار نامه

منتخبین موکول به عدم ابطال انتخابات از طرف شورای نگهبان می باشد و شورای نگهبان در اسرع وقت نظر خود را در باره انتخابات اعلام می نماید و وزارت کشور موظف است بلافاصله دستور صدور اعتبار نامه را بدهد. اعتبار نامه منتخبین به دستور وزارت کشور و با مهر و امضای هیأت نظارت در پنج نسخه (یک نسخه برای شورای نگهبان) ظرف مدت چهل و هشت ساعت تنظیم و صادر می گردد و در صورتی که هریک از اعضای هیأت های اجرایی و نظارت پس از اعلام نظر شورای نگهبان از امضای اعتبارنامه خود داری کنند فرماندار یا بخشدار مرکز حوزه انتخابیه موظف است به وسیله پیک مطمئن از طریق ستاد انتخابات استانداری کلیه نسخ اعتبارنامه را برای امضای وزیر کشور و رئیس هیأت مرکزی نظارت سریعاً به ستاد انتخابات کشور تحویل نماید و اعتبار نامه را با

امضای وزیر کشور و رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات کشور معتبر خواهد بود.¹

مبحث سوم: نظارت شورای نگهبان بر امر همه پرسی از دیدگاه قانون:

بند اول: همه پرسی و انواع آن:

همه پرسی یا مراجع ه به آراء عمومی یکی از شیوه های حاکمیت مردم می باشد که نشانگر نقش بسزای مردم در تعیین سرنوشت خودشان می باشد. قانون اساسی برای ارج نهادن به حاکمیت ملی و دخالت اراده ملت در سرنوشت خویش مسأله همه پرسی را مطرح نموده که براساس آن آحاد ملت حق دارند در مسائل مهم و اساسی، به طور مستقل و مستقیم تصمیم گیری نمایند. اختیارات انحصاری قوه مقننه با روش دموکراسی مستقیم یا مراجع ه به آراء عمومی محدود میگردد و به مردم فرصت داده می شود تا نظارت خود را ابراز دارند دلیلش این است که در حکومت دموکراسی قدرت عالی و حاکمیت، خاص مردم است و تعیین این که روابط آنان با هیأت حاکم از چه قرار باشد با آنهاست.

¹ - ماده 71 همان قانون

همه پرسى و رفرندم، رجوع به آراء عمومى و به مشورت گرفتن مردم در باره لزوم يا عدم لزوم و همچنين شكل و محتوای قاعده‌ای از قوانین عادى و يا اساسى است. معمولاً باید اصل همه پرسى در قانون اساسى مصوب به عنوان يكى از سرچشمه‌هاى قانونگذاری شناخته شده باشد، تا بتوان از اين آئين برای اخذ تصميم استفاده کرد. ممكن است همه پرسى پيش از شكل قانون برای اخذ نظر مردم مورد استفاده واقع شود در اينصورت به آن همه پرسى مشورتى مى گویند. در اين حالت، هرگاه به سؤال طرح شده آراء مثبت داده شد، خودبه تنهائى نمیتواند قاعده مورد نظر را به گونه استقرار یافته آن الزام آور سازد، بلکه اصل اندیشه يا طرح مورد پذيرش مردم، مهياى تصويب توسط مراجع تقنینى عادى مى‌شود، در صورتى كه موافقت مردم بامتن همه پرسى شده به منزله تصويب و لازم الاجرا شدن قانون باشد آن را همه پرسى تصويبى گویند.

البته، بسا اتفاق افتاده است كه مراجعه به آراء عمومى، در خصوص موضوع معين و مشخص تصميم گيرى كه حتى ظاهرى غير شخصى نیز دارد، منجر به ابراز عقیده در باب مراجعه کننده به همه پرسى مى‌گردد، يعنى از حالت اعمال حاکميت مستقيم به اعلام اعتماد عمومى نسبت به رئيس مملكت يا شخصيت سياسى، تغيير

ماهیت می‌دهد. در این صورت رجوع به آرای عمومی را «پله بیست» می‌نامند. در بکارگیری ابزار همه‌پرسی، به عنوان یکی از آئین‌های دموکراتیک، میان حقوقدانان اتفاق نظر نیست، بنا به باور اکثریت علمای حقوق، شیوه تصمیم‌گیری در مجالس مقننه که با تأمل و گفت و شنود و مجال تفکر توأم است، بر شیوه همه‌پرسی مرجح دانسته شده است. روش نخست، گرایش پیش‌اندیشیده‌تر و مستدام‌تر جامعه را منعکس می‌کند. در صورتی که در روش دوم، اتخاذ تصمیم برمدار گرایش‌های هیجانی، زودگذر و زیر تأثیر نطق و خطابه و روانشناسی شتاب‌آلود مردم می‌شوند و فره و محبوبیت مقام سیاسی که موجد همه‌پرسی نشده است، علی‌الاصول در نتیجه آن تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد.¹ در بیشتر موارد، مداخله شهروندان در امر قانونگذاری، در اطراف تغییر و تبدیل یا اصلاح و تهذیب قانون موجود دور می‌زند، ولی انجام همه‌پرسی برای وضع و ابداع قوانین عادی، با شرایط دشوارتر و محدودیت بیشتری صورت می‌گیرد.

در کشور سوئیس، هنگامی می‌توان ابزار همه‌پرسی را بکارگرفت که حداقل پنجاه هزار نفر از شهروندان واجد شرایط یا هشت کانتون بخواهند که امری به

¹ - دکتر قاضی، مأخذ یاد شده، صص 4-372

تصویب عموم واگذار شوند. با این همه، مسائل بودجه و قوانین مالی و همچنین سایر مسائلی که مجالس مقننه با اکثریت مطلق فوریت، آنها را تصویب کنند از شمول همه پرسى خارج و راجع به مجالس مقنن است. در کشور فرانسه، همه پرسى از ابداعات جمهوری پنجم است یکی از راههای تقنین در نظر گرفته شده است. همه پرسى، على الاصول، به پیشنهاد مجریه (هیأت وزیران) ولی از حقوق ریاست جمهور است، علاوه بر آن، اگر دو مجلس نیز انجام همه پرسى را تصویب کنند مجریه ناچار از اجرای آن است. در اسپانیا، رئیس مملکت می تواند موضوعی را که خصیصه «الویت و اهمیت» یا ویژگی «منافع عموم» را دارا باشد، به نظر خواهی مردم واگذار کند. در ایتالیا از نوع دیگری همه پرسى استفاده می شود، که معنی آن اعمال حق مخالفت (حق وتو) شهروندان با تصمیمات مجالس است. مثلاً اگر پانصد هزار رأی دهنده یا پنج شورای منطقه، لغو قانون مصوب پارلمان را درخواست کنند، موضوع باید به همه پرسى گذاشته شود. اما لغو مصوبات مجالس مشروط بر آن است که اکثریت واجدان شرایط رأی دادن، در همه پرسى شرکت کنند و اکثریت آراء اخذ شده، موافق با لغو اعتبار قانون نامبرده

باشد.¹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در چند اصل به امر همه پرسی اشاره کرده است که این نشانگر توجه این قانون به آرای عمومی و اهمیت آن در اداره امور کشور می باشد، همه پرسی و مراجعه به آراء عمومی به سه صورت متصور است.

1- همه پرسی تضمینی: وقتی است که در مسائل مهم امر قانون گذاری به آراء عمومی گذاشت می شود.

2- همه پرسی سیاسی: وقتی است که رئیس کشور برای اتخاذ تصمیمات سیاسی فوق العاده با مراجعه به اکثریت آراء مردم، اعتماد آن ها را نسبت به خود جلب می کند.

3- همه پرسی اساسی: برای تجدید نظر در قانون اساسی صورت می گیرد.

بند سوم اصل یکصد و دهم، که در بازنگری 1368 به قانون اساسی اضافه شده، ((فرمان همه پرسی)) را از اختیارات مقام معظم رهبری مقرر داشته است با توجه به این که در اصل م ذکور به نوع همه پرسی اشاره نشده، توجه به قرائن دیگر در قانون اساسی، موارد اختیار رهبری را در این خصوص برای ما مشخص می نماید:

² - همان مأخذ، 5-494

1- در مورد همه پرسى تفنىى، اصل 59 قانون اساسى، مراجعه به آراء عمومى را موکول به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس دانسته است به این صورت که در مسائل مهم اقتصادى، سیاسى، اجتماعى و فرهنگى ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسى و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومى باید به تصویب دو سوم نمایندگان مجلس برسد. همچنین ((همه پرسى به پیشنهاد رئیس جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامى و تصویب حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامى انجام خواهد شد.)) با توجه به این که رهبر فرمان همه پرسى را صادر مى نماید، با موضوع مذکور در مقررات فوق معارض مى باشد. در این صورت به نظر مى رسد که اختیار رهبر شامل همه پرسى تفنىى نباشد. با توجه به این که در سلسله مراتب مقامات، رهبر بر قوه مقننه نظارت و اشراف دارد بدیهى است موضوع فرمان همه پرسى از سوى وی را نمیتوان در خواست تلقى نمود که در بررسى و تصویب مجلس قرار گیرد.

2- در مورد همه پرسى سیاسى، هیچ قرینه روشنى در قانون اساسى مشاهده نمى شود اما به نظر مى رسد که مقام رهبرى برای اتخاذ برخى از تصمیمات سیاسى و

قانونی خود که با افکار عمومی مشارکت مردم قابلیت ارتباط بیشتری دارد ، از طریق مراجعه به آراء عمومی اعتماد مردم را جلب نماید.

3- در مورد همه پرسى بازنگرى قانون اساسى (همه پرسى اساسى) قرينه فرمان همه پرسى توسط رهبرى (موضوع بند سوم اصل يكصد و دهم) را در قسمتى از اصل يكصد و هفتاد و هفتم مى بينيم كه مقرر مى دارد: ((مقام رهبرى پس از مشورت با مجمع تشخيص مصلحت نظام طى حكمى خطاب به رئيس جمهور موارد اصلاح يا تميم قانون اساسى را ب ه شورى بازنگرى قانون اساسى پيشنهاد مى نمايد ... مصوبات شورا پس از تأييد و امضای مقام رهبرى بايد از طريق مراجعه به آراء عمومى به تصويب اكثريت مطلق شركت كنندگان در همه پرسى برسد.¹

بند دوم: ضرورت و چگونگی نظارت بر همه پرسى:

در هر حال با توجه به اهميتى كه همه پرسى دارد و با توجه به اين كه قانون اساسى در اصل ششم اداره امور كشور به اتكاء آراء عمومى از راه همه پرسى را اساس كار قرار داده و دو مورد از انواع همه پرسى هم اعمال قوه مقننه در مسائل بسيار مهم

¹ - دكتر هاشمى , همن مأخذ , ص 6- 85

و در بازنگری قانون اساسی را مقرر داشته است .
 بنابراین همه پرسى هم ممکن است مانند انتخابات
 دستخوش جریانات ناسالم و تخلفاتی قرار بگیرد . لذا
 برای جلوگیری از این امر، وجود مقام ناظرى در این
 مورد حتمى و ضرورى به نظر مى‌رسد . لذا اصل نوزدهم
 نظارت بر همه پرسى را بر عهده شورای نگهبان قرار
 داده است و این شورا مسئول نظارت بر امر همه پرسى
 مى باشد . و طبق قانون همه پرسى هم نظارت بر همه
 پرسى به عهده شورا نگهبان مى باشد .¹ و وزارت کشور
 ضمن هماهنگی با شورای نگهبان ، تاریخ برگزاري همه
 پرسى را تعیین و اعلام خواهد نمود.²
 در هر حال وظیفه شورای نگهبان نظارت بر همه
 پرسى مى باشد و وزارت کشور مأمور اجرای همه پرسى
 بوده و مسئول صحت جریان برگزاري آن است و بدین
 منظور مى تواند مأمورانی جهت بازرسى و کنترل
 جریان همه پرسى ب ه طور ثابت و یا سیار به
 شهرستان ها و بخش ها و شعب ثبت نام و اخذ رأی
 اعزام نماید و حق دخالت در امر نظارت شورای
 نگهبان را ندارد.³

¹- ماده 3 قانون همه پرسى در جمهوری اسلامى ایران ، مصوب 1368/4/4 ، انتشارات مجلس شورای اسلامى .

²- ماده 2 قانون فوق .

³- ماده 11 همان .

بن ابراین بلافاصله پس از صدور شروع همه پرسی از طرف وزارت کشور فرماندار دستور تشکیل هیأت های اجرائی را به بخشداران صادر نموده و موظف است ظرف 3 روز هیأت های اجرایی همه پرسی شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و 8 نفر از معتمدین تشکیل دهد. بیست و چهار نفر از معتمدین محل ، بنابر دعوت کتبی فرماندار یا بخشدار ظرف دو روز تشکیل جلسه داده و سپس از حضور دو سوم مدعوین در حضور هیأت نظارت از بین خود یا خارج ، هشت نفر را به عنوان معتمدین اصلی پنج نفر را به عنوان معتمدین علی البدل هیأت اجرایی با رأی محفی و اکثریت نسبی آراء انتخاب می نمایند. تعداد اعضای هیأت های اجرائی شهرستان و بخش و کیفیت و مهلت تشکیل آن ها یکسان است و کلیه امور همه پرسی مرکزی را ، هیأت اجرائی شهرستان انجام می دهد. و معتمدین هیأت اجرایی باید دارای ایمان و التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و حسن شهرت و سواد خواندن و نوشتن بوده و از عوامل مؤثر در تحکیم رژیم سابق و وابسته به گروه های غیر قانونی نباشند.¹

¹ - مواد 15 الی 19 همان.

موضوع نظارت بر همه پرسی، در قانون همه پرسی در
 جمه—وری اس—لامی ایران مقرر گردیده است، ب—ه
 موجب ماده 37 ((شورای نگهبان طبق قانون نظارت بر
 انتخابات ریاست جمهوری بر همه پرسی نظارت خواهد
 کرد.)) بر اس—اس قانون نظارت مذکور که در بخش
 دوم مورد توجه قرار گرفت. شورای نگهبان در این
 مورد از طریق تعیین هیأت مرکزی نظارت و هیأت های
 نظارت شهرستان و ناظرین شعب ثبت نام و اخذ رأی بر
 جریان همه پرسی نظارت نموده و ((... ظرف یک هفته
 و در صورت ضرورت حداکثر ده روز پس از دریافت
 نتیجه همه پرسی نظر قطعی خود را جهت امضاء به
 رئیس جمهور ارسال نموده و رئیس جمهور پس از امضاء
 به وزارت کشور اعلام و وزارت کشور از طریق
 رسانه های گروهی نتیجه نهائی را به اطلاع مردم
 خواهد رساند.))¹

²— ماده 27 همان قانون.

نتیجه و پیشنهادات :

انسان دارای خلقتی آزاد است. و این آزادی فطری به انسان حق انتخاب می دهد. یعنی انسان در آن می تواند انتخاب کند و یا انتخاب بشود. اما با توجه به پیچیدگی های که در امر تبلیغات ناشی از پیشرفت رسانه های گروهی به وجود آمده، به طور فزاینده ای هم راه های تخلف و تقلب در انتخابات هم بیشتر شده است که این امر به رقابت و انتخابات سالم و در کل به خواست و اراده مردم لطمه وارد می سازد. به این ترتیب وجود یک نهاد ناظر که بتواند از تخلفات جلوگیری کند امری لازم و محتوم می باشد. و این مسئله ای است که در کشورهای جهان امروز شناخته شده می باشد. نتیجه گیری پژوهش با این شیوه انجام می شود که در ابتدا به نتایج حاصله از بررسی مبانی و اصول حاکم نظارت بر انتخابات و بخش دوم به ساختار مدیریت اجرایی و نظارت، که نخست به بخش ها و لایه های وزارت کشور و نحوه نظارت در قالب بازرسی و سپس به ساختار مدیریت و نظارت شورای نگهبان و در بخش سوم تحلیل نظام نظارت بر انتخابات در مراحل مختلف که در فصل اول آن به مفهوم نظارت و مصادیق و انواع آن و تحلیل اصل 99 با دیدگاه های موافق و مخالف پرداخت شده است. . در جمهوری اسلامی ایران

نظارت بر امر انتخابات و همه پرسى به شوراي نگهبان داده شده است. اصل نود و نهم قانون اساسى مقرر مي‌دارد كه «شوراي نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبري، رياست جمهوري مجلس شوراي اسلامي و مراجعه به آراء عمومي و همه پرسى را بر عهده دارد». بنابراین مطابق اصل 99 حق نظارت بر انتخابات و همه پرسى بر عهده شوراي نگهبان مي‌باشد. اما با توجه به ابهاماتي كه در اين اصل وجود داشت و همچنين با توجه به اينكه شوراي نگهبان در مقام تأييد و رد صلاحيت داوطلبان بر آمده بود سؤالات و ايراداتي در اين زمينه به وجود آمد از جمله اينكه نوع و حدود اين نظارت چگونه است؟ و اينكه كيفيت نظارت شورا چه اقداماتي مي‌تواند انجام دهد؟ و اينكه چارچوب نظارت چيست؟ آيا شامل مراحل تأييد و رد صلاحيت كاندیداها هم مي‌شود؟ و سؤالاتي از اين قبيل باعث گرديد تا شوراي نگهبان در رابطه با اصل 99 قانون اساسي و در خصوص كيفيت نظارت بر انتخابات چنين تفسيري نمايد. «نظارت مذکور در اصل 99 قانون اساسي استصوابي است و شامل تمام مراحل اجراي انتخابات از جمله تأييد و رد كاندیداها هم مي‌شود».

بدین ترتیب با توجه به این تفسیر بود که دو دیدگاه و نظر در این رابطه بی‌ان‌گردید یعنی عده‌ای این تفسیر شورا را تأیید کردند و دسته‌ای دیگر با آن مخالفت کردند در هر حال باید توجه داشت که قوانینی که در این مورد به تصویب رسیده است در جهت حمایت از نظارت استصوابی شورای نگهبان بر امر انتخابات می‌باشد. مثلاً ماده 3 قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی بر عهده شورای نگهبان می‌باشد این نظارت استصوابی و در تمام مراحل و در کلیه امور مربوط به انتخابات جاری است.

برگزاری انتخابات اصیل، آزاد و منصفانه وابسته به وجودی که نهاد مدیریتی اجرایی مستقل، بی‌طرف، متخصص، شفاف، پاسخگو و براساس قانون است. نظریه اینکه وزارت کشور در درون قوه‌ی مجریه، سازماندهی می‌شود، همواره برگزاری انتخابات و نتایج حاصله از آن متأثر از نوع سازماندهی مجریان و تفکر حاکم بر دولت بوده است، لذا فاقد شاخصه‌های انتخابات شایسته برای مدیریت اجرایی می‌باشد. از این رو، در طرح الگوی مطلوب انتخابات، پیشنهاد می‌شود که یک کمیسیون مرکزی انتخابات، مستقل از قوای حاکم در کشور و با حضور اعضای حکومتی و غیر حکومتی و با

شعبات فرعی در استان ها و شهرستان ها تشکیل شود که امر برگزاری انتخابات را تا حد امکان به دور از اعمال نفوذهای سلیقه ای و گرایشی انجام دهد. در این ترکیب، 3 نفر از شوراهای محلی با حق رأی، 2 نفر از طرف احزاب، 2 نفر از طرف سازمان های غیر دولتی، 2 نفر از طرف رسانه های گروهی و 2 نفر از شهروندان بدون حق رأی حضور دارند. شرط صلاحیت افراد، این است که باید دارای دانش حقوقی، مدیریتی، اداری و سیاسی و عدم عضویت در احزاب و عدم فعالیت سیاسی مؤثر، مستقل و بی طرف باشند. تصمیمات این نهاد، به طور علنی و با حضور چنین افرادی اتخاذ می شود. کلیه ی شعبات و نهادهای فرعی کمیسیون مرکزی که عبارتند از: کمیسیون اجرایی استان، شهرستان کمیسیون اجرایی حوزه انتخابیه، کمیسیون ثبت نام رأی دهنده و کمیسیون حوزه رأی گیری تحت نظارت کنترل (ارشادی و تعقیبی) کمیسیون مرکزی می باشند و این کمیسیون، می تواند تمام تصمیمات انتخاباتی کمیسیون های زیر مجموعه را مورد اصلاح، تغییر و ابطال قرار دهد. نهاد م دیریت اجرایی انتخابات باید تحت نظارت قرار گیرد و هدف کلی نظارت بر فرایند انتخابات، این است که حقوق سیاسی شهروندان و جابجایی قدرت

بر اساس اراده واقعی مردم تضمین شود . مدیریت نظارتی نیز تحت اصول و قواعد حاکم بر مدیریت اجرایی است، با این تفاوت که دخالتی در اجرای انتخابات نخواهد داشت و صرفاً به مشاهده وقایع انتخاباتی، ثبت و گزارش آنها به نهادها و مقامات ذی صلاح و اقدام به تذکر، اعتراض و شکایات در نهاد مدیریت اجرایی و حل و فصل اختلافات می پردازد. ماهیت نظارت این نهاد مشاهده ای است. نظارت کارآمد و مؤثر بر انتخابات، نظارتی است که بر اساس اصول و قواعد شایسته ای صورت گیرد، نظیر اصل بی طرفی، اصل شفافیت، اصل حرفه ای بودن، اصل پاسخگویی، اصل صحت و دقت، اصل استقلال، اصل جامعیت در الگوی مطلوب نظارت، پیشنهاد می شود نهاد ناظر با سازماندهی ناظران مستقل، بی طرف، متخصص که از میان شهروندان به قید قرعه و آموزشهای لازم انتخابات می شوند . بدون دخالت در امور اجرایی صرفاً بر فرایند انتخابات نظارت مشاهده ای می نماید و در صورت مشاهده هر گونه تخلف، اقدام به تهیه گزارش، اعتراض و طرح شکایات در کمیسیون مرکزی و دادگاه عالی انتخابات می کند.:

هدف اصلی از اجرای قوانین انتخاباتی، تضمین سلامت انتخابات و برگزاری یک انتخابات اصیل و تحقق

واقعی و عملی حقوق انتخاباتی است . از این رو، طراحی نظام مدیریت رسیدگی و کنترل اجرایی قوانین و مقررات در یک انتخابات دموکراتیک بسی ار ضروری است. نهادهای مختلفی می توانند چنین وظیفه ای را انجام دهند. پیشنهاد می‌گردد که در یک دادگاه عالی انتخاباتی در ساختار قوه قضائیه و با شعبات ویژه در هر یک از استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیل شود تا به اعتراضات و شکایات انتخاباتی رسیدگی نماید. صلاحیت این دادگاه، در خصوص جرایم انتخاباتی بدو ی و تجدید نظری است و در خصوص تخلفات انتخاباتی جنبه تجدید نظری دارد؛ چرا که بسیاری از تخلفات و اعتراضات انتخاباتی ابتدائاً در کمیسیون های انتخاباتی توسط مدیریت اجرایی رسیدگی می شود و در برخی موارد در نهایت در دادگاه عالی انتخابات مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

الف : کتب

- 1- اشتراوس، لئو ، *فلسفه سیاسی چیست؟* ترجمه دکتر فرهنگ رجایی ، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، 1373.
- 2- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، جلد اول، چاپ نهم، انتشارات اسلامی، سال 1371.
- 3- بوشهری، جعفر، *حقوق اساسی ایران*، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
- 4- بوشهری، جعفر، *حقوق اساسی دو جلدی*، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم، 1375.
- 5- بوشهری، جعفر، *مسائل اساسی به انضمام ترجمه قوانین اساسی فرانسه، آلمان، انگلستان، امریکا، شوروی*، نشر دادگستر، 1376.
- 6- بهشتی، محمد حسین، *مبانی نظری قانون اساسی*، بنیاد آثار و اندیشه های، آیت الله شهید دکتر بهشتی، چاپ اول، تهران، 1377.
- 7- بشیریه، حسین، *آموزش دانش سیاسی*، تهران : مؤسسه پژوهش نگاه معاصر، جلد سوم، 1382.
- 8- تقی زاده، جواد، *شورای قانون اساسی فرانسه، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسی*، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره 8، تابستان 1386.
- 9- زرنگ، محمد، *تحول نظام، قضائی ایران از مشروطیت تا سقوط شاه*، جلد اول، چاپ اول پاییز 1381.
- 10- زرنگ، محمد، *سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران ، فرانسه و امریکا* ، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد اول، 1384.

- 11- زارعی، محمد حسین، **جزوه حقوق اساسی (2)**، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول، 84-1383.
- 12- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، **آزادیهای عمومی و حقوق بشر**، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1370.
- 13- حائری، عبدالهادی، **تشیع و مشروطیت در ایران**، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، 1364.
- 14- حسینی، حسن، **مقامات عالی قوه مجریه در قانون اساسی ایران**، فرانسه و مطالعه تطبیقی آنها، دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1376.
- 15- خسروی، حسن، **انتخابات دموکراتیک، تهران**، انتشارات مجد، چاپ اول، 1387.
- 16- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوقی**، تهران، گنج دانش، جلد بیستم، 1378.
- 17- جهان بزرگی، احمد، **اصول سیاست و حکومت، تهران** : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، جلد اول 1378.
- 18- شعبانی، قاسم، **حقوق اساسی و ساختارهای حکومتی ج ۱.۱**، انتشارات اطلاعات، چاپ 1381.
- 19- شریعتی، علی، **شیعه، انتشارات سحاب**، چاپ اول، 1358.
- 20- شریف، محمد، **نظارت استصوابی**، نشر افکار، چاپ اول، پاییز 1381.
- 21- شیخ الاسلامی، محسن، **حقوق اساسی تطبیقی**، چاپ اول، انتشارات کوشا مهر، بهار 1380.
- 22- عمید زنجانی، عباسعلی، **فقه سیاسی سه جلدی**، تهران، انتشارات سپهر، 1371.
- 23- علینقی، امیرحسین، **نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیت داوطلبان**.

- 24- قاسم زاده، قاسم، حقوق اساسی فرانسه، انتشارات دانشگاه تهران، 1336.
- 25- قاضی، ابوالفضل، بایسته‌های قانون اساسی، انتشارات دانشگاه تهران، 1376.
- 26- قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران 1373.
- 27- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، نشر یلدا، 1373.
- 28- مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، 1373.
- 29- مرندی، محمد رضا، نظارت استصوابی، نشر افکار، چاپ اول، زمستان 1378.
- 30- منتسکیو، شارل، روح القوانين، ترجمه علی اکبر محیری، انتشارات امیرکبیر، 1349.
- 31- مؤمن، محمد، شورای نگهبان و احراز صلاحیت کاندیداهای خبرگان مجله حکومت اسلامی شماره 8 تابستان 1377.
- 32- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، جلد دوم، نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1372.
- 33- معین، محمد، فرهنگ معین، جلد چهارم و پنجم، انتشارات امیرکبیر، چاپ یازدهم 1376،
- 34- مشروح مذاکرات مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد سوم، امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، آذر 1364.
- 35- هاشمی، سید محمد، جزوه حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیمسال اول 81-1380
- 36- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، (تهران: نشر میزان، جلد هشتم، 1383)

دوم : مقاله ها

1- بزرگمهری، مجید، بررسی تطبیقی شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در نظام انتخاباتی ایران و فرانسه نشریه حقوق اساسی ، شماره ششم و هفتم، زمستان 1385.

2- زارعی، محمد حسین، فرآیند مردمی شدن، پاسخگوئی و مدیریت دولتی، نامه مفید، مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره 9 بهار و تابستان 1380.

2- نجفی آشتیانی، مهدی، مسئولیت و پاسخگوئی، نشریه کمال مدیریت، شماره 1

3- جنتی، احمد، مجله حکومت، شماره 8، دبیرخانه مجلس خبرگان، تابستان 1377

سوم : روزنامه ها

روزنامه رسمی ، انتخاب، خرداد ،

چهارم: اسناد و قوانین

1- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب 1358/9/12 و اصلاحات 1368/5/6

2- قوانین انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری ، مجلس شورای اسلامی، قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران، قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا

3- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس شورای اسلامی 1365/5/9

4- آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب 1378/9/21

5- قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب 1364/4/5

6- قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری مصوب 1364/4/4

7- آئین نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب 1364/4/16

- 8- قانون انتخابات و آئین نامه داخلی مجلس خبرگان رهبری مصوب 1359/7/10
- 9- آئین نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، مصوب 1361/7/18
- 10- قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب 1368/4/4
- 11- آئین نامه اجرایی قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب 1368/4/7
- 5- گزارش عملکرد کمیته حقوقی وزارت کشور در خصوص انتخابات، حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس و بین الملل، شماره 12-368/ه مورخ 1385/9/14
- 6- دستورالعمل دبیرخانه هیأت مرکزی بازرسی انتخابات، شماره 119154/ب ه مورخ 1385/9/12 وزارت کشور.

مقالات:

- 1- هاشمی، سید محمد، نظارت شورای نگهبان انضباطی است، مجموعه مقالات مشارکت، حزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم؛ حزب در ایران (تهران: وزارت کشور، دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی، انتشارات همشهری، 1378).
- 2- زارعی، محمد حسین، حاکمیت قانون در اندیشه های سیاسی و حقوقی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، شماره 40، پائیز و زمستان 1383.

Abstract:

One of the greatest human initiatives to increase public participation in determining their fate, is a democratic election. Elections force responsible states that due to administrative features can influence elections and to understand the popular vote and has a particular hand. To eliminate this objection Vtzmyn election health, established the legal supervision is established. The aim is to monitor the overall political rights of citizens and the displacement of power based on the true will of the people implementing Hassan Vmshrvyt Vasalt election laws and regulations, prevent electoral fraud Vjraym, create political stability, efficient and effective management, improving public trust the integrity of the election process, effective assistance to resolve conflicts and disputes guarantee. Islamic Republic of Iran in this sensitive and important task of institution Guardian Council has been deposited. Of the constitution in 99 as it originally paid. The term refers to two types of monitoring are 1- Supervision of approval 2- Monitoring Asttlay. Guardian Council oversight and approval, including election monitoring all stages, including the election of executive candidates is approval. GC responsible for implementing and overseeing the executive board of election observers to operate according to law, and if violated, citing Guardian Council is obliged to issue final rules to the country, not to withdraw for personal or ijtehad, who lacked the competence know. Ntart being regulated can mean almost complete separation performance and providing supervision and participation in elections and create legal security and the electors are chosen subjects.



Islamic Azad University

Department of Persian language and literature

Subject:

**Evaluation the Supervision Regulation in Elections by Guardian
Councils and Interior Minister**